١

دیوان دلسوز

٢٤٩

CI MAHMUD EFENDİ
BEŞİKTAŞ
Vakıf Kütüphanesi

T.C. Süleymaniye Kütüphanesi
1923

Süleymaniye U. Kütüphanesi
Kısmı: Hacı Mahmud ef.
Yeni Kayıt No: 3564
Eski Kayıt No:

دیوان دلسوز

بسم الله الرحمن الرحیم

از الف اول احد کاو را سزا باشد ثنا — عظمت و اکرمست و جلست و بر ملا
آنکه از صنعش پدید آمد جمیع ما سوی — از عدم آورده آب و آتش و خاک و هوا

آدمی را زر با آنها چنین نشو و نما

ب نعت احمد محمود آن میر عرب — بلبل آسا میکشایم لب من از راه ادب
بود ختم انبیا بر خلقت عالم سبب — بعد از آن سید والا شه والا نسب

باشد او را جانشین حیدر علی المرتضی

ت برای نطق بر مدح علی کی جرأتست — تو به این طبع دنی در دل چه اعلا همتست
تا توانی وصف آن مولا مکن از حیرتست — تلخکام آنکس که بر وصف علی بی رغبتست

تیره بخت آنکس که آنشه را نداند پیشوا

ث ثنا خوانی مکن ای دل کسی را تو عبث — تا نیالوئی دست خود ز آلوات خبث
ثلث عمرت شد تلف در هجو کوی دو فث — ثابت القدمی اعمر علی به از ثلث

ثبت کرده در کتاب خویش وصفش را خدا

ج جهد کم کن ای دل بهر این دار آو نخ — جمع نمایی اگر مانند قارون مال و گنج

دین و ایمان نص قرآنست نفس مصطفی

ذ ذکر نام حیدر باشد از شکر لذیذ — ذو الفقارش بر عدو در دوزخ از انگر لذیذ
ذره مهر رخش از پرتو خاور لذیذ — ذیل جود در حمتش از خلد بر عنبر لذیذ

ذو العلا و بو الوفا و تا جدار هل اتی

ر رواج بخش دین حضرت خیر البشر — راکب دلدل هزبر بیشه رزم و هنر
روز هیجا از نیام آرد اگر تیغ دو سر — روی میدان را ز خون رنگین نماید سر بسر

رخ نتابد از عدو چون خواند حقش لا فتی

ز زبانم گشت در مدح علی چون تیغ تیز — زینچنین شمشیر کی یابد عدو راه گریز
زهره و مریخ گردد آب در وقت ستیز — زور بازو یش دهد بر کفر و بر ایمان تمیز

زهد و تقوا یش دهد رونق بزهد اتقیا

س سر حق بود و هم پیشوای کل ناس — سید عرش آشیان و خسرو گردون اساس
سرور کاو صاف او بیرون ز حد و هم و قیاس — سینه اش علم خدا را بی سبب گردد لباس

سوره آیس کمر شد تاج فرقش انما

ش شاه من عرف در رزمگاه بر خرد خروش — شیر دلها میشود از نعره قهرش خموش
شهریار جرم بخش و پادشاه عیب پوش — شمه از شرح وصفش در جهان نشنیده گوش

شعله شمشیر او آتش زند بر اشقیا

ص صبرش صابر از کرده ز آتش خلاص — صد عدوش جرم صد دین کند از رصاص
صرصر قهرش ز خصم فتنه جو گیرد قصاص — صحبت و صفش صراط المستقیم عام و خاص

صبح وصافش دهد مرآت دلها را صفا

فاتح خیبر گشا و شهر بند لو کشف — فیض بخش کائنات و ذرّه یاب از صدف

فرش و عرش از نور وی دایم کند کسب ضیا

ق قاموس مشیت را علی دوّیم ورق — قلب قرآن قطب ایمان جان عالم را رمق

قدرت الله آیة الله مظهر اسرار حق — قاف قدر قرب او برتر ز چرخ نه طبق

قائمست و قادرست و قاهرست و ذو العلا

کاف کوس کارزارش کرده کر گوش فلک — کن ز امرش نقطهٔ موهوم ذات بی شک

کفهٔ میزان عدل و نیک و بد را او محک — کاتب فضلش شود کر از ثریا تا سمک

کی رسد تحریر مدح رفعتش بر منتها

ل لعل کان فضل و دُرّ دریای کمال — لمعهٔ نور خدا خورشید افلاک جلال

لؤلؤ لالای وحدت گنج علم لایزال — لوح ادراک ورا کی درک بنماید خیال

لال و بی نطقست در اوصاف او شاه و گدا

م ماه برج تمکین و امام محترم — مالک ملک ولایت خسرو انجم حشم

منبع آب حیات و منشأ فیض نعم — منشأ آیین نون و القلم را هم قسم

مطلع خورشید و شمس ضیاء و الضحی

ن نخل سرکش باغ ولا شاه زمن — نونهال گلشن توحید شیر ذو المنن

نور بخش نیّرین و سرور عرش انجمن — نایب شرع نبی باب حسین است و حسن

ناجی کشتی نوحست او ز طوفان بلا

ها همای اوج عزت محترم سرّ آله — هل اتی تاجش بسرداری کردون دستگاه

هیبت تیغش اگر چه زحل در رزمگاه — هر گر ازجا بر بجنبد روز او باشد سیاه

میرسد هر دم بگوشم این ندا — شد محرّم باز علی المرتضی

شد مکرّر شه شهیدان دربدر — ناله و زاری کند جن و بشر

با سکینه مانده کوی بی پدر — شد محرّم باز علی المرتضی

ماتم شاه شهید کربلاست — این عزا بهر حسین سر جداست

آنخدا وند جهان صاحب عزاست — شد محرّم باز علی المرتضی

چون فتاد از دست عباسش علم — هر دو دست از پیکرش گشته قلم

مصطفی در خلد گوید دمبدم — شد محرّم باز علی المرتضی

آه از آندم قاسم نو کدخدا — کرده خون خویش بر دستش حنا

گشت همونس عروس بی نوا — شد محرّم باز علی المرتضی

آه از آنساعت علی اکبرش — پاره پاره شد ز خنجر پیکرش

با جفا ببرید چون نوفل سرش — شد محرّم باز علی المرتضی

داغ اصغر این دل دلسوز را — میکند زد بین دل دلسوز را

میکند غمگین دل دلسوز را — شد محرّم باز علی المرتضی

واحسینا گوید — اندر کربلا

سینه زن

کشتهٔ شمشیر جفا یا حسین — تشنه لب کرب و بلا یا حسین

آه از آندم که شه کربلا — بار سفر بست ز روی وفا

اهل مدینه همه زین ماجرا — جمله بگشتند ز شاه و گدا

واعلیا واحسنا واحسین

سبینه زن ابوم روز جزا واحسین

دست بر آن قبضهٔ شمشیر زد | حمله بر آن مرتد بی پیر زد
کرد سکینه ز قفا واحسین

نعره چو سقای دلاور کشید | لشکر کین نیزه و خنجر کشید
داغ یکی بر دل حیدر کشید | از سر عباس چو مغفر کشید
گشت بخون ارلوا واحسین

جمله انصار شهنشاه دین | گشت شهید از ستم قوم کین
ماند وحید آن شه زار و حزین | چونکه فتاد از سر زین بر زمین
گفت طیوران هوا واحسین

چون بزمین کرد نزول انجناب | گشت دل زینب محزون کباب
شمر لعین کرد بسر عت شتاب | تا بکند خون بدل بوتراب
ناله برآمد ز سما واحسین

چون عمر سعد لعین پلید | گفت حسین بن علی شد شهید
خیمه گهش را همه آتش زنید | عابد بیمار چو این را بدید
گفت چه ظلمست بما واحسین

آل علی گفت باه و فغان | از ستم و ظلم یزید الامان
میکند این شوم شام مردان | گفت ز غم زمره کروبیان
یاد لدلشیر خدا واحسین

از ستم این فلک کج مدار | سینه زنان گشته صغار و کبار
خلق جهان گشته ز غم دلفکار | دیده دلسوز شود اشکبار

یک لطف

یک لطف بر احوال من ای کان سخاوت | دارم ز تو در حشر من امید شفاعت
دلسوز محزون غم تو بدبروز قیامت | چشم همه مخلوق فدا نعام حسین است

وله ایضا

باز شد ماه محرم آشکار | ز مصیبت گشته عالم اشکبار
ماتم نوبادهٔ پیغمبر است | هم عزای نور چشم حیدر است
محنت آل بتول اطهر است | ز آن سبب عالم بشورش اندر است
گوید از عرش برین | حضرت روح الامین
شد همه عالم غمین | در عزای شاه دین
چون ز یثرب شد امام دین جدا | تا کند جانرا براه حق فدا
داد بر عباس نام آور لوا | گفت آمدم اکبر گلگون قبا
ایشه والاگهر | بهر حق داد گر
زادهٔ خیر البشر | ترک فرما این سفر
گفت شه کای اکبر شیرین زبان | باد جان قربان توای نوجوان
این سفر باید دهم لب تشنه جان | تا شوم فردا شفیع امتان
در عزایم صبح و شام | تا بگرید خاص و عام
وردشان باشد مدام | کان مقتول اامام
چون رسید آنشاه دین بر کربلا | کرد جانرا در رضای حق فدا
دست عباسش شد از پیکر جدا | پاره پاره قاسم نوکدخدا
اکبرش در خون طپید | تیر از دشمن پرید
حلق اصغر را درید | تا شد آن سرور شهید

وله ایضا

۲ گلدی ایام الم آچلدی بست ستم آغلاشور لوح و قلم صبح

و من

جهان عالم اولسون نوحه سرا بزم بکا شور و نوا قوم دغا جور و جفا آل رسوله ایدر

دشت بلا ایچره مهیا

شاه دین چون بره افتاد صد شوکت جاه
آمد از قبر رسول پنجه ناله و آه

کعبه کبی نور دو چشم شه خیل و سپاه
ایشه کرب و بلا وی قتیل اشقیا

خامس آل عبا
بی معین و اقربا

داد از ظلم یزید سگ دون کافر ملعون و زبون ایلکیدی غرقه بخون آه و دگر

شو او ضایع تو همان روز در آن دشت بلا

ناگهان قطع منازل ایلیوب شاه شهید
کربلایه یتیشوب گیدی یولین قوم عنید

ویردی صحرا و اشهکه ای دیشنه تر دو حمید
قلمه هیچ بایز عبور بندیه حکم یزور

که سالام شور و شور
اولزمان آل رسول اولدی هامی زار و ملول

آنده کوروب پنج تن پاره آواره بو احوال افغان ایله دیدی وای حسینا

آنزمان شمر ستم پرور دون کسدی عباس
کفت بر لشکر خود این چه زکشت و امان

همه با تیغ و تبر نیزه و شمشیر و سنان
بکشید از ره کین بر رخ سرور دین

آمد از عرش برین نالهٔ روح الامین
همه با تیر و کمان خنجر و شمشیر و سنان

آن شهه را همه کردند شهید شاه شهید اندر آن دشت بیابان تکیه ده تنها

ایله دلسوز بو ماتمده مدام اشک روان
انبیالر بو غمه جمله اولوب سینه زنان

ییر و گوگدن گلور هر لحظه بو سس فغان
آغلا دلسوز مدام عیش طرب اولدی حرام

آغلا نار و قیام نوحه قیل صبح و شام
آغلر اولشاهه نباتات جمادات

بروج فلک و جمله کواکب ملک و مهر و مه و عرش معلی

۸

سبب است

سبب است دو خلقت عالم
جان عالم فدای جان علی

باغ خلد برین بود باغش
هست رضوان باغبان علی

بهر پابوس اوست هفت زمین
نه فلک چتر و سایبان علی

بلکه این هشت این و نه افلاک
گوی میدان صولجان علی

میهمانند جمله مخلوق
میرسد فیضها ز خوان علی

جمله عالم بقدر قوهٔ خود
فیض برده ز دودمان علی

بهره ور شد ز لطف و دشمن
دوست کی رنجد از زبان علی

در همه جا اگر بود مهمان
حق بود اصل میزبان علی

بس تعجب مکن ز اعجازش
لامکانی بود مکان علی

این حدیث صحیح را بشنو
بشنیدم ز راویان علی

روزی از روزها جناب رسول
بود از لطف میهمان علی

حسنین آن دو گوشوارهٔ عرش
هر دو بودند همعنان علی

جبرئیل امین ز جانب حق
گشت نازل بخانمان علی

گفت خالق چنین نماید حکم
بر سان بر سنابعان علی

کرده ام من بهشت را خلقت
بهر خاصان راستان علی

نافریدم همه جهنم را
مگر از بهر منکران علی

وای بر حال آن کسانی را
واپسماندند کاروان علی

ای خوشا حال آنکسانی را
شود از سلک سالکان علی

بود موسی خلیل و نوح و مسیح
هر چهارش ز شیعیان علی

۹

پیش چشمش بخون خود غلطید | اکبر آن نور دیدگان علی
شد قلم هر دو دست عباسش | بر ملا شد غم نهان علی
کشت از ظلم کوفیان لعین | لال و بی نطق بلبلان علی
قاسم و قصد و عون کشته شد | عوض جنگ نهروان علی
وز عداوت نداد قطرهٔ آب | شمر بیدین به تشنگان علی
تشنه لب کشته شد ز ظلم یزید | هفت فرزند نوجوان علی
در زمین بلا ز باد ستم | شد خزان طرفه گلستان علی
جمله در کربلا شدند شهید | آنکه بودند عاشقان علی
سرشان را زدند بر نیزه | از سر بغض مبغضان علی
اسرایی که شد اسیر ستم | جمله بودند محرمان علی
رفت بر شام زینب و کلثوم | هر دو بودند دختران علی
شد امامی که بستهٔ زنجیر | بود فرزند مهربان علی
در کجا مانده بود ای یاران | دو سری تیغ خونفشان علی
صبر باید کند درین عالم | هر که باشد ز دوستان علی
شکر لله درینجهان دلسوز | شد ز یکرنگ مادحان علی

قصیده

باز نطقم بحمد حق ودود | از سر صدق و شوق لب بگشود
لا شریکست بی نظیر و وزیر | که منزه ز جمله حد و حدود
واحد و عالم و سمیع و بصیر | رازق رزق و صانع و معبود

برد رش

۱۱

بر درش پاسبان و خدا مند | خضر و الیاس و لوط و یوشع و هود
شد عیان بر کلیم در سینا | ذرهٔ عکس نور رویش بود
در بساط آنجناب کرد هلاک | در پس قاف قوم عاد و ثمود
اینچنین حال آنکه نیرا | که بود از قضایلش خوشنود
وای بر حال منکرانش باد | هست ایشان لربه لکنود
گفت احمد که بدترند یقین | غالی و ناصبی ز گبر و یهود
اینحدیث صحیح از من نیست | حضرت مصطفی چنین فرمود
هست بر قعر نار منزل او | با علی هر که دشمنی بنمود
نیست مقبول بی محبت وی | گر کنی صد هزار سال سجود
بیهایش منید هند جوی | تا بحشر ار کنی قیام و قعود
گر نباشد ولایت مولا | مرد را از نماز و روزه چه سود
سجده بر نور آنجناب نکرد | گشت ابلیس روسیه مردود
جنگ زد هر که بر ولای علی | نور مهر و محبتش افزود
چونکه اندر دو کون آنمولاست | کان احسان و بذل و بخشش و جود
اینچنین رتبه داد خلاقش | کو شود کور هر دو چشم حسود
هر که شد دوستار آنمولا | در جهان گشت عاقبت محمود
بر علی و ولی و اولادش | صد هزاران سلام و نعت و درود
شیعیانش زیاد باد مدام | منکرانش خدا کند نابود
زنده ام تا که من چو درویشان | میکنم در سرای او دم و دود

ایضاً قصیده

با پنهاد آنکه بکتفش نبی بتها را | درحرم کرد نگونسار علی بود علی
داد خاتم بگدا انگشت نبات نازل | آیه از قادر غفار علی بود علی
اوست عین الله و وجه الله و آیات الله | بر همه اسم نبرادار علی بود علی
در نسب میر عرب شیر خدا اشجع | قاتل زمره کفار علی بود علی
صاحب تیغ دو سر راکب دلدل | به نبی یار و هوادار علی بود علی
بشکست عهد نبی امت لیکن | در سر عهد وفادار علی بود علی
آنکه در خوابگه احمد خوابید | همچو یا که شب تار علی بود علی
از ازل تا بابد از پی شرع نبی | حافظ رکن و نگهدار علی بود علی
آنکه با سیف دو انگشت بکشت دیو | بود نه آدم و دیار علی بود علی
آنکه از شیر رهاند همان سلمان را | گشت در جبه آتش یار علی بود علی
آنکه شد در شکم حوت به یونس مونس | یار و دلدار و غمخوار علی بود علی
آنکه در آتش نمرود شد کهف خلیل | گشت آتش همه گلزار علی بود علی
کرد در طور تجلی بکلیم آن نور | نور آن حیدر کرار علی بود علی
مهر و مه گشته ز نور رخ او نورانی | از ازل معدن انوار علی بود علی
بر نبی در شب معراج رسید آنچه خطاب | همه در لهجه گفتار علی بود علی
کلمه چند که بشنید پیمبر ز خدا | آنکه نامش شده تکرار علی بود علی
عمرو را آنکه فرستاد بیک ضربت دست | در سقر بر درک نار علی بود علی
آنکه در قلعه خیبر بدر مرحب را | به پسر کرد دغادار علی بود علی
مرکز دایره هفت زمین نقطه با | قطب نه گنبد دوار علی بود علی

درحرم

در حرمت همیشه شها کی شود نصیب | بر دیدها خوش کشم خاک پای تو
من قنبرم بقنبرت ای شاه لوکشف | بهتر بود ز جاه شاهان گدای تو
دارد چه غم هر آنکه شود از تشنه و گدا | در روز رستخیز بزیر لوای تو
تو قاسم جحیم و جنانی و حکمران | هم حکم حکم تست همی رای رای تو
کی میشد چو قاهر و غالب بساحران | هر که نبود در کف موسی عصای تو
کسب ضیا نموده ز حسن تو آفتاب | رخشنده گشته ماه ز نور و ضیای تو
رخسار شان بخاک مذلت گذاشته | عالم تمام در در دولت سرای تو
زنده نشد هر آنکه نمرد اندرین جهان | باقی بود هر آنکه بباشد فنای تو
والله زنده است نمیرد درین فنا | قربان شود هر آنکه بکوه منای تو
آنکه شود مناسک حجش قبول حق | حاجی شود هر آنکه ز سعی صفای تو
تسبیح را ز لفظ تو آموخته ملک | ای من فدای لفظ در بی بهای تو
عشاق را ز حکمت لقمان علاج نی | بیمار را چه غم برسد گر دوای تو
گفته نبی که دشمن تو دشمن خداست | حق آشناست با همه آشنای تو
بر کنه ذات تو نرسد عقل و فهم ما | مخبر نشد کس از اثر رازهای تو
کی میشود شها که شود در جمعیت عیان | مجموع شیعیان شود اندر لقای تو
مقصود حق ز خلقت عالم تو بوده‌ای | خلقت نموده این همه عالم برای تو
ما از کجا رسیم که او اهست کردگار | بر شان و بر جلال و بجود و سخای تو
خفاش را چه حد رسد بر سما ببین | مرغ دلم همیشه پرد در هوای تو
بر شاه و بر گدا تو امامی و پیشوا | بعد از تو یازده پسر رهنمای تو

علی شیر خدا مشکل‌گشا دنیا و هم عقبی | هژبر بیشهٔ هیجا و ضرغام غضنفر
شده شرع نبی از ذو الفقار آن‌جناب محکم | نبودی گر علی بی‌شبهه بود عالم همه کافر
اگر صد سال مدحش را کنند اهل جهان انشا | قسم بر جان آن مولا نباشد لایق قنبر
علی مرآت ذات حق محک بر حق و بر ناحق | علی اسلام را رونق زمین و عرش را اکبر
علی را کرده خالق بر همه مخلوق خود مولا | بود آن‌شه شفیع عاصیان در عرصهٔ محشر
سلیمان چون محب مرتضی بود اندرین دوران | خدا بر او کرامت کرد عز و شوکت و افسر
علی را چون شفیع آورد ابراهیم در آتش | همان دم بر جنابش شد گلستان آتش اخگر
علی آن بود بر یوسف ز چاه غم نجاتش داد | علی آن بود او بر خضر در ظلمات شد رهبر
مدد کرده مریم را ز مولود پسر آنا | علی در خانهٔ کعبه تولد یافت از مادر
علی آن بود در وقت تولد خواند بر احمد | زبور و صحف و انجیل و هم توریت را از بر
علی شیر خدا شاه ولایت علم را مخزن | شده نازل ثنایش هل اتی از خالق داور
علی آن بود کز یکذره نور رخ آنشه | فروزان گشته در افلاک خورشید و مه و اختر
ز امر او شده محکم بنای ساحت غبرا | ز حکم او کند گردش مدام این گنبد اخضر
ز حکم او زمان سایر ز امر او مکان دایر | عقول از وصف او حایر فلک بزم و ملک چاکر
کلید خلد در دستش لوای حمد در مشتش | همه عالم بود مستش چو شد ساقی کوثر
ز حب او شده حاصل بهشت و حوری و غلمان | ز بغض او شده سافل جحیم و خشکر آذر
محبانش همیشه در قصور جنت الماوی | تمام منکرانش در سقر هستند خاکستر
علی آن بود طیر از یثرب برد در یکدم | ز جود خود غنی بنمود اندر قلعهٔ خیبر
علی آن وقت در رکوع حق بصد احسان | میان جمع در مسجد بسایل داد انگشتر

بنازم

١٤

بنازم خرابات را اهل دلی | چو زاهد ز اهل ریا نمیشد
کسانیکه خصمند با مرتضی | یقین با خدا آشنا نمیشد
علی را ولی کرده حق دیگران | سزاوار قتل تمنا نمیشد
زعشاق اگر زاهدان بد دلند | خبر دار ازین ماجرا نمیشد
بحق علی منکران علی | بجز تخم حیض و زنا نمیشد
بحشر ار نماید اعمال خیر | ز جا ار نداز مصطفی نمیشد
بفرموده خلاق عالم چنین | محبان بغم مبتلا نمیشد
نماید اگر صد هزاران گناه | یکی در جهنم بقا نمیشد
اگر ما گنهکار و خواریم لیک | بخواری ما ها رضا نمیشد
بسوزند آنانکه در قعر نار | محب شه اولیا نمیشد
نسوزد محب علی در سقر | محبان بدوزخ سزا نمیشد
لعینان که خوش یاد از وصف او | یقین دان ز اهل صفا نمیشد
بدلسوز خواهان نباشد کسان | که خواهان آل عبا نمیشد

قصیدهٔ دیگر

هر زمان بر طبع جولان میدهیم | مژده بر جمله محبان میدهیم
سر به نیکان دل بپاکان میدهیم | من نشان از شاه مردان میدهیم
وقت مردن جان بجانان میدهیم
یا علی میگوییم و جان میدهیم
چون مرا در هر زمان یاور علیست | اینجهان و آنجهان رهبر علیست

١٥

و منه

بر سرم دایم بود عشق علے کے نمایم خوف از مردن بلے

وقت مردن جان بجانان میدهم

یا علی میگویم و جان میدهم

عارفا بنگر بچشم خارجی میزد اخگر بچشم خارجی

نامده حیدر بچشم خارجی میزنم خنجر بچشم خارجی

وقت مردن جان بجانان میدهم

یا علی میگویم و جان میدهم

مینمایم از برای کلما ترا مدح و وصف چارده آیات را

فاش میسازم چنین اثبات را شاعری خوش گفته این ابیات را

وقت مردن جان بجانان میدهم

یا علے میگویم و جان میدهم

می‌کشم هر لحظه آه سرد را دایما میجویم اهل درد را

عفو فرماید خدا آن مرد را کرده نظم از طبع خود این فرد را

وقت مردن جان بجانان میدهم

یا علے میگویم و جان میدهم

یا ولے حق شهنشاه امم هست شعرم قطره او صاف چو یم

بحر را کے میکند یکقطره کم لیک دلسوز توام دارم چه غم

وقت مردن جان بجانان میدهم

یا علی میگویم و جان میدهم

بسوزد در سقر رشک هر آنکس شود منکر شه صاحب لوا را

مه و مهر و ثریا کسب کرده ز عکس نور او نور و ضیا را

ز چاه زمزم او خضر زنده در عالم یافته آب بقا را

از و گشته منا قربانگه حق صفای او صفا داده صفا را

وجود پاک آن شه کرده آباد جهیم و جنت و ارض و سما را

ز لطف شاه مردان کرد اژدر برای ساحران موسی عصا را

ولایش داده بر حکم سلیمان دد و دیو انس و جن ابر و هوا را

ز مهر شاه مردان کرد آسان خدا بر نوح طوفان بلا را

ز حب او عطا فرمود خالق باسماعیل قربانگه منا را

ببطن ماهی اندر بحر آموخت ز تعلیم علے یونس دعا را

شفیع آورد آدم در سراندیب علے عالی معجز نما را

خلیل الله را در عهد نمرود گلستان کرد او نار لظی را

کشد بیهوده آزار و مشقت نبیند منکران حج و منا را

محبان ولایت نیست لے اجر دهد در حشر مولا اجرها را

هزاران لعن بر آن قوم بیدین که خصم و مبغضند آل عبا را

ز بعد شاه مردان رنجه کردند سرور سینه خیر النسا را

چه گویم من ازل مار زهر گشتند ز ظلم و جور و کینه مجتبا را

فرستادند نامه اهل کوفه طلب کردند شاه کربلا را

ببستند آب بر روی عیالش ببین بیرحمی قوم دغا را

قصیده دیگر

۱۸

نام آن مولا نوشتن بر همه کس واجب است / زیب گردن بر همه طغرا و در جوها فرض
اینقدر از شغل بنده منع منما صاحبا / بر من وصف علی بر زبان دادن در ستایش فرض
هر کسی را از ازل یک شغل و کاری داده اند / بر من اقرار ولایت بهر وی انکار فرض
مبغضان را نسبتی با کاملان عالی نشد / بهر پاکان دوستی عترت اطهار فرض
هر کرا در دل نباشد نور مهر هشت و چار / کرده خالق بهر او در قعر دوزخ نار فرض
منکر است در دل شوق حب چار یار / بر محبان ولایت حب هشت و چار فرض
من نمیگویم خدا فرموده در قرآن خبر / شد تولا و تبرا بر همه هشیار فرض
این تولا و تبرا بهر خاصان علیست / بر گرفتن دامن آن سرور ابرار فرض
دوستی دوستان مرتضی واجب بود / لعن و طعن زمره نصاب و هم کفار فرض
در دو عالم هر که از شاه ولایت دور شد / بهر آن خر در جهان پالان و هم افسار فرض
چون طبیب عاصیان باشد امیر مؤمنان / دامن آنشه گرفتن بر همه بیمار فرض
ما همه بیمار عصیانیم او باشد طبیب / دست بیماران گرفتن بر علی ناچار فرض
چون حکیم حاذق آن مولاست روز رستخیز / شربت کوثر برای شیعیان زار فرض
از برای دشمنانش در سقر زقوم و زهر / بر محبان در جنان هم باده گلنار فرض
زایران قبر آن مولا بود اخلاص / عارفان فرموده اند اخلاص بر زوار فرض
راه خود پیدا کن ای کور و کورانه مرو / از سرور اندر عالم و هم استبصار فرض
کافران بستند در اولیا چون تار عنکبوت / شیعیان در دین خود لحظه لحظه استغفار فرض
ما در ایم آن ذهن مدح نبی احمد کنیم / در مدیحش مدح گو خوش لب گفتار فرض
مادح حقیقت و پیغمبر را احمد حبیب / با که سلمان و بوذر بلبل گلزار فرض

۱۹

جمله عالم زین مقدم سلمان بهشت / سطح دنیا از جمال پاک او دارد فروغ
اینهمه وصفی که بر ذات امیر دین میکنم / وین همه اوصاف گفته از رخ قنبر فروغ
بر زبان خواهم که وصف از قنبر مولا کنم / باشد از شوق مدیحش خامه و دفتر فروغ
مالی و مدح وصف سرور مردان کجا / گر نباشد در دل از آن فاتح خیبر فروغ
حوریان نور اخذ کرده اند از خال حسین / یافته خیل ملک از آن چهره از بر فروغ
بلکه آن تنها نه تنها حور و غلمان و ملک / اخذ کرده نور سارا مریم و هاجر فروغ
حسن یوسف ذره از نور جمال حیدر است / هم ید بیضای موسی گشته از آن در فروغ
بلکه از آن در گرفته انبیا و اولیا / معدن یاقوت و الماس در و گوهر فروغ
لعل و مرجان و زمرد هم عقیق احمری / معدن فیروزج و هم کان سیم و زر فروغ
یافت این اسلام و دین و شریعت اساس / از دم تیغ علی میر غضنفر فر فروغ
تا نیاید بر صف محشر شهنشاه عرب / هر کرا از ظلمت نباشد عرصه محشر فروغ
باعث ایجاد خلقت سرور مردان علیست / هر دو عالم گشته از شبر و از شبیر فروغ
یافت از بازوانش شرع پیغمبر رواج / شد ز نور پاک آنشه مسجد و منبر فروغ
حمد لله در زمین دوران آل [illegible] / شد ز الطاف نبی و خالق داور فروغ

وله ضیا

دی بمن گفتا یکی درویش صاحب حشمت / تا بکی بر شعر تر کی می‌نمائی افتخار
گر هنر داری بگو زینگونه شعر آبدار / اینچنین مصرع که کرده نظم مرد هوشیار
گر جوان خواهی علی گیر تیغ خواهی ذوالفقار

شل برک ازدشمنان میر نجیب سربحیر — درد دلسوز این بود در این فنا شام و سحر

گر جوان خواهی علی گر تیغ خواهی ذوالفقار

قصاید و مراثی ترکی من کلام دلسوز

ایمه و مهر درخشان ایلین پروردگار — طاق گردونی زرفشان ایلین پروردگار

عیش مخلوقات ایچون بو جهانی کاشانهٔ دلنشین — مهر و ماهیله درخشان ایلین پروردگار

کاف و نون امریله اون سکز مین عالمی — لطفله ایجاد برآن ایلین پروردگار

ای آجا سطح زمینده دیما خوان کرم — جمله موجوداتی مهمان ایلین پروردگار

عالمی گاهی بهار و گاه تابستان ایدین — که خزان و که زمستان ایلین پروردگار

قطرهٔ آب منی نقشبند قدرتی — قامت و بالای انسان ایلین پروردگار

خوبرولر عارضینون زینت و آرایشی — خال و خط و چشم مستان ایلین پروردگار

گه گنوز چوزنده جانان دلفروز و گه — تیره چون زلف پریشان ایلین پروردگار

نخل سرو گاه منعم تک قبا پوش ایلین — گاه مفلس کیمی عریان ایلین پروردگار

ای کوکردن دانه نی تبراق ایچنده آشکار — آتشی سنگ ایچره پنهان ایلین پروردگار

ایلین باد خزانی تخم بطن ماکیان — تخمدن مرغ سحرخوان ایلین پروردگار

ای دیرن شاه و گدایه رزق منت قویمین — نعمتین خلقه فراوان ایلین پروردگار

ای نامی اجناس کوکو لاتی بوفاقده — که گران و گاه ارزان ایلین پروردگار

ای بو خلقی فکر جنات و جحیمنده مدام — گاه خندان گاه گریان ایلین پروردگار

ظالمون ظلمین الان مظلومدن احقاقله — حشرده عدلیله دیوان ایلین پروردگار

ای بو

٢٠

ای بومولانون گورن یوسفده ذره مهرینی — عزتیله مصره سلطان ایلین پروردگار

ای بومولا ره ظلمات ایچنده خضر ایچون — رهنمای آب حیوان ایلین پروردگار

ای بومولانی ایدن دریاده موسی نوشنه — مهرلی روح الله جان ایلین پروردگار

ای تجلی ایلیوب موسی کمی پیغمبری — طور سینا ایله یکسان ایلین پروردگار

ای کلیمی لطفی ایله سالم ایلیان فرعونی هم — قهر ایله غرق عمان ایلین پروردگار

ای بومولانون الیله جسمله تکلی عنتری — نیزه لره هر پرده آسان ایلین پروردگار

ای بومولانون النده عمر و قیس و — قاتنه جنگ ایچره غلطان ایلین پروردگار

ای بومولانون همیشه ذوالفقارینی برنده — برق تک گفاره بران ایلین پروردگار

ای بومولانون همیشه جبرئیل و حیوی — درگه پاکنده دربان ایلین پروردگار

ای بومولا وصفنده جنده برن طبع سلیم — نطق دلسوزی درافشان ایلین پروردگار

چوخدی دلسوزون گناهی گیچ بو مولا عشقنه — ای همیشه بخش عصیان ایلین پروردگار

فی مدح خاتم الانبیا

سنکا بو جسم و بو جان یا محمد — اولا هر دمده قربان یا محمد

یاراتمش خالق و خلاق عالم — سنی بی عیب و نقصان یا محمد

نبی و اشرف مخلوق سن سن — وصیون شاه مردان یا محمد

اوزون ولادون مدحنده نازل — اولوب آیات قرآن یا محمد

سن و لدونک مطلب و مقصود خالق — یاراندی کون و امکان یا محمد

یاراتمش سندن اوتری آب کوثر — بهشت و حور و غلمان یا محمد

٢١

اولا لعنت او ملعونه که ایوب — سننک حقکنده طغیان یا محمد
کورنده معجزاتون سحر نسبت — ویردب سویلردی بهتان یا محمد
سنی هر کیمسه دشمن ذوتسه بی شک — اکوب اول تخمی شیطان یا محمد
نه باک که ناردن هر کیم اید بدر — سنیله عهد و پیمان یا محمد
آدون هر کیمسه ذکر ایله اونده — ویرور جانین چوق آسان یا محمد
اورنده ذو الفقاری جنک یخنده — دیردی شیر یزدان یا محمد
آلوردی همت اول مولا چو سندن — اولوردی تیغی بران یا محمد
سنون نورون شعاعندن منور — اولوب مهر درخشان یا محمد
طفیلیدر سنکا مجموع عالم — ملک هم انس و هم جان یا محمد
تمامی امته سن سن جزاده — شفیع جرم و عصیان یا محمد
نه بلکه امته ایلر شفاعت — اولاندر حشر سلمان یا محمد
سنکا هر کیمسه طاعت ایلر — جزاده حکم و دیوان یا محمد
سنکا دلسوز اولوب در جان و دلدن — بو عالمده ثنا خوان یا محمد
اونی محشرده قویمه خوار و مضطر — کناهی وار فراوان یا محمد

فی نعت اسد الله الغالب

یا علی هر کیمسه نون سن کبی مولاسی وار — اولماز دنیاسی کر غم یوق عقباسی وار
سومیه هر کیم سنی حقکا اولسون قسم — آتش نیرانده مسکن و ماواسی وار
کر ساله هر کیمسه بر ذره محبت سنکا — نار سقردن دونون دانه پرواسی دار

رتبه ده

رتبه ده بیشک کیجر جمله سلاطیندن — هر کیمه کیم حیدردن بر نظر ایماسی وار
زاهد اکر بوریا تک اوله مسجد نشین — اومیه یون فعلنه اوزکه تمناسی وار
دنک ضعیف باشنی چهره قویرد مبدم — مقصد عقبی ده کل مطلب دنیاسی وار
سبحه صد دانه سی مدد تند ویرده — هر کیم آنکا ال اوره فعی تک ایداسی
بابکبر و غرور طالب حور و قصور — جنتنک کورمز ولی بو سوزون آماسی
بیله قویوب قاعده قادر قدرت نما — هر کلون عالمده بر بلبل شیداسی وار
قیس خیشون تکنی ایتدی مسخر ولی — بوزاید اولوب دربدر بردانه لیلاسی
ورقه تنی کلش غمی سالدی اکر چو لکره — یوسف کمکشته نون کرچه زلیخاسی وار
کوهکن مینو جهاد اکر داغلری — آغلادی شیرین دیده وامقون عذراسی
جانم اودن عشقی یلیوز جانبنه اولسون فدا — لفظ کهربارنون مرده احیاسی وار
گوستردی جبینینه اکر محو قلور عالمی — حیف بنم یارمون عیبتک براسی وار
هر بیری ر سمله راه مجازی دوتوب — جمله بو عاشقلرون ناله بیجاسی وار
عاشق خوش آیینکز بلا یکیدوب — شاه شهیدلری کورباشده نه سوداسی
باش کسوب قان آقز هر طرفه چشمه تک — ارده سیله کعبه نون زمزم و میناسی
هانسی شهیدون باشنه سایه مصیبت کلوب — کیم بو مبارک باشون بر سیله غوغاسی
باکیمه بین دوقوز اوز التی بر اشقیه لر — یاره دکوب هر ده بر سیله اعضاسی وار
هانسی شهوان شیر دل حضرت عباس تک — سیله علمدار یا بر سیله سقاسی وار
هر کنارنده باغ کورنجه قولسوز دوشوب — هانسی جوانون سیله قامت رعناسی
قاسم داماده باغ کل بدنی چاک چاک — قانه ایله کورنجه دست حناسی وار

حضرت پیغمبر اول فخر امم　ایلدی فرمایش اصحابه اودم
مژده هر نه ایسته ویرم اکر　مرتضی دن ویره هر کیمسه خبر
جمله اصحاب ایشتدی بو سوزی　لیک بولمادیلر سلمانی کوزی
بر کونی چقمشدی سلمان وادیه　اولدی توشن اول رهنمای هادیه
تا کوروب وار ایکن سلمان ایتدی　مسجده یوز قویسون اولدم ایلده
دور کورم سلمان نیچون ایتدون شتاب　ایلدی کیفیتی عرض اول جناب
سویلدی سلمانه اول میر عرب　ایتمین آیا نه حاجت منتخب
سویلدی سلمان که نه عرض ایلیم　بیلمزم آیا نه حاجت ایستیم
شه بویوردی عرض قیل پیغمبره　اول کجه کیم کتدون عرش داوره
نیچه بین کلمه دانشدون حقیله　حکم قیلدی کردکار ذو المنن
نیچه بین خلقه بتور بر نیچه بین　سن بیل اما نیچه منسیین
یا رسول الله بو سوزدن انجمه　نیچه سن کیم اولدی فرمایش دیمه
مژده اول ستر کودن ایسترم　بنده یه سن ایله فرمایش بودم
کلدی سلمان عرض ایده پیغمبر　کوردی اول سرور چخوبدر منبره
جمله اصحاب ایلیوبدر ازدحام　تا کلوب پیغمبره ویردی سلام
سویلدی یا مصطفی ویر مژدمی　کتدی تشریف سلامت مرتضی
سویلدی پیغمبر ای سلمان پاک　خواهشوندر هر نه ایسته ایتمه باک
عرض قیلدی کلمه لر کیم حق سنکا　تا بیشوربدر بیلمیون شاه وکدا
بنده یه بر کلمه سین ایله بیان　مژده سنه ای پادشاه انس وجان

24

تا کوروب

تا کوروب بو معجزی سلمان اودم　کلدی اصحابه ویردی دمبدم
بار الها حرمت شیر خدا　ایتمه دلسوزی تخجیل روز جزا
کرچه عصیانی اولوب حددن فزون　عفو قیل بهر حسین غرق خون
شیعیان حیدری محشرده سن　قویما خوار اولسون بحق پنجتن

حکایت معجز چهار پیغمبر

کوش ایدون ای دوستان مصطفی　دی محبان علی مرتضا
بر حدیثی بن سیزه اظهار ایدم　خواب غفلتدن سیزی بیدار ایدم
بر کونی پیغمبر اول فخر انام　صبحدی منزلده دوتمشدی مقام
ناکهان کلدی کروه مشرکین　یانلر نیچه هم ابوجهل لعین
ایتدلر عرض ای رسول کردکار　کلمشوق یا بو سنکا خرد و کبار
سن اکر پیغمبر برحق سن　کل بزم بو مشکلی حل ایتملن
اولمشوق دورت فرقه ایمدی مختلف　هر بیری بر معجزه ایستر سربسر
نوح طوفانین بیری ایستر بوکون　معجز موسی نی هم کوستر بوکون
آتش نمرودی هم ایله ثبات　ویر خلیل آسا بیزه اوددن نجات
زنده قیل عیسی کمی بر مرده نی　شاد قیل بو خاطر افسرده نی
اول ابو جهله بویوردی مصطفی　کل اوتور ایظالم شوم دغا
نوح طوفانن بوکون خواهش ایدن　کتسون اول کوه وته حقیقون تیکلدن
داخل اولسون جمله بیت المقدسه　معجز موسی نی هر کیم ایستیه

25

سویلدلر ای امین ذو الجلال / بیزلردن حالین اکر ایتسه سؤال
تابتوب اول ودیله راحتی / یاده سالیدق او دده توب اطرافیمی
قالدی آتش بزی ایتیون هلاک / تا شفیع ایدوک سنی ای نور پاک
تا کهان کوردک هوادن آشکار / اولدی بیر خاتون باعز و وقار
مقنعه باشنده کوردوک نوردن / شقه سی کیسوی لف حوردن
تار و پودندن تا پاردی آشکار / پرده ناموس و عصمت پود و تار
ال اتوب هر شقه سین دوتدی بزی / یاد ایدوب ای ددن خلاص ایتدی بزی
انلره سیله خطاب ایتدی رسول / اول قریندر آدی زهرا و بتول
کلمیوب دنیایه حالا اول عزیز / حور فردوس آنکا اولمز کنیز
اوادچونجی فرقه اولدی آشکار / جمله یا شور و فغان و آه و زار
سویلدلر یا محمد مکه نی / کورجک استهزا ایدردو ابیزی
قالمجوب اول مکه یردن یا کیهان / باشمز اوسته بیزیم دوردی عیان
خوفدن خشک اولدو ادلیم / قالمدی بیزده دخی نطق و کلام
کوردوک بیر درصلابتله ادام / ظاهر اولدی بیر جوان محترم
نیزه سی له مکه نی ساخلوب شها / اول بلادن بیزلری قلدی رها
کیم اوله اول نوجوان یا مصطفی / ویردی باشن آندن بو معجز قیل ادا
سویلدی حضرت عمومدر کم / حفظ قلمدن حمزه در اولشهسوار
اول ابوجهل ایتدی عرض اول کروه / معجز جیبی نی کوستر بیزلره
بن بو کون اوزمزلمده بو سحر / نه ییوب ایتدم ذخیره ویر خبر

استیوب

استیوب قاپوندن ... اوزدرمو / حکم ایدوب اول مرغه شاه زمنون
کوتدی اول مرغنی چیکلوب کانمه / حکم او کلندی قویدی اوز نامنه
بو الذی اصحابه قسمت ایلدی / جمله سی بو جمله لعنت ایلدی
یا رحیم و یا کریم و یا غفور / یا رؤف و یا معین و یا شکور
بن سنی ویرم قسم پیغمبره / او زولیون مرتضی و حیدره
عفو قیل دلسوزن عصیانین تمام / قایم ایت دی خیله ایمانین مدام
قویمه محشرده قالا خوار و ذلیل / کیم اوزان بودر که سالمش قیل خیل

حدیث مرد قصاب

ابتدای سخن بنام خدا / خالق کاینات و ارض وسما
قادر ذو الجلال و فرد و حید / واحد و لا شریک بیهمتا
سا خلین جیتون نه افلاکی / خلق ایدن آب و خاک و نار و هوا
کاه عیان ایلین زمستانی / کاه فصل بهار ایدن انشا
کرسلان دشته منه کافور / که تو کن بحره لولوء لالا
سنکری نی دن ایلین جاری / سنکدن آب آیدن خارا
یوقدن عالملر ایدن ایجاد / بخشش ایدن لطفله حیات و صفا
نوع انسانی هر شرافتده / سایر خلقدن ایدن غرا
بعد حمد و ثنای حی و قدیم / ایلرم بنده شو قله ابلا
مدحنی بیر پیمبرون که او دور / باعث خلقت همه اشیا

بیراوجین ایلیون انکا تسلیم | حاشیهم اد دوزخیم حقا
قاضی چون گتدی دار بنادید | مسکنی اولدی جنت المأوی
بیر بیر ایله سعید له مسعود | مسند دستنده اندلر دعوا
ایلدی آنلرون آناسی خطاب | ایتمیون بحث و جنگ سیز بیجا
اولمیوب ساقدر علی کیدون اولشادن اولون جویا
دو تدلر چون خبرا و مولادن | اندلر عزم یثرب و بطحا
کلدلر حضرتون حضورنده | دیدلرکای امیر شاه و گدا
آتامز بیر وصیت ایلو بدر | قالمشوق بیز معطل و شیدا
بیزی بو غصه دن خلاص ایله | هیچ پنهان دکل سنکا اخفا
بو بیوروب دلرمان امام انام | ایلیون بیر بیر وزه جور و جفا
اول محبت که سویلیوبدر آتاز | سیزده گمکن دکل او حب رجا
ایته سزکه محبتی کوره سیز | اولا بو درد درزه جهانده دوا
ایلیون کوچه فلانه گذر | اورده بیر قاپو وار دوکون اما
بیرجه دفعه علی آدین آپارون | سیزه معلوم اولور بو چون و چرا
گلوب اول قاپویه اکی قارداش | یا علی دیلدن اندلر مجرا
کوردلر چخدی قاپودن بیر شخص | بیر الینده قلیج بیر الده طلا
سویلدی ای اوکس که مولاسوز | نام پاکینه اولموسن گویا
باش اگر ایسته سن بو باش بو قلیج | گس آپار چشم زارم ایله رها
زر اگر ایسته سن بو کیسه زر | مال و جان اتمشم بو نامه فدا

آلوب

آلوب عباسینی اله قنبر | اکدی باش اول جنابه دوسنه مولا
یا علی یا علی دیردی سسن | ایشدوب کوکده حضرت عیسی
قلعه نی گزدی گردی بازاره | کوردی اللره قصاب ایلری سودا
یو قدو بیر اوزگه ذکری عالمده | بیر سوزی ورد ایدردی صبح و مسا
المارام المارام بحق علی | ویرمرم ویرمرم حق مولا
ایستدی ویرسن اول جوانمردی | سویلدی قنبره کل ایتمه خطا
نه گناه ایتمشم عبا ایله | ایلیم توبه بن نصوح آسا
دیدی قنبر نه سوزدو بو دیسن | المارام ویرمرم حق مولا
هم آلوب هم ویروب هم ایدیکی تحسین | آدن آقامون ایله سن رسوا
دیدی کیم ویرموب المارام ارتوق | بو دو شغلم بو یرده شام و صبا
بین قزل ویرم ایلده یاد شبهه | بن جریمه که ایتمیم پروا
اسکاراد یم علی آدینی | ای سیه چهره و قدی رعنا
کوتدی و سمالی اولزمان قنبر | عزم راه ایتدی یکه و تنها
گتوروب خدمتنده اولشاهون | یره قویجک بویوردی شیر خدا
بو نجه اندر آلمسن قنبر | آپاروب بو اتی سن ایله سوا
بیجه دفعه کتوردی قنبر آتنی | گر قیتردی اولشه والا
آخرنده بویوردی گت یولی | کلورم کورسون عالی او دانی
گوتوروب قنبر اول اتی سویلوب | آل آتون ویریولم سن ای استا
آلدی قصاب اتین یا خوب دغله | دیدی عباسی یو قدو واویلا

دیدی اولشه ایون فلان یرده … دکو قونشون فلانه گیردقا
کلدی قصاب بوه تدارک ایدوب … تحفه خوراکلر اوشاهه با
عصریدی کوردی اولعرب اولده … داخل خانقاه وصحن سرا
یدی ایل اوندن اول قدم اول قصاب … چونکه کورمشدی بر کیجه رؤیا
کلهجکدر بو شهره سرور دین … ایده جک خلقه دینینی القا
پر منقش اطاق صحننده … ایلمشدی اوشهدن اوتری بنا
اوراهر کون کلوردی بر دفعه … آب وجاروب ایدوب ویروردی صفا
کیمسه قویمازدی اول وطاقه ایجره … دوست یادشمن ایلیوب سکنی
ناکهان اول وطاقه میل ایدی … صاحب ذوالفقار وتیغ ولوا
کوردی قصاب قفل دوشدی یره … قاپولر اوزره وزینه اولدی کشا
ایچرو داخل اولدلر یکسر … هره برگوشه ده دوتوب ماوا
کلدی اولدمده وعلی قصابون … ایلدی اوشهه درود وثنا
خبر آلدی اوطفلدن حیدر … نه اوقورسن ای کل حمرا
عرض قلدی اوشاه کراره … جزو قرآننده سوره طه
آجدی قرآنی تا تلاوت ایده … نطقدن قالدی اول ملک سیما
آلدی برکاسه ایچوب حیدر … باقی سن اول جوانه قلدی عطا
جرعه تا ایچوب او طفل صغیر … کلدی چون بلبل شیدا لطفه
دوکلوب قاپو چنجه دنی القصاب … کوردی دوردی آلتو بوشتنی دنیا
دیدی اول آلتولرکه القصاب … قالمیوب بزده طاقت وبارا

کوندی

کوندی قانی دیره اودم کوردی … اول فرنکیلر اولدی پاپید
گزدی هر یانی جستجو ایتدی … کورمدی غیر باشی وقان اعضا
کوتورب نعشی اولزمان آندی … بر کمینده نهان اوکان سخا
مطبخه داخل اولدی دیده … کوردی اوزعورتی دوتوب عزا
دیدی عورت ندر فغان آیدین … باشیلیوسن بو نوع شور ونوا
دیدی اوغلوم اولنده دوز مشدم … قایوده بن فقیر بخت قرا
چکدی شامی کتوردی تا قصاب … سویلدی اول امام راه نما
جاغر ابراهیمی سن ایقصاب … بزیله شام ایده اوکان وفا
دیدی قصاب کاینه عالم … شاید ابراهیم اوزکه یرده اولا
دیدی تا کلمینجه ابراهیم … یمرک بز چورک بحق خدا
آنه سی ماجرانی نقل ایتدی … آفرین سویلد آنکا مولا
دیدی حید رسعید ومسعود … بو محمدو هرایکی دنیا
اولزمان نعشی حاضر ایلدلر … ویردلر سوکتوردی برسقا
ویردی غسل اوجوانه چون قنبر … ایلدی شیر کردکار دعا
تازه دن جان عطا قلوب ناگاه … اوجوانه خدای بیهمتا
عطسه ووردی اوجوان دوردی … دیدی ای شهریار آمنا
اولزمان دوشدی بو معمه دن … ناکهان کل شهره صوت وصدا
کتورب دین اهل شهر تمام … قوتیا دیشهر ایچنده برتا
کوتدی اونلاری یثربه تشریف … کتدی اول شیر بیشه هیجا

٣٢

نقش کر اوله اهل جهان یر یوزی کاغذ
اشجار قلم قلزم آفاق مرکب

هر شیئه تمامه تشیمز سنکا خالق
ویرمش بله رفعت بله رتبه بله منصب

بو وصفده بن عالمنم آواره و حیران
بیلمم نه زبانیله ایدیم وصفوکی یا رب

قربان اولوم دور بله ویر جام پیاپی
ایسا فتح کلچهره شیرین و شکرلب

کر دوشمه بو خامه اکیز نکاه او
اولمز قمر صفحه مزین و مذهب

هر کیمسه سنی بیلمیه اولی تصرف
مشرک دونه دین آنلیوب اصلا اوته مذهب

ذات جهان جمله سی شاعر اوله صفوکی
بیدانه نطقیله سوروتمز بزی اشهب

محکم اولو نور مهر و نکله رکن شریعت
بغضونله اولور خانه ایمان مخرب

هر کیم سنی دشمن دوته دشمنیدر خدایه
مجموع یقین اهلنه واضحدر و بو مطلب

جنتده محبون قالاجاق شاد و خندان
دشمن نجه دوزخده مخلد و معذب

هر کیمسه تیورسه سنکا بر ذره عداوت
دوزخ آنکا مسکن اولوبدر آنکا مقرب

عقبی کونی یانمز اوده هر چند محبون
عصیانی اوله کر عمل خیرینه غالب

وصفونده تاپار نور ضیا قلبی محبون
منکر نجه کیم درد و صداع الم

هر کیمسه اولسه بشر بدستون عشقون
نه درس مدرس انکا لازم و نه مکتب

بو عالم امکانده هر کیمسه تاپولمز
الله و حبیب الله سندن اولا اقرب

جوق عاشقی عالمده اویس قرنی تک
دیدارنک ایدوب جذبه عشقیله مجذب

امر نکله بو اوراق جهان نظمه دوشوبدر
شیرازه حکمون ایدب آفاقی مرتب

اوراقنی برهم دوراسا حکمو بله
دوراتمه بو دور فلک و گردش کوکب

یوق عرضه سنی حکمونله حضورنده
شاهان کیانی چو غلامان مؤدب

٣٣

پیشوازه کلور ملایک دن
پرچه زوارنکا بش اوزا افواج

آشکار اوله دوستنک مهر و کین
اوله جک قبرا یونده ما یحتاج

جمله ماسوی شفاعتنکا
اوله جک حشر و نشرده محتاج

سنک امدادوندا اولمسه یا شبیر
ایکی دنیاده درده اولمز علاج

بیلمزم بن نه عقلیله منکر
سنله ایلر عالم ایچره لجاج

جسمنی مور و مار قبر ایچره
داغدولار چو پنبه حلاج

لشکر غیظ و قهر و نک اعدا
کشور عمرنی ایدر تاراج

کوره نا دان و منکر دون الموب
سینه سین تیر قهر و نکا آماج

دوستون قلبی کون کبی روشن
دشمنن قلبی تیره چو شب داج

دوستون شاد و خرم و خندان
دشمنن تلخکام و تندمزاج

وای حالنه او مداحون
که قاپوندن سن ایدسن اخراج

مال و جانین ویره یولونده کنه
آز ویره بدر بو عالی شقه خراج

کتمز اصلا قاپوندن اوزکه یره
قاله دلسوز اگر چه یوز ایل آج

فی مدحه علیه السلم

ای احمد محمود اولان نایب برحق
تا بدی سنله دین نبی پر بیله رونق

بیلمم که نه رفعتده در ایوان جلالون
درکاهنکا پیر فرشده بو چرخ مطبق

امر نکله سنون ساکن اولوب ساحت غبرا
حکمنکله سنون دور ایدر افلاک معلق

بو مسئله واضحدر و کراذن ویرمسنه سن
اشجاردن اصلا یره دوشمز نجه برق

اعدالرونکی خوار ایدوب خالق عالم / احبابونک اولور هر ایکی دنیاده موفق

طوف حرمنک قصد ایده بر شعله بلقصر / کوکدن کلور شیوه زه ملایک منجنیق

هر مرده جو زنده سنون کیم اوله مدحتگون / قبری اولور فردوس برین فرشی ستبرق

حاشا که سنون وصفونکی اتمامه یتورسون / فردوسی و خاقانی و سعدی و فرزدق

دلسوزه سنون فیضون اکر تمیه پرسان / بی نطق اولورایدیم قالور اشعاری معوق

ایضاً فی مدحه علیه السلم

کونکل وصف ایلیه مولانی مولا وصفی طاعتدر / آنونک انکار فضلی کویا عقبی جلالتدر

او مولایی که شاننده اولوبدر هل اتی نازل / اونون بغض بلاشن ایتمک نهی لغو و ضلالتدر

نجات اولسورون مهرنده در فرق الهی منکر / نیجه دشمنکو سزای جهنم و هلاکتدر

اوزون بیر منصف اول ای منکر مولا خیانت ایتمه کور / اکر ذاتونده یوق نقصان بوسنده نه خیانتدر

زهی جرئتدر بوسنده بیلرم بن ای نادان زنازاده / کورنده مدح مولا سویلرسن نقل و حکایتدر

کره باقر جیبونه نیجه شو حسبونه جنیونه / جزاک الله بو سنده نه قساوت و نه شقاوتدر

ابانا حفنده کراتمو خیانت و الدن منکر / سنون سینده بو کینه و بغض و عداوتدر

اکر نقل ایتمدن یر ایل نقل ایتمه فخر و منقبت / علی آدین ایشتجک چشمنکا دنیا قیامتدر

علینی وصف ایدو خالق ازلدن منکر مخلوق / او مولا ایله اتمک علی حقا شفاعتدر

نه من مدح المریم الغور اکر یوخ باور ایدن / آنون وصفنیه قرآنده بش اوزایه دلالتدر

علی حبه جنته دیوبدر شافعی هم مذهب / ادوان فخر ایمش شیعه بوسنیدن رذالتدر

اکر اوردور سنون قلبونده حب تصحیح بیلم / بو بیهوده خنک و بحث و غوغا و لجاجتدر

علیدر عالمه رهبر ولی خالق اکبر / وصی ختم پیغمبر علی نور هدایتدر

علی هر عالمه عالمدر علی هر نظمه ناظمدر / علی هر حکمه حاکمدر علی عین عدالتدر

علیدر قدرت یزدان علیدر مظهر ایمان / علیدر منبع احسان علی کان سخاوتدر

علیدر خوجه قنبر علیدر فاتح خیبر / علیدر قاتل عنتر علی میر شجاعتدر

علی دم ویردی عیسایه اوساکدی نوسینایه / تجلی ایتدی موسایه علی اللهه آیتدر

علی هر پرده حاضردر علی هر پرده ناظردر / علی اطهر دهر دره علی ماه جلالتدر

کناهی جوقدو دلسوزن ترحم ایله یا مولا / اونون محشر کونی سنده تمناسی شفاعتدر

ایضاً فی مدحه علیه السلم

الا ایدوستاران جناب حیدر صفدر / بنکا بیر لحظه کوش ایلیون بودم بیردر جوان اکبر

کلیدر شو قلعه نصقکنه بو طوطی طبعم / نو کر بو عالم ایجره بیر کوهر کوزل و لعل و دردر

سیزه بیر معجز عرض ایلیم بن سرکشته محزون / ایشتیون بو مدحی تماما مؤمن و کافر

روایت ایلیوب راوی بیر کون صاحب معراج / مدینه مسجدنده وار ایدی اصحاب بیر سر

که ناکه مسجده داخل اولوب ولله بیر صیتناک / سلام ایلوب بیر هوضرته وردی او خوش منظر

قبول ایلیوب بونیورد یا حسن کل آنی بویوره / آپاراو غلوم حسینیله ایدون اوزکو کلوری خیبر

آلوب آنی یوز اغوشه کلوردی اول در یکتا / که ناکه بولده قردایشی کلوب او شافع محشر

کوروب آنی یوزنی عرض ایدوب داد اهاردی ده / لطف ایلمش جدم جناب ختم پیغمبر

بو یوردی بنده به جدم یا ر بو آهونی او غلم / حسینیله ایدون اوز قلبونی شاد ایله انور

دیدی او دلشاه لب تشنه ایر آهونی شریک او لم / کیدوب جدم مدن الامام ذرکاهو بنده اسیر ور

دوشه خاک اوسته سرو قد عباس علی قوبسوز   اوله لیلی اودم مجنون باته آل قاننه اکبر
یاخه قاندن حنا قاسم عمرو سعیی باغلیه قاره   شهید کین وله عون وحبیب وفضل بیم جعفر
علاوه جمله بولار داورن ظلم وعدا ویله   حسینون خیمه سینه ابن سعد ییخا اکر
علی المرتضی دن ایلوب شرم و لسکر آتادن   اسیر ایلوب آپاروب اهل بیتی شامه بیمجر
بو نه ظلم وستمدر کیم خداوندا یزیدا بلب   غذابین کون بکون ایله زیاده یا دم محشر
اوزین تابعلرین ایله مخلد اول جحیمه   اوزدن عالم عادل سیلوبسن بهتر
کناهی چوقدر سوزن اون عفو ایله یا ربّنا   بحق نور پیغمبر بحق خواجه قنبر

رباعی

کوش ایدون دوستان بنکا بیر   تا پشوربدر بو نقطی پیغمبر
امتی زینتوا مجالسکم   روز وشب با مناقب حیدر

رباعی

ویر قولاق ایمحب خوش طینت   بیل غنیمت نه قدر اوله فرصت
امر ایدوب مصطفی مجالسیزه   مدح مولا ایله ویرون زینت

فضایل جناب مولا

ای اولان خاص شیعه حیدر   ویر قولاق ایله بو سوزی ازبر
کر علی ولیسنی ایسترسن   بیر ایشیت کوزلرون وله روشن

اولمه

اولمه راضی بو طفل مجروحی   انجده غیظ او جبیله خاتونی
دوندی قصاب النده قانلو بیچاق   اولدی سیله اوز آقاسنه عاشق
قایدوب اوردن اول امیر کبیر   رنک پر نوری اولوب تغییر
کتوروب اول قزنی امام زمان   تا یهودی اوینه اولدی روان
دوکوب اول قاپونی چو شاه زمین   سس کلوب اندروندن کیم سن
کل بی کفاره اول امام مبین   باعث خلق آسمان و زمین
منم آقای مؤمنینم بن   میر و مولای مسلمینم بن
اولزمان باشتاب و با عزت   قاپودن دیشره چیخدی بیر عورت
یا علی من فدا سنکا نه عجب   بوراکلمکدن ندر مطلب
ایله فرمایش ایتدی اول حضرت   کلمشم التماسه ای عورت
بو قزی المه دخی زنهار   ستم ویا شکنجه و آزار
سویلدی اول ضعیفه با دل شاد   یا علی ایلدوم مونی آزاد
چون نیم قاپومه کلوب حیدر   مونی ایتدم سنکا تصدق بیر
چونکه اول پادشاه کل امم   کوردی انده بو نوع جود و کرم
کرم اوسته کلوب شه شوکت   کافره اولدی ضامن جنت
عصر ایدی عورتون اری ناکاه   کلوب اولدی بو قصه دن آکاه
یاپشوب دامنندن عورتنون   ترک ایتدی تمام دولتینون
ارینون کوردی عورتی احوالن   او ده اولدی یهودیه ضامن
راوی سویلیر که بن او قصابه   سویلدم بو قصه کیتمسن خوابه

یاربنصیب ایله بیزه قربان زیارتین ‌ کرب بلاده شاه شهیدان زیارتین
مجموع دوستاره بن رد سیابله ‌ شاه ولایت دلنه مردان زیارتین
محشرده یوق غمی بوجهان هر کیم ایلیه ‌ زار وغریب شاه خراسان زیارتین
آغوشه جان یاسی عباس قرنجی ‌ هم اکبر ایله اصغر عطشان زیارتین
دلسوز یوق غمون اکر عالمده ایلیه‌سین ‌ اون بر شهید مهد دوران زیارتین

رباعی

یاربنصیب ایله بیزه بطحی زیارتین ‌ قبر رسول و مکه دمنا زیارتین
نور دو چشم احمد محمود و مصطفی ‌ خاتون روز محشر زهرا زیارتین

ایضاً

یاربنصیب ایله بیزه اخیار قبرلنی ‌ ختم پیمبر احمد مختار قبرینی
خاتون روز حشر جگر گوشهٔ رسول ‌ زهرای پر شکسته دل افکار قبرینی

قصیده

وای اول دلکه که رحلت ایده بو جهاندن ‌ بیزدست خطی اولمیه صاحب زماندن
یا معرفت بتورمیه عصرن امامنه ‌ اولسه یهود تک کذب اول ذرفاندن
هر کیم دینه امام زمانون ولایتین ‌ حقی دنوب دیدیم آنکا چخون کماندن
ای منکر ولایت مولا ایشت سوزوم ‌ ال چک بو وخ فلان و فلان و فلاندن
بن بیلیرم مونی سن آخرنه کورموسن ‌ اولکا فروجهود جنین و جناندن
هر کیمسه منکر اولسه انون مرغ روحی ‌ اوچ ایتیه قایتار لا یقین آسماندن
قعر زمینه گیرسه چیخر دله قهرایله ‌ دوزخده مسکنی اوله هر دود ماندن

ورد زبانم اولمش علی مدحی متصل ‌ ال چکمرم ولنجه بو ورد زباندن
روز الست مدح ولونوب مرتضی علی ‌ مدحی کلوب ازل احد لا مکاندن
بو قدر نیم بیرا ورکه خیالم تغیر دوست ‌ بن کیچمیشم بو راده سود و زیاندن
درک ایتمنم که غالب مدرنک صبی بدر ‌ صرف صاف دری الور هر دهاندن
اما بو قدر آنلامشم ای هنرن سوبای ‌ دوشسه مسافر آیرو اکر کاروانندن
بو امتحان مقامی بیرا ورکه متقی‌ادر ‌ بیر شاه کربلاده چیخن امتحاندن
ویردی اوحق یولنده سرو جان و مالینی ‌ کیچدی علی اکبری تک نوجواندن
دشت بلاده ویردی سو سوز اوخ قباقینه ‌ کیچدی علی اصغر شیرین زباندن
ظلم و ستمله قاسم دامادینون عدو ‌ یا خدیله الرینه حنا لخته قاندن
عباس نامدار نه اولقوم بیحیا ‌ اولدردی حیف اول قد سرو روانندن
باشین یزیده سالمه بار دیله ارمغان ‌ صدا ده بیله ظلم و بیله ارمغاندن
قرآن تلاوت ایلردی باشی نیزه ده ‌ شاموت یولنده اول لب معجز بیاندن
کوردی سکینه نیزه ده اول راس اطهری ‌ آندی سوال زینب نچه نماندن
ایمه جان بو باش بابامون باشی اولسه گر ‌ آلدی فلک قرار من ناتواندن
اولدوم یتیم سندی بیلیم کتدی غم تم ‌ اندی المم اوزلدی شه کامراندن
ال عبایه ستدی خدایا نه ظلملر ‌ اول ابن سعد و خولی و شمر و سناندن
دلسوز قیل بو قصه دلسوزی مختصر ‌ اودا وورما عرشه شعله آه و فغاندن

قصیده فی مدح مولا

یا علی صفونکا کوکلم نازدن یا یل اقور ‌ ایلرم صفونکی توفیقون اگر شامل اولور

عاشق اولمسه معشوق نغنه ناردن … تیشه ایله شیرین کیمی پرویزه واصل اولور
اولمسه جانب معشوقدن عشاقه کشش … عاشق بوالهوسون کوششی بیحاصل اولور
ماسوی اللّهه سنون امرنده دوام ایده‌لر … کرتجاوز ایدلر نقشلری باطل اولور
بطنلرده سنون امرله ملک نقش حکر … صور خلقده بو حسن رخ و کاکل اولور
دوتمسه مهرون اکر لوح ضمیرنده قرار … بدواتجادده‌ها بل دولا نور قابل اولور
کرتجلی ایده هرسینه ده مهرون شفقی … کدر کفر کدورت اولسه اکر زایل اولور
ایستسن عورتیه ارباب عورت اوتحاق … زابلی شهرمین باتمنی زابل اولور
طاعتون فرضده و مخلوقه سننک شدنحاز … اوکنوب اولکمسه زبادن که سنکا جاهل اولور
هر کیم انکار ایده حقون سنون المظهر حق … ماعرفناک احدثیندن او کس غافل اولور
روز محشرده او کس کورمیجک ناجهنم … که سنون شاه ولاتیلغنکا قایل اولور
زاهدال جک بوریاد سنی تاری تو قسنه … سنله حق آراسنده تو صفت حایل اولور
منع قلمه بو قدر مستی مولانه … کمسن رسم عبادتدن اکر کاهل اولور
اهل میخانه ضمیرنده صفا وار میدن … مسجد اهلنده بتندن بیر سکی بل اولور
ایستسن سیر سلوک ایله خراباته کذر … بیلمزم ورده نه وار بابیسه دریاد
طفل اکن کامل اولور جمله خرابات اهلی … خانقاه اهلی قوجالدقجه دون جاهل اولور
مهر مولادن اوتریا بذرالر دلسوزی … باکه یوق بانمغه تعجیل الیوب عاجل اولور

قصیده

یا علی هرکیم بو دنیاده ایده قبرون طواف … نار دوزخدن اولور عجبسی کونی پشک معاف

کیرمه

کیرمسه هرکز مسجده قلبونده ولسه ذغند … هر سودن رده اولورلر دستمار اولسه مضاف
دوتسه هرکیمسه ولیند طاعتی اولمز قبول … کو عبادتده ایدر قبله دن یوز انحراف
نیتسی باطل عمل بیجا نمازی نا قبول … کفشکندن تا الی محرابه دین دولسه صفاف
دوره باطلدر اولمز بیر پاره سرشکار … حکم اولورلر حقیده ایلر شیعه منکردن بلاف
بن کیمیم وصف الیوم مولانی انار سمدر … یوسفون بازارینه بیر پیره زن کتیدی کلاف
لایق جود کل هرچند شعرم فی المثل … اولمسه کاتب دیرلر جلد ساز یا صحاف
ای وجودی فخر دودمان هاشمی … وی یکانه در بحر زبده عبد مناف
اولمسه سندن اکر امداد بس بن نیلیم … یوق آغر بارلنک شبدیچون پره دور صحاف
پر توفیضون کسلسه مهرا نوردن اکر … حشره دین بارینک اولور کنمز بوزیندن انکساف
آستانن پرده سینه اولمغه لایق کلر … استر دیبای کردون اطلس کبری سجاف
آرزو سیبی یوق دخی قلبنده دلسوزن یقین … بو یاوقده ایسه کربیرده سنون قبرون طواف

مخمس

ای عارف اولان کوشت ایونیندمه هشیار اول … چیقمز هدریادن تا عالمده سبکبار اول
صنعان ترسا سوآماده زنار اول … قیل سجده بته هردم ترسایه خریدار اول
دوت عشق اتکندن بس تا قابل دیدار اول

امست غم دنیا غفلتدن اویان بر دم … کیج دهر هوسندن قیلمه اوزنکی درهم
آخر یره یکسان هر ادلسن رستم خند … آلایش عشقندن ایله قدمون محکم
رفتار سلوکنده چون نقطه پرکار اول
خفاش تک ای غافل تاب ایده نیکی کور اولمه … وصلینی غنیمت بیل آندن دخی دور اولمه

42

مخلوق تنک اگرچه بشردر نجه بشر / ایوان لامکان او شهه بارگاهدر

روشن قیلن جهانی آنن عکس نوریدر اوشه / هر ذره عکس نوری بو مهرلیه ماهدر

مولود اولوبدر بیت الهیده چون / باعث او درکه کعبه یره قبلگاهدر

بیر باغچه‌یه ایدرها موافق کیمیا / عالم تمام منظر بیرنکاهدر

مدح او شاهه خالق عالم اولوب ازل / بالقوز نه انس وجن نه سبزه گیاهدر

نه بیر ثنا و مدح او شهه مدح وصف اولونور / نه بیر جلال و شان او شهه عز و جاهدر

جنت محبتنده دو بغضنده در جحیم / خلاق خلق اوزی بو کلامه گواهدر

ذرات کائنات اولوب معدوم اولمسه / مولا وجودی عالمه پشت و پناهدر

هر کیم آنون ولاینی ایتمز قبول / دنیا و آخرت ملعین روسیاهدر

یول بوقدر ذات حقه صفات خدا ایچون / مهر و محبتی او شهون خضر راهدر

نه ذات اولور صفات نه هرگز صفات ذات / چوق عالمه بو مسئله‌لر اشتباهدر

حب علیله گر اولمسه قوبمزله جنته / باخمزله بو عمامه دو باشده کلاهدر

آدم ووقتدن که چیخوبدر بهشتدن / کارم نیم همیشه بو افغان و آهدر

مولا فراقی الدن آلوب صبر و طاقتم / یوسف کیمی جهان بنکا زندان و چاهدر

ساقی کتور بنکا او می خوشگواردن / لطفیله دوت الیمی که عالم تباهدر

زاهد همیشه چای و پلو خوار در دیر / ایچمون شراب نابی عزیزان گناهدر

طعنه اورر همیشه خراباته آنلمز / زهد و ریا و زرق و ریا خانقاهدر

هرکیمسه طالب اولسه بو دنیا اسیاسنه / مولا دیوب او مثل کلاب و روباهدر

او اوز یاننده دایم ایدر کبرله غرور / بالله نیم یانمده او بیر پرکاهدر

بیلمم

43

بیلمم بو ایل نه نوع کلوب گیتدی نوبهار / ایتدم نه سیر گل نه گلستان عجب عجب

بیر ایتمدم جهانده جانان وصالنه / اولدوم اسیر محنت هجران عجب عجب

جانان بولنده ایچمه هرکیمسه جان بدن / اولمز حریم درگه جانان عجب عجب

ساقی بو غملو وقته کتور جام لاله گون / دورایله قویمیه دد ایده دوران عجب عجب

زاهد تک ایتمه جمعونکی پایمال مدرسه / سایتمه متاع عمرنکی ارزان عجب عجب

عمرم منیم گیتدی تمامه بیر اولمادیم / زوار قبر شاه شهیدان عجب عجب

قورخوم بودر بو حسرتیله دهردن گیدم / بیر اولمیه بو درد مه درمان عجب عجب

خوف ایلرم که حشر گونی قویمیه نیم / رخساره مه غبار زعفران عجب عجب

هرکیم تمام عمرده بیر دفعه صدقله / شاه رضایه اولمیه مهمان عجب عجب

بیهوده عمر ایدوبدر و تیجر دوت کونین سیاه / بیلمم کلوب گیدوب نیه یادان عجب عجب

مهلت ویری اجل که ایدیم جانمی نثار / هجرنده بلکه چیخمیه بو جان عجب عجب

حقینه عارف اولمسه هرکیم او سرورون / کافر دار اور ماسون دم ایمان عجب عجب

دریاده فیضی تیمسه بنیانی اولمز / جوف صدفده گوهر غلطان عجب عجب

هرکیم زیارت ایتمسه بو شاهه طوسده / عفو ایلمز گناهنی سبحان عجب عجب

هرکیمسه زائر اولسه او مولایه غم یمز / طوف ایلمزله قبرینی شاهان عجب عجب

نور رضا اولوب سبب خلقت جهان / خلق اولمیوب بو عالم امکان عجب عجب

چکمزله روز و شب او شهون آرزوسینی / نوح و خلیل و خضر و سلیمان عجب عجب

درگاهی اولمسه گر او نون عرشده رفیع / اولمزله انبیا اونکا دربان عجب عجب

فوج ملک فلکدن اونوب عجز حالیله / اولمزلر اول روضه نگهبان عجب عجب

دلسوزه قیل شفاعت اوزون روز حشرده
سالمش اوزین دخیل بو آل پیمبره

سینه زن

هر کیمسه نون که قلبی بو ماتمده یانمیون | یا حیضیند و یا که زنادن اولد انمسون
فرخ ایل بو غمده سید سجاد اعلادی | بیچاره کلدکیمسه آنی سهل صانمسون
آیا کیمون آتاسنی ایلو بدلر شهید | اوغلنی اسیر اولوب آتا قانین الانمسون
زینب کیمی بو عالم ارادرد و غم چکن | هر کیم ایشیتسه کورسه کوزیله انمسون
نه دنیده هانسی نه بیده بورکوا کیکلم | قارداش اولنده بابسی بیر آغلیانمسون
یارب جهانده خیمه وخرکاهی کیمسنون | شاه شهید خیمسی کیمی تالانمسون
هر کیمسنون عیالی حسین علی کیمی | شمره اسیر اولوب کچه کوندوز دولانمسون
قاسم کیمی بو عالم ارا هیچ نورسون | شمعی طو یینده ظلمله قاره بویانمسون
آلدی قوجاغنه اصغری اولده مشتابله | میدانه کندی هرمله بیدین اوسانمسون
یوز دوتدی اشقیایه که ای قوم بیحیا | اولمون رضا بو طفل عطشدن یاتانمسون
یارب اولوب فراتدن عالمده کیمسه تشنه | هاردار دوا آل علی سوتایانمسون
قویدی کمانه هرمله بیر اوخ آتوب دیدی | صغرا و یانمسون کیچوب اوخ دایانمسون
خورده اوشاق بو غازنه غافلدن اوخ دکه | هاردا اولور اوشاق پیرادو یانمسون
آچدی کوزین تبسم او بابدن ایلدی | بلکه چکوب آتاسی خجالت اوتانمسون

دلسوز نوحه ایله بو دنیاده صبح و شام
عقبیده ایسترسن بدنون ناره یانمسون

هارده پیر نورس جوانون قامتی اکبر کیمی | ظلمله اوزقانینه غلطان اولوبدر یا حسین
پر نظر دلسوزه قیل ایسر و خونین کفن | دایما اولمش غمونکده نوحه خوان و سینه زن
سن اوزون محشر کونی ایله شفاعت طفله | غرق بحر بو لججه عصیان اولوبدر یا حسین

سینه زن

ای چرخ ستمگر و جفاکار | نه ظلمیدی بو که ایتدن اظهار
بو هارده روادر آل سفیان | تخت اوسته تمام شاد و خندان
بی فرش و لباس تشنه گریان | ویرانه ده یاتسون آل اطهار
بر هم اوله مرتضا جلالی | حددن اوته فاطمه ملالی
راحت یاتالر یزید عیالی | زینب اوله دستگیر کفار
عرشه چیخه اهلبیتون آهی | هر کیمسنه اولمیه پناهی
هیچ کیمسنون کوروم آلهی | اطفالی بو نوع اولمسون خوار
ویردون او قدر یوز اشقیایه | کورسندلر آل مصطفایه
وردون شه دین باشین جدایه | دلشاد اوله ابن سعد غدار
ایتدون نجه جور و ظلم و کینه | کفاره اسیر اوله سکینه
چیلاق دوه ده مه مدینه | شامه کیده بی نقاب و بییار
دلسوز ایله نوحه بو عزاده | قان آغله کلن بو غم فزاده
اجرون یتشور سنون جزاده | پیغمبر اولور سنکا مددکار

عوضه

دلسوزان اوزن ایله کلین درده درمان دایم بیره آفاقده نوحه ایدر افشان

اولمیش گونی قاره فرداسی علی اکبر

بیش واقعه

ای سرو نورسیده باغ حیا علی ای نونهال گلشن شیر خدا علی

قویدی بنی بو گل یوزنگا حسرت اوغل علی ویران اولایدی کاش بو گردون بلا علی

پیر آتا بونگا سنوان اولمز عوض یقین گر ویرسلر جهانی سنگا خونبها علی

سن کیمی تلیکومم اصلا آدنه هر کیمنه باخسون اندی بدن ابن حدا علی

دور صال یوله آتن گیدر سنی شامه بی نقاب بیلمزدم ایسیج بیله سنی بی وفا علی

آلسون خبر سکینه بونون احوالنی اگر سیلی اورار عذارنه شمر دغا علی

آچدر یوسور پیاده قباقنجه آتلیردن قالموب دقدر کیم اوله بو بینوا علی

پیریا اوغل مصیبتی پیریا اسیرلوق اولدی آتن نه گونلره گور مبتلا علی

شام وصباح بیزلر ایچون نوحه خوان اولنوز

دلسوزون ایله دردنه بیرچه دوا علی

ایمه و مهر جهانه کیتمه بومیدانه آسن اکبر شیرین بیان کیتمه بومیدانه آسن

رحم ایله لیلایه سن سالمه اوتی جگرلره قومیه اوره کوفیلر سیلی بن مضطره

یالواره زینب لیبم شمر ستم پرور ایلیه آه و فغان کیتمه بومیدانه آسن

دون دلو باخ سرچه گور پادشه کربلا سرور سلطان دین سبط رسول خدا

گورنه دلو نجه باخار حسرتیله یا اخا قدینی ایتمه کمان کیتمه بومیدانه آسن

گرسنی زهرا گوریدی قانیگا غلطان اوغول چنک آتیله ایدردی عالمی ویران اوغول

نوحه دن آرتوق صاگوردی عالمه طوفان اوغول شیون ایله حیدرون دل خسته هم بیر یا حسین

ماتمونگده شیعه لر جمله اولوبدر سینه زن وا حسینا سویلیوب آغلر لیکسر شور تن

بیر بره گیمیش تماما خلق عالم مرد و زن قاره گیمیش مسجد و محراب و منبر یا حسین

اصغرون داغی ایدوبدر شیعه لر باغرین کباب آغلر اول طفله همیشه بو جهانده شیخ و شاب

بیلمزم آیاندن ولماده بو عالم خراب کیم دوشنده آتدن اول شهزاده اکبر

بیلمشنک قردلر مجموع اعضانگ سنک ظلمله اولدیلر دلریاره و هو دار نک

صالدیلر قولسوز یره ورزه اول علمدار قالمادی عون و حبیب و فضل و جعفر یا حسین

تار و تار اولمشدی او جولده قاره شون اوغلیسون بوینیه هیچ قیله صبا لدن

پاره پاره اولده نعش قاسم گل پیر نو عروسی صاالدی باشه قاره معجز

اولزمان کیم حکم قیلدی ابن سعد بیحیا خیمه کاهون نما رتاندی ظلمله قوم دغا

زینب و کلثوم اولدی دستگیر اشقیا بس نجه راحت نجفده یاندی حیدر یا حسین

سندن اورکه کیم سیله جور و جفا یه تاب ابدر کیم بو محنتلو بو غملو ماجرایه تاب ابدر

کیم بیله ظلمه بو امره بو قضایه تاب ابدر انبیا و اولیا لر قالدی مضطر یا حسین

اندلر باتندر اوظلمی کیم سنگا قوم ظلام ماسوی الله سیله ظلمه تا ابد ایمز کلام

حق بولنده نخشیسی گنجیدن واربو قدن بالتمام هر نه ویرسه حق سنگا اولمز برابر یا حسین

ساغلیه هر کیم محرمده بو دون گون ماتمی یوقدر محشرده اونون هول جهنمدن غمی

دولده بر جرم و عصیانی تماما عالمی ایله دلسوز شفاعت روز محشر یا حسین

سینه زن

ظلمله اد داور دلرخیمه وخنجر کاهنه … کاشش یانیدق تمام آتش سوزانینه

بو سیله یاتمد و کیم ـ عمین … کوکده ملکلر د و توب کیم اد شهنوفی یا همینه

شیونله عرشدن حضرت روح الامین … سویلر عزا دو تشوق شاه شهیدانینه

بو کیجه دلسوز اولوب نوحه کر ایلر نوا … بو کیجه فریاد ایدر اولسه ایچون سوز

تشنه قالوب بو کیجه عترت پیغمبر خدا … سوایچوب آب نجه شام ایدک افسانه

ایضاً منه

نه لازمد بو زلفه شانه سینه … یاتار ظلمله اندی قانه سکینه

قالوب یا یقوز آخر بابام نا دولمه … بن یکس و ناتوانه سکینه

آه غریب کورمسن خیمه ایچره … کلوب تشنه لقدن امانه سکینه

کتوردم بو کون سونکا یاکه اولتام … خدنک بلایه نشانه سکینه

علی خانمانین خراب ایلدی … دو لانسون کوروم بو زمانه سکینه

اولوب قاسم ایلر عروسی فغان … نجه تاب ایدم بو فغانه سکینه

جنانده پیمبر بولوم کوزلری … کرکدر کیدم بن جنانه سکینه

دو شوب باشمه شوق وصل جنان … شهادت اولوبدر بهانه سکینه

بن زاره دلسوز اولوب نوحه خوان … صالبدر شرار ره جهانه سکینه

نوحه

ای قاسم کل پیرهنی نو کل باغ حسن … آخر تازه داماد سن کیتمکلن بو میدانه

قسم عقربه ده در … کل بینه تمه دیوانه قسم عقربه در

٤١

شیعه

وله ایضاً

ای شیعه ابن ملجم ده یاخ شقاوته … یاخ دل لعینه کینه و بغض و عداوته

پیرزانی زنادن و ترا ول لعین دون … کوردی روا بو ظلمی او شاه ولایته

محراب ایچنده قانه غلطان بو کون … کیم صالدی کور علی و لیبینی بو حالته

کلثوم دن روایتدر بو کیجه بابام … افطاره میهمان ایدی بن کیم سعادته

تا صبح اولنجه صحنه چیخوب کوکه کلوب اولدی … مشغول اولوب او سرور عالم عبادته

یاتماد صبحه تک و ایدی اضطراب جوق … کاهی یاتردی بولدزه کاهی علامته

سویلردی یا علی بیلکی یا غلیه مر اقچون … نه دیکدر کرک کیده سن ضیافته

کرچه تو کوبد باشمزه کل نزوم فلک … بیر ضربتیله تیدی او سرور شهادته

بس نیلیدی و غلی شه کربلا حسین … دکدی نه قدر یاره و نور هدایته

ویردی نه نوع زینت علی کبره او شه … کیدردی او زالیله کفن سرو قامته

صالدیله ظلم الیله ظلمدار نون فغولین … نه ظلملر اولندی و کان شجاعته

داماد قاسم طویونی ایتدلر عزا … تاب ایلدی نه قدر جفا و شماتته

آلدی قوجاغه اصغر لب تشنه نی او شه … سو ایستدی او بو ته باغ امامنه

اوخلوب او طفلی ایلدی سیراب اهرمله … لعنت اوله او فرقه شوم ضلالته

دلسوز اکرچه عالم اوله روضه خوان کولنی … اولمز تمام قالدی بو غملر قیامته

نوحه

بو کون او کوندر ایدون ابن ملجم لعنت … اوروب علی دلی یا شنه بو کون ضربت

بو کون او کوندر یاتوب قانه حیدر صفدر … صالبدر او یا زینب بو کون قرا معجبه

٤٩

سینه زن

سینه زن

الامان الامان الامان الامان

دوشدی یاده داستان کربلا | اولدی خلقون عیشی برهم یا حسین
آغلا شور بو عمده عالم سربسر | پیر و برنا انس و جن و بحر و بر
قاره گیمیش بو مصیبتده حجر | مکه و مینا و زمزم یا حسین
نوحه کر در بو عزاده صبح و شام | انبیا و اولیالر با تمام
شیون و افغان زار ایلر مدام | خضر و موسی نوح و آدم یا حسین
شیعه یجا در بیره کلمک بو آیی | فرض در افغان زار ایتمک بو آیی
وار دو ذاتنده خلل مشکیبو آیی | اولسه هر کیم شاد و خرم یا حسین
آلدلر الدن علمدارون سنون | قردلر جمله هوادارنک سنون
اولمادی بیرچه عزادارن سنون | عالمی یاندردی بو غم یا حسین
یا حسین ای پادشاه خون جگر | لطفله بو مجلسه صال بیر نظر
کورنه شوقیله سنکا بو شیعلر | ساخلیوبلر جمله ماتم یا حسین
جمع اولوبلر بیره پیر و جوان | جمله سی ایلرله فریاد و فغان
خلق عالم جمله اولمش نوحه خوان | نوحه ایلرلر دمادم یا حسین
کربلاده کاش سنله اکبره | دکمیه‌یدی بیرچه اوخ اولسه ذره
مسکن و ماوا اولیدی بیزلره | حشرده قعر جهنم یا حسین
کل ذراته ازل کون بو بلا | امر اولیدر سن دیدن شها بلا
بو شهادت سز به سندن سوا | اولمیه‌یدی بیرکیمسه محرم یا حسین
سینه سوز انکا با صد جفا | چکملو قویدی قدم شمر دغا
فرشده دوشدی لرزه تا اولدی هوا | تتروی هم عرش اعظم یا حسین

بیر مرض در کیم یوخ بونا بو قدر دوا | خالق عالم اگر ویرسون شفا
بیر بلا در آغلاماز شاه و گدا | مرد و زن فقر و غنی پیر و جوان
بیزلره سنی ویردک قسم پیغمبره | هم آتان ساقی حوض کوثره
هم آنان خاتون روز محشره | قیل ترحم ای امام انس و جان
گرچه عالمده گنهکاروق مدام | حد نکا آخر عزاداروق مدام
ماتمنده اولشهون زاروق مدام | اولمشوق شام و سحر نوحه خوان
آغلاروق دایم سنله اکبره | تشنه لب اول شیرخواره اصغره
فضل و عباس ایله عون و جعفره | قاسم داماد ای شاه جهان
گرچه جرمیله دولوب ارض و سما | ایشه عالم امام رهنما
عرض دلسوزی ایشیت شام و صبا | حشرده سن شفیع عاصیان

سینه زن

اولدی نمایان مه درد و بلا | دوشدی گنه یاده شه کربلا
ماه محرم دو دور ای بیخبر | شور ایله دور با سنکا شام و سحر
سوزه گلوب ارض و سما بحر و بر | گتدی دخی موسم ذوق و صفا
عالمه ارا بو فلک کجمدار | ایلدی ظلمین تازه دن آشکار
اویمه گوزوم غفلته شام و پگاه | آغله گلن سن دخی شام و مسا
آغلا گوزوم آغله بو محنتده سن | اشک روان ایت بو مصیبتده سن
آغلمه سن بلکه قیامتده سن | وعده ایدوبدر بیزه اول مصطفی
چون شه دین بار سفر باغلدی | عالمی بو غم اودنه داغلدی

آل عبا داغنی دوتکله / کمندن دردنکا اولمزدوا

ومنه

ایشیعه بوماتمده کل شورله افغانه / قان آغله کله هردم اولشاه شهیده
آغلا ایله ماتمده مشهور در عالمده / هردل یانا بو غمده یانمز دنیز آتشه
یاتما دی بیدار اول کریانده دلفکار اول / بو غمده عزادار اول اولشاه غریبانه
محشر اولونوب کویا بو عالمه آرایه / دوشمش نجه کور غوغا بو عالم امکانه
جن و ملک آدم یریره کوب عالم / اولشاهه دوتوب ماتم تکبیر کلوب افغانه
مجموع پیمبرلر قان آغلیلر یکسر / والله بجا درکر ناله یته کیوانه
اولشمر سک غدار او کافر بدکردار / بو آیده ایدوب اظهار ظلمن شه مردانه
قولارین و سردارون صالدیلر علمدارون / قدین شه کرارون دوندردیله چوکانه
بو آیده علی اصغر تشنه اولوب اولسر کز / شهزاده علی اکبر بو آیده باتوب قانه
چرخون ستمندن داد اول قاسم دلناشاد / اولدی هدف اولدا ما شمشیرله بیکانه
بو آیده شه دوران فرزند شه مردان / آلقانه اولوب غلطان رخنه دوشوب ارکانه
توک دلسوز بیچاره غم اشکینی رخساره / کوز یاشی اولر چاره محشر کونی عصیانه

سینه زن

یاندی کنه شمع شبستان غم / آغلا کوزوم آغله کله دمبدم
آغله کله آغلا کوزوم بی ریا / آغلاماسان اهل دخی روز جزا
ساخلدی بو آیده حسینه عزا / عرش خدا کرسی و لوح و قلم
آغله کوزوم توک یوزه اشک بصر / آغلادی بو آیده هامی بحر و بر

عاصی غرق

عاصی غرق ایله کله اشک ایله / بلکه دوته دستون امام امم

سینه زن

کاش اولا ویران بو چرخ اخضری / دایما خار ایتدی آل حیدری
ایتمیوب خشم پیمبردن حیا / ایلیه ظلم و ستم جور و جفا
عترت زهرا ایچون کوردی روا / قلدی کریان بو غمه پیغمبری
اولماسی ویران نچون بو چرخ کر / ایلندیکیم اولکونی اتیون سفر
کربلایه پادشاه خون جگر / سیلدی دغلی علی اکبری
سولیدی دورمه ایا تازه جوان / قیل مدینه خلقنه یکسر بیان
کربلایه عزم ایدر شاه جهان / قیل خبردار فضل و عون و جعفری
یوکلیوب چون کاروان درد و غم / آتلانوب اول پادشاه غمحشم
آلدی عباس علی دوشه علم / کوتدلر اول زینب غم پروری
چکدی یریدن اوشه با غر و جاه / آندی تا منزل بمنزل طی راه
کسدی تاکه یوللرین بیچه سپاه / تا یتوب آندیله حر دون لشکری
خوفه دوشدی عترت زهرا اوقدم / حر شرین دفع ایدوب شاه امم
بیر یره یتدی که آتلر بیر قدم / کتمیوب چون طی ایدی منزللری
حکم قلدی اولزمان سبط رسول / اول بلا دشتنده ایتدیلر نزول
عترت زهرا اولوب زار و ملول / دمبدم اولدی یاد غملری
ویردی فرمان ابن سعد بدگهر / دوره آب فراتی کسدیلر
قالدی عطشان آل حیدر سربسر / تشنه لقدن صولدی کل تک لبلری

ابن سعد پچیا شمر شریر / عترت زهرانی اتدیلر اسیر
ناقه اوسته جمله سین خورد و حقیر / قوم سیدین گزدردی چوللری
کوفیه داخل اولان کون عابدین / زینب محزون و کلثوم حزین
چخدیلر پیشوازه اول قوم لعین / شاد و خندان جمله الوان اللرینه
بس اوکون ناردیدهٔ حیدر شیعه لر / قیزلارین بزم یزیده چکدیلر
ایلیایدی شامی ویران سربسر / کیم نجه ویرانه قیلدی خیبری
یا علی دلسوزه بر ایله نظر / اوغلنگا دایم اولوبدر نوحه گر

سینه زن

آه ای پادشه کرب و بلا / سوسوزا ولدردی سنی شمر دغا
شیعه لر سینه سنه چکدیله داغ / ایستدیلر سنی بکرا ایله قوناق
یوزنگا اولدیله مجموعیسی عاق / بو دو دردم بسم هر صبح و مسا
کسدیلر آب فراتون یولینی / صالدیلر ظلمله عباسن قولین
گلشنون ظلمله دردیله گلین / بو یورشام و سحر شیر خدا
ای اولان پادشه جن و بشر / نیله غدر نجه یاددن بو مکر
حشر اولنجه مونی هر لحظه دیر / مصطفی و حسن و خیر النسا
آلدیلار الدن علی اکبر تکی / ظلمله اولدیلر اصغر تکی
ساربانون کسوب اوز الگرد تکی / یاندی بو حالنگا مرغان هوا
نیلمشدن قوری پراوسته سنون / اوچ کون اوچ کیجه قالوب کلیدونی
نه حنوط و نه غسل و کفنون / نجه بو ظلمی روا کوردی سنگا

٥٤

سینه زن

پراشید

پراشید عرضمی ای پادشه جن و بشر / آندا کیم اکبر و عباسی شهید ایلدیلر
ایتدون سن ایدین ذوقله میدانه / نه قدر عجز ایلدم گتمه بو میدانه حسین
باحمد و عرضمه ای پادشه کون و مکان / سویلدون چاره یوخ باشه دوشوب
کسه بو باشی گرک شمر ستمکر دالودن / ایلدون باجون زینبی آواره حسین
بن هارا ناقه هارا لشکر کفار هارا / بن هارا کوفه هارا شمر ستمکار هارا
بن هارا شام هارا کوچه و بازار هارا / سنون عشقنده جگر زینبی بریانه حسین
سن شهید اولدون ای پادشه خورد و کبیر / یاندروب خیمه لرون بیزلری ایتدیلر اسیر
قیزنگا سیلی اوردی رحم ایلمدی شمر شریر / تیمتم شمر و الندن دمن جانه حسین
شمر دون ظلمنی عالمده نمایان ایلدی / ابن سعد حکم ایلیوب شامی چراغان ایلدی
اهل شام اللرینی جمله الوان ایلدی / اتدیلر جمله شماتت بن نالانه حسین
چخچه چکدیر بو یادمدن بکر ایشاه شهید / آپاره بزم یزیده نبی اول شمر پلید
اوتوره تخته کوک باشنی ایده خور یزید / خیزران چوبی اوره لعل بدخشانه حسین
سویلیم بزم یزیده اولان نقلی اگر / دوشر آفاقه یقین نار و شرر
اهل کوفه قیزون ایشاه کنیز ایستدیلر / نه کلوب غیرت شاهنشه مردانه حسین
نفسی دردیم سنگا اظهار ایدیم ای شاه شهید / آغلیانده سنگا من بیکس نالانه حسین
تازیانه ووروری باشمه بو شمر لعین / رحم ایدن یوقدر بن حال پریشانه حسین
های اولکونلرم ای پادشه خرد و کبار / فخر ایدردم بونه آفاقده بر بلبل و
بن حسین باجیسیم حرمتم هر بزنده وار / ایمدی کوربالوار ورم لشکر شیطانه حسین
هر محرم ده بغر باشنه چوق پیر و جوان / آغلادر خلقی دیر نوحه جگر آه و فغان

٥٥

سینه زن

بو آی بیر اولان طوبیله یاسی | اول قاسم تازه كدخدادر
بو آیده اولوب شهید عدوان | بو آیده اولوب حسینه قربان
بو آیده كچن ایكی قولندان | سقای شهید كربلادر
اولدیلر اسیر زار و مغموم | ماننده اسیر دیلم دروم
اول زینب و شجیع قاره كلثوم | بن درده بو آیده مبتلادر
آفاقه بو شورو شینی | امتدن اوتورا ونور عینی
بو آیده ایدن شهید حسینی | اول شمر لعین بیحیادر
دلسوزنه نه قدر وار دو فرصت | كل غفلته اویمه بیل غنیمت
كوزیاشی اولوب كلید جنت | هر درده بو آغلماق دوادر

سینه زن

یارب بونه غمدر چاره اولمز | هر چاره بو آه و زاره اولمز
هر ایل دوشر عالمه بو وحشت | هر ایل اولور تازه بو مصیبت
عالملری یاندروب بو محنت | هرگز اثری شراره اولمز
چون روز الستده پیشوایه | حكم اولدی او شاه نینوایه
صبر ایله تشنه هر بلایه | هیچ عاشقه بو اشاره اولمز
افلاكه چیقوبدر چوق فغانلر | ناحق توكلوب نه قدر قانلر
آل قانه باتوبدر چوق جوانلر | اكبر كبی پاره پاره اولمز
چوق طفل اولوب اگرچه بیجان | چوق طفل اولوبدر قانه غلطان

كل اشد غرضیمی سروارم عمو یارم عمو | كتمه میدانه علمدارم عمو یارم عمو
نسدن اوزكه بابا موندن بو قیدو كسی دی دریسی | بابامه رحم ایله غمخوارم عمو یارم عمو
كرسنی اولدره كور بو شمر لعین لشكر كین | ظلمله باغلانو قوللارم عمو یارم عمو
راضی اولمه بنی بو شمر شریر اتیمه آی | كیم اولور آنده هوادارم عمو یارم عمو
نجه تاب ایلیه سن اول شمر دغا سیلی اورا | سار اله كل كبی رخسارم عمو یارم عمو
اولو باالله بابا موندن قاسمی حم باتسه قلیم | بو قدر بیر وزكه پرسارم عمو یارم عمو
سكا بو چولده نكو تكوز نكه وار خیر دو اكنبار | جمله عترت اطهاریم عمو یارم عمو
قالو یالقوز بابا موندن لشكری یوق دشمنی چوق | قرلوب باد وروده اصبارم عمو یارم عمو
شمر آلوب الدن علیی اكبرمی اصغرمی | پوزولوب رونق بازارم عمو یارم عمو
كول توكوب باشیمه بو چرخ نیجه قدر و غمیم | سولنوب ظلمله گلزارم عمو یارم عمو
ایچدیلر جام شهادت شهدا اهل وفا | قالمادی بیرجه مددكارم عمو یارم عمو
سیندیه اولدره گر شمر و سنان آه و فغان | اولاجاق حشره كمی كارم عمو یارم عمو
بن قدا كرب و بلا ایچره سنون جرا نیكا | ای علیی او غلی وفادارم عمو یارم عمو
ایچیم بن دوشو حشره كمی كیتمه كلن | قورویوب گرچه دوداقلارم عمو یارم عمو
بیر نظر قیل نجه كور شام و سحر نوحه ایلر | بیزه دلسوز دل افكارم عمو یارم عمو

سینه زن

دور قیل بن بیچاره یه نظاره عمم او علیی | نظاره ایله دردمه قیل چاره عمم او علیی
آچ بیر كوز نیكی دختر شاه زمنم بن بابا | نازلی یتیمه بن تازه عروس حسنم من

30

ظلمیله بنم ایلدلر حجبلی غارت
رحم اتمدلر بن کمی نا چاره عمم ادو غلی

سندن آیرولر بنی بوشکر کفار
قوی بیرجبه یا غوندللر یوم ابکلن بنجا

کتدیم سلورم قالدی دخی محشره دیدار
حسرتنبی قویدیله بو دیده عمم ادو غلی

ایقاسم شهزاده ایا کان شجاعت
دنیاده بیزه نوحه دیمک ایلیوب عادت

لطفیله اوزن ایله کله باری شفاعت
محشر کونی دلسوز دل افکاره عمم ادو غلی

نوحه از زبان سکینه خاتون

رحم ایله بن مضطره ایعموجان العطش
بو قوریان لبلره ایعموجان العطش

غیر تنکا ای عمو باشله جانم فدا
بیرجه ترحم قیل ای کان وفا و حیا

سوز عطشدن یانوب خیمه ده آل عبا
ناله چخوب کوکلره ایعموجان العطش

یاندیروب صغری شعله نار عطش
آز قالوب ایتسون فدا جان ولما هوش

سو دیوق انده ویره خیمه ده ایلیبدو غش
بیر نظر ایت اصغره ایعموجان العطش

اتدی بابام بیزکبی جمله جلای وطن
حددن آشوب محنت و جور و جفا و محن

یوخ دخی بیرکیمسه مز رحم ایله بو چولده سن
عترت پیغمبره ایعموجان العطش

ویردی سوسوز جان علی اکبرم اشهوار
تشنه علی صغری حرمله اتدی شکار

کراوله بیرجرعه سو جانمی قیلام نثار
حلق علی اصغره ای عموجان العطش

جانه یتیشدیم عمو جور فلکدن بوکون
اولدی شهید ستم تیمش ایکی تن بوکون

آز قالوب آل علی دوشسون عطشدن بوکون
آهو کمی چوللره ایعموجان العطش

نارده قالبدر بابام حیدر صفدر ندیم
غیر تنکا من فدا ایعموجان العطش

بوکیجه آغلار علی اصغر ون
ناله سندن جمله کرّ و بیان

بوکیجه عباس و قاسم دلغمکین
اوزلرینه جمله سی ایلر یقین

بوکیجه آل علی تا صبحه دین
وا علیا سویلیوب آغلرله قان

بوکیجه عشرت ایدر قوم پلید
تا یهوا ایرله با حکم یزید

بوکیجه ایلر وداع شاه شهید
اهل بیتین جمله با آه و فغان

بوکیجه اول پادشاه خاص و عام
زینب و کلثومه ایلر نقل شام

بوکیجه کرب و بلاده با تمام
آغلاشور آل علی بیخانمان

بوکیجه یاسه باتوبدر مصطفی
بوکیجه نالان اولوبدر مرتضی

بوکیجه زهرا جگر شور و نوا
بوکیجه گریان اولور پیغمبران

بوکیجه حور و پری جنّ و ملک
بوکیجه قان آغلاشور ابر و فلک

بوکیجه آغلر سما و هم سمک
بوکیجه دلسوز اولوبدر نوحه خوان

سینه زن

ای کوزم اولدی عیان ماه عزا
آغله موندن صوره هر صبح و مسا

تازه دن اولدی کسی جهان اهلی غمین
دکدی بیر بیرینه افلاک و زمین

غفلته اویمه دخی کتدی یقین
موسم عیش و طرب ذوق و صفا

یاسه باتمش ملک و جن و بشر
مکه و زمزم و مینا و حجر

بو مصیبتده قامی قاره کیر
مرد و زن پیر و جوان شاه و کدا

فاطمه خلدده با آه و فغان
اوخشار اوز اوغلنه هر لحظه عیان

قد پیغمبر اولوب مثل کمان
نیجه سین چاک ایلیوب شیر خدا

وله

ادیمه کوزوم غفلته پرده بس | کتدی فرحی موسم ذوق و هوس
آغله کله نه قدر وار نفس | خالق اوزی صاحب عزادر بو کون
یاسه باتوبدر بو کون المصطفی | فاطمه خلد ایچره دوتوبدر عزا
عار ایلمه شور ایله اور باشکا | باشنه اوران شیر خدادر بو کون
کون و مکان جمله جن و بشر | جمله سموات و زمین بحر و بر
آغله کر حور و پری سربسر | تاری سیلور جمله بجادر بو کون
آتش و خاک آب و هوا اغلاشور | لوح و قلم عرش خدا اغلاشور
شوره کلوب شاه وکدا اغلاشور | ارض و سما نوحه سرادر بو کون
جمله پیغمبر رب جلیل | قاره کیوب آدم و نوح و خلیل
باشنه تپراق سپر جبرئیل | عرشدن زمین شوره نوادر بو کون
قاره بو کون کیدی امام حسن | پیربرهنه دکدی زمین ذمن
قاسم گل پیرهنون ظلمله | اوذرالینه قانی حنادر بو کون
دشت بلادن بو کون اول نو جوان | شاه شهیدن قدین ایلر کمان
تشنه علی اکبر شیرین زبان | امته شوقیله فدادر بو کون
باجیلری بو غمه نالان اولان | خیمه لری ظلمله تالان اولان
ماریه ده قانه غلطان اولان | تشنه لب کرب و بلادر بو کون
قردیله جون یاور و انصارینی | اولدروب عباس علمدارینی
بخش ایلین هر ایکی قوللارینی | دشمنه اول کان سخادر بو کون
بس نجه تاب ایتدی بخفده علی | شیر خدا یعنی علی ولی

٤٠

نوحه

هر طرف قانه باتوبدر شهدا | هر طرفدن مله شور آل عبا
نه دیم بس دیه سن کرب و بلا | اولوب اولعرصه محشر بو کیجه
بو غزا عالمی بیتاب ایلدی | دیده شیعه نی بیخواب ایلدی
اوغله حرمله سیراب ایلدی | بخشی راحت یاتوب اصغر بو کیجه
ایده هر کیمسه بصیرتله نظر | باقیله دشت بلا ایچره گذر
بو سوزی واضح و آشکاره گور | بلنوب قانینه اکبر بو کیجه
بو کیجه ظلمله اولشمر شریر | ایلیوب زینب و کلثومی اسیر
بس نولوب غیرت عباس دلیر | هانی سقای دلاور بو کیجه
بی پرستار در اولاد رسول | تالانوب خیمه لری زار و ملول
قالوب اول عترت زهرای بتول | جمله بیچاره و مضطر بو کیجه
شیعه لر شام غریبانه کلوب | شور ایله جمله سی افغانه کلوب
اوغلی اولمش شه مردانه کلوب | ویره باش صاغلوقی حیدر بو کیجه
ساخله دلسوز بو ماتمده عزا | آغله بو تعزیه ده صبح و مسا
ویره محشرده عوض شیر خدا | اولسه هر کیمسه مکدر بو کیجه

٤١

وله ایضاً

بونه بزم غم فزادور که قرا دهر اساسی | بردوکوکدن آشکار اکلودا حسین صداسی
نه کم آشکار اولوبدر مه غم کلوب محرم | دوتولوب جهان بذه بوقه شه کربلا عزاسی
دیه سن سبز اولوبدر بو کون اهلبیت اطهار | کلونا قه اوسته یا رب کینه زینبون عزاسی
طوی ایدوبدو یادین کنه قاسم جوانه | بو یا نوبدو شمعی قاره له قان اولوب حناسی

[illegible]

ظلمله یزید ملعون چوب خیزران اورده | لب شاه کربلایه ایلیه نظاره زینب
شامده طشت زرده ساخلیه حسینه ماتم | ایلیه کاهی طبابت بد بیماره زینب
اولمکدن برانه خانمانون ایتحقار | شمره دستگیر اولانده ظلمله دوباره زینب
غرق عصیانه دلسوز نوحه ایله نوه | حشر کونی بلکه ایتیون دردنکا چاره زینب

سینه زن

اولدی گنه ماتم شاه عرب | اغلا گوزم اغلا گله روز و شب
دوشدی گنه یاده شه خونجگر | پر پر نه دگدی گنه بحر و بر
خلق جهان گیدی قرا سر بسر | کتدی دخی موسم عیش و طرب
اویمه گوزوم غفلته شام و سحور | ناله ایله صال بو جهان ایچره شور
اولدی حرام عالمه عیش و سرور | گلدی مه محنت و رنج و تعب
دین اپوی چون ظلمله ویران لغو | طایفه کوفه و شام و حلب
آغلا گوزم آغله بو آی شاد اولوب | باعث هر ناله و فریاد اولوب
کرب و بلایه او شهه میهمان | حیله ایله استدلر کوفیان
باغلادیلر سو یوزینه اولر بان | ایلدلر جنک و جدل بی سبب
قردیله چون یاور و انصارینی | یولادی میدانه علمدارینی
قوم دعا صالدیله قوللارینی | اولدی شهید اول شه عالی نسب
قانه غلطان ایلیوب اکبری | اوخلادیلر حلق علی اصغری
سالدیلر آندن شه بی لشکری | ویردی سوسوز جان او شه تشنه لب
چونکه شهید اولدی شه خونجگر | خیمه سنه ظلمله اوداودلر

نوحه دی کور بو آی صبح و شام
چوق دیه سن دهرده الور تعجب

قطعه

ای شیعه بو آی غمی قیلیون عادت
ناخیر کونینده جلیدر سیزه شفاعت
بو آیده اولوب شیعه لره ...
بو آیده روا درا ولا ویره بونه

[illegible]

بو آید

[illegible]

بو آیده عروس حسنی اندلر ناشاد | بو آیده آنکا ایلدلر طعن و شماتت
بو آی بوزولوب رونق بازاری حسینون | بو آیده گیدوب یار و هواداری حسینون
بو آیده دوشوب قولسوز علمداری حسینون | بو آیده یاتوب قانه او گلگون شجاعت
بو آیده گلوبدر او شهون قتلنه فرمان | بو آیده قالوب گل بدنی خاکده عریان
بو آیده اولوب خیمه لری ظلمله تالان | بو آیده ایدوب شمر لعین ظلم و عداوت
بو آیده حسینه تپوب ظلم و ستملر | بو آیده کچوب سینه سنه شمر بد اختر
بو آیده قویوب حنجرینه ظلمله خنجر | بو آیده کچوب شمع شبستان امامت
بو آیده قالوبدر باشی آچوق عترت حیدر | بو آیده گیدوب شامه اسیر بد مضطر
بو آیده یزید ایلیوب افزون ظلمینی اظهر | بو آیده اولوب فاطمه یه روز قیامت
چوقدر که همیشه دهرده بو زار و غمینون | جبرئیله دولوبدر بو زار افلاک ورز
محشرده اولور شافع دلسوز امینون | اول میر عرب شبر خدا شاه ولایت

ایضا

بو گیجه سیلرم عالم ندن اول فغانه گلوب | نه سبب محنتی خلقون چیله طغیانه گلوب
ندن اول فغانه گلوبدر بو گیجه شاه کدا | و حسینا سسی آفاقه صالوب شور و نوا
تشنه لب بو خیمه اولوب بوز کرب و بلا | بو گیجه شیعه لر شام غریبانه گلوب
قالوب اولاد علی بو قیه کیسه یار و وطن | شهدانون بدن کشته لری غسل و کفنه
بو قیه باشی صافی فلکه ویرمکه گلوب مرد و زن | زین العباد دیار غریبانه گلوب
یغلوب مسجده مجموعی اولوب سینه زنان | سینه چاک ایدوب باشی آچوق یا اتوب پیر و جوان
له شور آهی گمی مرد له زن ناله کنان | درد و داری بو قیه بولار بو گیجه درمانه گلوب

سینه زن

بانوی کزشنه غزا یا حسین
بانوی حمزه رضی سما یا حسین
ماه محرم گیره اولدی عیان
فاره کبورت یه ودکدا یا حسین
جلوه دوب بر بریزنه خاص و عام
کوکله اولوب روز غزا یا حسین

[illegible]

کیدی یا شون دا لودن ای شهسوار — اتمدی بر ذره حیا یا حسین
خیمه‌لرون ظلمله یاندوردیلر — اتدله چوق جور و جفا یا حسین
باجی‌لردن ناقه سوار ایتدیلر — چکدی نه‌لر زینب عبا یا حسین
شیعه‌لرون اشک فشان سینه چاک — کورکه دوتوب جمله عزا یا حسین
دلسوز بیچاره اولوب نوحه خوان — دردنه پیر ایله دوا یا حسین

سینه زن

بو عزاده بشر و جن و ملک — نوحه کر در مه و خورشید فلک
حیله و مکر ایله بر روز یکه م — اهل کوفه یازوبن نامه تمام
ای اولان پادشه کل امام — لطف قیل بیزلره چون یوقدر امام
بیزی ایتور ایشه زمن اوزنکی یتیرکره — بیزی اولدردی محن تجی قیر حسین
جون کوروب بایله مه کر شاه زمان — بو یوروب اکبره کاتی بازه جوان
اونکله کوچه و بازاره روان — اتخله کتمه قیمی خلقه بیان
سوله ای اهل نظر کلوبر کیمه اکر — باغلوبن بار سفر ایله عباسنه خبر
کوروب اول فاطمه خسته و زار — اتاسی پادشه خرد و کبار
اهلبیتی آیه بو ور بر نه که وار — کلوب اولغم زده زار و فکار
دیدی ای سبط رسول عرضمی ایله قبول — کل منه ایتمه ملول تجی قبر رسول
بو یوروب فاطمیه سرور دین — اولما بو باره ده مایوس و غمین
کلور اکبر سنی ابزار و حزین — کربلایه کتورر ایله یقین
ایکل باغ جنان سنده یوق تاب و توان — بو قدر چکمه فغان قویمه بو باغرمه

اوکجه صبحه کمی شاه حجاز — یا تیموب بالادب قیلدی نماز
صبح اولوب شاه زمن کوردی کیم — قالدی تیمش یکی تن کیدیله حمله کفن
اولدیله شوقله آماده جنگ — شمر بی غیرت بی ناموس و ننگ
دیدی ای قوم ایلمون داد رنگ — کوتورون نیزه و شمشیر فرهد
ایلیون جنگ و جدل اولسک شوم دغل — اوزن آتلاندی انل دینه سالمقه
اولزمان پادشه فخر انام — ایتدی حجتلرینی جمله تمام
باخمیوب سوزلرینه اهل ظلام — هیتشنی ایلدلر تلخ و حرام
اندی او قوم پلید عون و حتی — قالدا اولشاه وفا لعنت حق یزیده
سولدروب کلشن‌ن کللرینی — کیتدلر نا لیه بلبللرینی
اولدروب نازلو علی اکبرینی — اوخلیوب حلق علی اصغرینی
شمر بیعار و حیا اولسک شوم دغا — باعث شور و نوا ایتدی چوق جور و جفا
جونکه تنها قالوب اول شاه کبیر — اوردیلر نیزه و شمشیرله تیر
تا شهید ایلدی اول شمر شریر — اهل بیتین ایلیوب جمله اسیر
ایلیوب شاه ن‌ردا جمله با آه و فغان — خولی و شمر و سنان لعن هر لحظه بان
دلسوزا آغله بو ماده مدام — نوحه قیل حشره کمی صبحله شام
حشرده خلق اولور آواره تمام — دوتا بلکه الیکی فخر انام
مالک یوم نشور قاسم جنت و حور — سرور ناس غیور یعنی اول منبع نور

نوحه

آتدن که سبط حیدر کراری نجد لر — قلب رسول قادر غفاری نجد لر

سیز ولدوز اولدورلدو فوم ... ایدرلر منی سینه نوازان اوغلم
بوغنه بیره زار اولوز اولوبدر ... غرادار و نالان نوحه خوان اوغلم

از زبان جناب قاسم

کل ای بلبل باغ محنت عمو
چکی دیلیا درد و محنت عمو

ازبسکه قان کدب بدنمدن تود تود شتده
ایلم نه چاره دورمغه یوق طاقتیم آرای
دلسوزه سویلیون یمه سون غم حمیدن
قسمت آنجاکرا ولسه بنم تربتیم آرای

نوحه

ای بیک خوا اولان من باشاده جبرئیل
صالدن نه بخشیمن بیزه پرباده جبرئیل
تیز کلمدن کوردن اسن دوقلی جلالی
وصف ایلیا بدن عرش معلاده
پرورقته کلمس که با توب قانه بیکرم
باشیم کحوبد ونیزه فولاده جبرئیل
طوایدم بوچولده اسا سیله قانسیمه
دشمنلر مده آغلدی داماده جبرئیل
صالدوم علی اکبر موون بوبنه کفن
اندم فدا خدایه بومینا ده جبرئیل
سقای کربلانی سوسیز اندلر شهید
پرجرعه سو تابلمدی سقاده جبرئیل
آیمدی اسیر ایدیرله بنم اهل بیتمی
کنده اوراله سید سجاده جبرئیل
نا خوشده دوریا اولنون قومنه تنها نخده
سمرشرار اوکا فرسک زاده جبرئیل
دلسوز قوییرم بانه محشرده آتشه
نوحه ایدرا و بیزلره دنیاده جبرئیل

نوحه از زبان عروس

یمان درد اولورمش بو هجران عم اوغلی
قویوب فرقتون باغریمه قان عم اوغلی
نه مذهب دنیدر دور بو آیا
باخه طویده داماد اله قان عم اوغلی
آلیی کوردوم بیتسون مطلبه
سنی ایلین قانه غلطان عم اوغلی
خرابه اولیدی بو کرب بلانی
بیزی ایلدی خانه ویران عم اوغلی
نه کل آرزوسی ایدرسن یقین ایت
نه سن بیز عروسون کلستان عم اوغلی

پیمبر بانیده کورسن بنی سن
باشیم الله روز قیامت عمو
بیزه نوحه خواندر قیامت کونینده
بو دلسوزه ایله شفاعت عمو

نوحه

دیدم کل اتیمه حسین سمت کربلایه سفر
دیدون کرک بابا آل قانه قامت اکبر
دیدم کل ایلمه بو خانمانمی برباد
دیدون کرک ایلیم من بوقانمی و اماد
دیدیم آپارمه منی باشلامه بو نوحه اسیر
دیدون کرک دوشه قولسوز فرات اوسته عباس
دیدم آپارمه منی چوللرا ایلمه وطنیم
دیدون کرک قالا آچ کون قولم دستبسته
دیدم که ویرمه خزانه بو طرفه کللرمی
دیدون کرک کسه ورسیا ربابیم اللر
دیدم که قومیه بانه چرخ اخضر آهیمدن
دیدون کرک چیخه دود عرشه خیمه کاهیمدن
دیدم آپارمه بیزی ای امام خردوهر کبار
دیدون کرک اولا نوحه شمر شوم الینده دچار
نجه چیخیر یو باده دن که شمر شوم دنی
چکه عدو تله مجلس یزیده بینی
هانی او کونلرم ای باده حق و بشر
چکر دنیا زیبی عباس و قاسم و اکبر
هانی او کونلرم ای پادشاه کون و مکان
علی اکبر ایدردی تلاوت قرآن

سینه زن

بو نجه ماتمدر که شام و سحر
شاه وکدا جمله اولوب نوحه کر
قاره کیوب خلق جهان آغلاشور
مرد ایله زن پیرو جوان آغلاشور
شوره کلوب جمله عیان آغلاشور
وحش و طیور عالم جن و بشر
شیون ایدر جمله کدا ایله شاه
ارض و سما لوح و قلم مهر و ماه
قاره کیوب مشعر و بیت الله
زمزم و مینا و صفا و حجر

کرچه دوتوب روز ازلدن یقین | جرم وکناهی ایله سما وزمین
بی شک اولور شافع روز پسین | لطفیله دلسوزه شبیر وشبر

منه

آغله آشیعه نه قدر اوله مجال | بو عزاده شب وروز ومه وسال
اولسه هر کیم بو مصیبتده غمین | آغلامز کیم دخی اول روز پسین
وجه کلمز بلی والله یقین | حشرده دولت وجاه وجلال
هر کیمون اولسه بصیرت نظری | اوپیلور عالم ارا بو خبری
خیری بو خدر نه که بر مو قدری | کرکورا ایله اوله مال ومنال
کر بو محنتده سلیمان اولسون | کیم کرک دیده سی کریان اولسون
ایستیس کر سنکا آسان اولسون | جان کنش لوق داخی قبرده سوال
بو نجه آیدد دوشوب جانه شرر | جمله دنیانی دوتوب کرد وکدر
آغله بو آیده کوزوم شام وسحر | اولو بو آیده علی قامتی دال
کینوب جمله سی بو آیده قرا | آتش وخاک ایله باد آب وهوا
لوح وکرسی وقلم عرش خدا | جمله سیاره وخورشید وهلال
اندلر حیدره بو آیده غمین | عمر سعد له اول شمر لعین
جمله اهل ظلام ازره کین | فاطمه او علی ایله جنک وجدال
اولدی بو آیده حزین آل رسول | اندلر جمله بو آ ظلمی قبول
صحن فردوسده زهرای بتول | چکدی بو ای غم واندوده ملال

اولدی نمایان کنه ظلم یزید | دشت بلا ایچره او قوم پلید
ایلدی بو آیده حسینی شهید | جن وپری جمله ایدر آه وزار
اولدی علی قدی بو آی ایچره خم | قاره بو آی کیمش اولبیت الحرم
باشه اوروب آغله کله دمبدم | ایلمه ای شیعه بو ماتمده عار
شاه وکدا ایله غنی وفقیر | مرد ایله زن جمله امیر ووزیر
پیر ایله برنا وصغیر وکبیر | جمله بو ماتمده اولوب اشکبار
آغله کوزوم اولمه بو آیده غرور | شیون ایدر خلدده غلمان وحور
کتدی داخی موسم عیش وسرور | شیعه اولان کیمسنه دوتمز قرار
ناله ایدر جمله نبی جلیل | آدم وحوا ایله نوح وخلیل
خضر ایله موسی وداخی جبرئیل | احمد وزهرا وشه ذوالفقار
حور وملک کرسی ولوح وقلم | نوحه قیلور شاه شهیدانه هم
ایدر سموات وزمین دمبدم | عرش خدای احد کردکار
دوشدی کنه یاده غم شاه دین | سر بر نیه دکدی سما وزمین
اسدی سموم ستم اهل کین | یتدی خزان کلشنه فصل بهار
نولدی بو کلزاردن اول بلبله | خار جفا جمله قوجوب کللری
یوخسه صالوب یاده علی اکبری | ناله جکر دلدن اولوب بی قرار
خاکیله باد آتش وآب وهوا | جمله کیوب کنسنه بو آی قرا
قاسم وعباسه دوتو بدر عزا | قدین اکوب طوبی وسرو وچنار
قتله بو آی یتدی امام انام | ظلمله بو آیده او اهل ظلام

اتدیلر لب تشنه حسینی شهید . ویرمدیلر اولشهه بر قطره آب

ایلدی بو آیده او شمر شریر . شیر خدا اهل عبانی اسیر

ناله چکر جمله صغیر و کبیر . قالمدی هیچکسده آرام و تاب

آل علی اولدی هراسان بو آی . خیملرین اتدیلر تالان بو آی

شامه کیدوب زینب نالان بو آی . ناقه سوار و باشی آچق بی نقاب

قاره بو آیده گیینوب مصطفی . فاطمه و هم حسن مجتبی

اوغلنه بو آیده دوتوب در عزا . چاک ایلیوب در یخه نی بو تراب

باشنه دارودر عرشده روح الامین . باشنه با توب اهل سما و زمین

ظلمیله بو آیده او شمر شریر . شیعه لرون باغرنی قلمش کباب

کیم نجه بو آیده اولور شیعه شاد . شوره کلوب جمله نبات و جماد

دین اوینی جمله او قوم فساد . ایلدیلر ظلم ایله خراب

جمله سی بو آیده اولوب نوحه خوان . شور ایله جوزا سرطان و میزان

دلو و اسد سنبله قوس و کمان . جمله سیار مه و آفتاب

دهر فنا ایچره نه شاه و گدا . سا خیله هر کیمسه حسینه عزا

بلکه شبهه انکار روز جزا . دوزخ نار ایلیه بیلمز عذاب

اغله گوزوم تا نقدر وار نفس . چاره قیلا نمز او زینه هیچکس

حشرده دلسوزه اولور دادرس . لطفله اولمالک یوم الحساب

ایضا له

ایکی گوزوم ایله گله اشک روان . ماتم شاه شهید اولدی عیان

گرگوزون

گرگوزون وار دو حیدر رده سنون . یعنی اولساقی کوثرده سنون

آغله دلسوز که محشرده سنون . تا دوتا دستنکی اول شاه جهان

ایضا

هر کس بو مصیبتده اوره شور ایله سینه . بیشک اوقیامتده کیدر خلد برینه

شیعه سا در باشنکا تپراق ادم ماتم . ایت سیل روان دیده کله غفلتدن بر دم

هر کیم که بو دنیاده حسینه دوته ماتم . بیشک اوقیامتده کیدر خلد برینه

دین شاهی چون قوم شریر اتدی مهمان . تا دشت بلاده ایده لر قانینه غلطان

اولمادی ذن طاقت سپهرون یره یکسان . کسدیله اوکون چونکه رهین ازره کمینه

دوتدیله فراتون یولینی اول قوم بد آیین . یاندردیله نار عطشه جمله عیالین

پر پر توشوب قتله چو انصار شه دین . نوبت توشوب قاسم ناکام غمینه

اولشاه جهان ایلدی چون قاسمی داماد . عرش او زره ملکلر ایلدی ناله و فریاد

اول قوم ستمکار ایلدیلر کوره بیداد . قانیله حنا یخدیله داماد دون الینه

آندن یاتوب آل قانه علی اکبر افکار . هم قتله توشدی دخی عباس علمدار

کوردی که دخی قالمادی پیر یاری هوادار . میدانه قدم قویدی اول دم شاه مدینه

اولقوم لعین آلدیله اولشاهی آرایه . رحم ایلیوب ایتمدی بیر کیمسه هرایه

اتدیله شهید و ردیله باشینی جدا آه . هر لحظه ده بین لعن اوله اولشمر لعینه

یاندردیله اول خیمه شاه شهدانی . اتدیله مقید او زمان زین عبانی

ظلمیله اسیر ایلدیلر آل عبانی . آواره قالوب زینب و کلثوم و سکینه

اولشمر لعین ایلدی ظلمینی نمایان . اهل حرم شاه شهید اولدی هراسان

چرخ ایلدی خوشه سینی برهم ... میزانه توکر المسلر آغلر
عقرب ایلیوب غمین نمایان ... قوس ایلدی قامتینی چوکان
هم جدیله دلو اولوب هراسان ... ماهی غمه غوطه ایلر آغلر
چون اسدی سموم ظلم و بیداد ... ایمانون اوینی قیلدی برباد
لوح و قلم اتدی ناله بنیاد ... هم کرسی و عرش داور آغلر
کعبه ایلیوب قرا لباسین ... خونابه ایله دولدریب مناسین
محو ایلدی مروه و صفاسین ... زمزم توکوب اشک مشعر آغلر
سیدی بو مصیبت انبیایه ... طیبا رد ویروب صدا صدایه
حوران جنان کلوب نوایه ... بو محنته آب کوثر آغلر
چون دوشدی آتندن اول یگانه ... آل تابدی تزلزل آسمانه
آشوب و نوا دوشوب جهانه ... غلمان ایله حور یکسر آغلر
کوکدن یره بر پا قدرب قان ... ظلمین فلک ایلدی نمایان
دلسوز ایدوب عالمی هراسان ... بین طرز ایله نوحه ایلر آغلر

ایضاً

نولوب یاران بوکون روح الامینه ... صالوب غوغا سموات و زمینه
یر ایله کوک اراسنده مادام ... دیر ایشیعه حیشوزا ولدی برهم
زناکار عبد رحمن ابن ملجم ... اوروب ضربت امیر المؤمنینه
دین یوخ بوسکه ای نحس نادان ... سنگانه ایلمیش بو شاه مردان
جما لون ایلدی قانیله غلطان ... که صالدون رخنه هم ایمان و دینه

یا سه باتوب انس و جان خلایق و آفاق شور ... شاه و کدام دوزن بیر دوچون اغلشور
ارض و سما بحر و بر جمله جهان اغلشور ... نوحه تیوت بارزه دن یوخسا که طوفان
یا ایدوب عقبا یه اول خشم پیمبر سفر ... یا که علی قاتلیسن ظلمله اولدوب عمر
یا که پیمبر قیزی فاطمه فریاد ایدر ... یا اولوب آفاقده حشر نمایان بوکون
یا که اولوبدر شهید زهر له او مجتبی ... یا باتوب اورقانه یا دشت کربلا
یا که اولوبدر اسیر ظلمله آل عبا ... یا که کیدوب شام اول زینب نالان
یا باتوب آل قانه زلفی علی اکبرن ... یا که کنه اوخلانوب حلقی علی اصغرون
یا که کنه اودلانوب خیمه سی اول سرورون ... ایلدی قوم ستم ظلمله تالان بوکون
یا که حسینون صولوب کللری کلزارنون ... یا که دوشوب قولکری بازلو عمله زنون
یا کسلوب باشلری یاوروا ر نوه نصارن ... شوره کلوب اغلشور بر دو مسلمان بوکون
یا ابن ملجم قلوب دین ایوینی روما ... انکلیوب ذوزظلمینی عالم اراد اشکار
یا که علینی شهید ایلیوب اول نابکار ... دینله ایمان ایوین ایلدی ویران بوکون
یا که دیر عرشده شیونیله جبرئیل ... شیعه لر الدن کیدر شیر خدای جلیل
قاره کیوب آکنه آدم و نوح و خلیل ... خضر ایله عیسی و هم موسی عمران بوکون
یاسه باتوبدر بوکون خشم نبی مصطفی ... کرسی و لوح و قلم بلکه هامی انبیا
حیدر کرار ایچون جمله دوتوبدر عزا ... جنت فردوسده حور و غلمان بوکون
حق سیلولازم دکل شیعه سیر روضه خوان ... باشه اوروب آغلیون شور ایله ایدون
بانته الوردن کیدوب سرور کون و مکان ... میر عرب نور حق باطن قرآن بوکون
حدوداتوب هرده جرمله عشه ... یوخدو دنا له دن غیری پیرا جانمز

باعث اولدی اعدالره چخوب شیون و افغان   سیّار فلک جمله دوشوب نور و ضیادن
بو گونده صالوب شال عزا عوننه جعفر   بو گونده ذکر بیر بیر سینه عترت حیدر
بی صاحب اولوب لدل سلمان ناله قنبر   اصحابه تیوب درد و کدورت بو عزادن
بو گونده صالور باشه قرا زینب محزون   اولاد علینون اولور احوالی دگرگون
بو گونده آچر باشنی کلثوم جگر خون   قاره گیئور خیمه میش اولکی قرادن
هر چند بو گون شیر خدا قدرت یزدان   ظلمیله شهید اولمش علی شاه مردان
ای شیعه تو کوب باشنگا کول گردش دوران   بیر گرده دوبوب واقعه کرب و بلادن
اولکونکه شهید اولدی علی شاه ولایت   او غازیلر دور مسند شاهی کان شجاعت
قلدیله نماز ایتدیله قرآن تلاوت   اعزازیله کوندیله او شاهی بو فنادن
پس اولدی حسین نیلیون اولفرقه شیطان   اولدیلر اصحابین او زین صبا لدبراندن
قالدی بدنی اوچ گیجه اولدشتده عریان   چخدی گوکه فریاد و فغان آل عبادن
گر حشره کیمی اهل جهان ساخلیه ماتم   اولسا هیه مدام آغلیه مجموع بو عالم
عالم اوله گر مرثیه خوان ذکر ایده هر دم   هر قطره کم اولمز او دریای بکادن
یاد دن چخر عالمده مگر شمر جفا پیشه   یاد اولسون احوال غم کرب و بلانی
گوش ایلیه هر گیجه حسین وای صداسن   هر لحظه تیر گوشنه مرغان هوادن
هر ضربت اگر اوردیله فرق شه دینه   دوشدی بو قدر شور و نوا روی زمینه
ظلمیله حسینون باشنی ازره کینه   کسدی اون ایکی ضربتله شمر قفادن
چون کیجدی او کون شمع شبستان امامت   آتلربنه دولدلر اولقوم شقاوت
جمله تو کلوب خیمری ایتدیله غارت   تشون سسی فلاکه یتشدی اسرادن

دلسوزا اگر یوق کنهون حدّ و حسابی   اشیتمه مسن یوخسه مگر بن بو جوابی
بو تعزیه ده آغلیه نون چو قدر ثوابی   پاک ایلمه بر ذره جه دل زنگ جرادن

ایضاً

شیر خدانون بو گون ظلمیله اشقیالر   بلجمون او خفلی قیلوب فرقنی شق القمر
نقل ده کلثومدن سویلوب اولکان حیا   بو گیجه مهمانیدی بیزده بو شیر خدا
گاه عبادت ایدوب ایلدی گه ابو دعا   اولمدی راحت آتام او گیجه نی تا سحر
صبح اباغه دوروب اولشه کون و مکان   ایلسدی تا شوقیله مسجده اولسون روان
ناله و فریادله گلدی او دم ناگهان   کسدیله اطرافنی صخنده مرغابیلر
سویلدی دلر کتمه ایسر ور خوردو کبار   قومیه حسینی یتیم ایشه دلدل شعور
رحم ایله زینب قزدن بو فلک کجمدار   ظلمله سندن صوره باشنه تا کللر تو
سن گیدسن نیلیون او غلون اباغم حسن   دو غرا ناجگدرا ونون اوزجگری ظلمیله
اولمه رضا اشیه گل زمین و زمن   عالم امکان اوله ظلمیله زیر و زبر
گر سنی اتمه شهید عبد رحمن لعین   کوستر جگدر فلکده کرب و بلا قصه سین
شمر ستمگر کلوب اوردا حسینون یقین   ظلمیله ناحق یره قویش کمیمی باشن کسر
ایلیه حکلر شهید نازلو علی اکبرون   اوخلیه حک حرمله حلق علی اصغرون
قاسم داماد بیون نوفل دون اللرین   کمسه او دلمز خدا قاتیله الوان ابدر
شمر کسر باشنی اولشه لب تشکردن   نعشی قالور اوچ گیجه دشتده بو سرور
باغلنه حک قوللر رسن غم پرور زن   ناقه سوار ایلیوب شمر قطاربن حگر
سالمه ویردون اوروک گرچه نماز آدن   تخته سخاوت ایدر بونشه کلگون کفن

دردیم اولوب سرده شام و سحر یا علی ‌ ایلرم حشردن ذره خوف و خطر

ولد ایضا

زوارنکا قیل بر نظر ای منبع احسان ‌ ای کوی وفاده اولان اوزرقانه غلطان

یا حضرت عباس ‌ یا حضرت عباس

هرچند که بز روسیه وزار و علیلوق ‌ حد دن کچوب عصیانمز عالمده دلیلوق

عجز ایله کلوب درکهکا جمله دخیلوق ‌ من ایله بزیم دردمزه لطفله درمان

یا حضرت عباس

شاهان جهان جمله بو درکهده گدادر ‌ باس قویه اگر مقدمزه چرخ روادر

مهر و مه اگر شوطاده روضنده سجادر ‌ لایقدر سلیمان اولا بو درکهده دربان

یا حضرت عباس

بر کمسنه لا اتمیون عالمده وفادن ‌ یا صولتده قهر و غضب و جود و سخادن

کیمدر کیچه سن کیمی سر و دست و لوادن ‌ مردانه دیره کوی وفاده سرله جان

یا حضرت عباس

لعنت اولا اول قومه ایا کان محبت ‌ صالدیله مبارک قولون اتدیله یا سماتیت

فریاد او دمدن که سنی اهل شقاوت ‌ آتدن صالوب اتدیله قدون خاکیله یکسان

یا حضرت عباس

دو تمشدون علم سن نه قدر کرب بلاده ‌ جرئت یوخیدی شمرده اول تجر زناده

ظلم ایلیه یاکنده اوره زین عباده ‌ سندن صوره دکدیله ایجا اتوی ویران

یا حضرت عباس

اول

اول محنتی که زینب بخت قرا چکوب ‌ بز دیحیات خاطره امتیوب خطور

قان آغلا یکوزم بیله محنتده صبح و شام ‌ تا واردو فرصت اتمه کله ذره غرور

هر اول کوزی که شاه شهیدانه اغلمز ‌ امیون آخده حیا بن عالم ایچره کور

دلسوز نوحه قیل بو مصیبتده هر صباح ‌ عفو ایلیون کناهلرون حق در غفور

نوحه

نه ماتمدر دیر عالم حسین وای ‌ شهید نیزه و خنجر حسین وای

قالان کل بیکردن میر حسین وای ‌ جلالندن کیچن بکیمبر حسین وای

نه ماتمدر خلقون کونی قرادر ‌ عرش و فرش و جهان ماتم سرادر

بو ماتمده خالق صاحب عزادر ‌ اورر باشینه پیغمبر حسین وای

نه ماتمدر عالم با توب قرا به ‌ بر و جوان بکیسر کلوب عزایه

آچلر یاقه شاه کربلا یه ‌ زینت مسجد و منبر حسین وای

نه ماتم درایدر عالم آه و زار ‌ بوقه قولسوز اولوب عباس علمدار

یا قاسمون جمله سینی بوزوب بلای ‌ یا بلبشمش قانه اکبر حسین وای

دیرن جان تشنه لب عطشان آقام وای ‌ قالان کل پیکری عریان آقام وای

اولان متلره قربان آقام وای ‌ اوکون هاردیدی بس حیدر آقام وای

قالان اولان جمله مال و منالی ‌ بورولان ظلمله جاه و جلالی

کیدن شامه اسیر اهل و عیالی ‌ ذلیل و خوار و بیمعجر حسین وای

کسن للرینی اوز سار بافی ‌ اولان غسلی بو عالمده اوزقانی

یاندران محنتی جمله جهانی ‌ یانان حوالنه کافر حسین وای

عرض ایدیم ماننسه صفات ونمانیکه — توکدلر ناحق یره اوزره قاننیکه
کاه لب تشنه ویررسن جانیکه — کاه چون ابر عطا سن یا حسین
مانسی شاهی سن کیمی ای پادشاه — اولدرر ربیله بیجرم وکناه
که با توب اوزقانکا عریان وه — شمع بزم کبریا سن یا حسین
ویردی باش یحیی اگر جانانه — باتمدی هرگز سنون تک قانه
که دوشوب کرب وبلامیدانه — کاه زیب نه سما سن یا حسین
عالم اولمزدی نظیری اکبردن — تارموی شیرخواره اصغردن
حق یولنده ویردون عون و جعفردن — منبع جود و سخا سن یا حسین
خیمه کاهون غارت ایتدی اهل کین — سویدی اطفالون سنون شمر لعین
تاب ایدنمز کیمسه بو ظلمه یقین — سن قبول ایلوب رضا سن یا حسین
قویمه بی غمخوار مونس قبرده — نوحه کر اولمش سنکا بو دهرده
ایله دلسوزه شفاعت حشرده — شافع روز جزا سن یا حسین

سینه زن

آغلرم بو غمده چون پیغمبر آغلر شیعه لر — آغلرم چون کوکلر آغلر یرلر آغلر شیعه لر
آغلرم چون فاطمه بو محنته قان آغلادی — باشنه اوردی بو عزاده شاه مردان آغلادی
کربلا دشتنده هم کبر و مسلمان آغلادی — اغلیون بو محنته چون کافر آغلر شیعه لر
آغلرم تا اوز جانم بو غمده صبح و مسا — بو مصیبتده اولوب جالوا اوز صاحب عزا
عالم لاهوته دوتمش سر بسر شور و نوا — بو غم و اندوهه عرش داور آغلر شیعه لر

صحن گلزار وکل حمرایه دونمش قتلگاه — کوکه قربانگاه در مینایه دونمش قتلگاه
قان آخر جیحون کیمی دریایه دونمش قتلگاه — قانه باتمش فضل و عون و جعفر آغلر شیعه لر
اندیده کویا چخوبدر عرشه افغان خیمه ده — اهلبیت مصطفی اولمش پریشان خیمه ده
قالمش اولاد علی مجموع عطشان خیمه ده — تشنه لقدن اولمش اصغر آغلر شیعه لر
باشلیوب هر بیری بیر نوع نوا اهل حرم — دست بسته پر شکسته مبتلا اهل حرم
خیمه لرده زار و گریان بینوا اهل حرم — قرخ نفر باشنده قاره معجر آغلر شیعه لر
شیعه لر دایم گرک شور ایله غوغا ایلسون — تعزیه توتوب ایچون هر وقتده بر پا ایلسون
هر زمان دلسوز ایستر نوحه انشا ایلسون — خامه بو غمدن سینر لر دفتر آغلر شیعه لر

سینه زن

عزم میدان ایتدی چون شاه شهیدان خیمه دن — چخدی عرشه دلزنان فریاد و افغان خیمه دن
خیمه ایچره اولزنان ولدی قیامت آشکار — بیر بیره دوکدی تماما اهلبیت دلفکار
دامنندن دوتدلر اول سرور دین حزن و زار — قویمارق توشیره سنی ای شاه دوران خیمه دن
هر بیری بیر نوعیله کلدی فغانه چکدی آه — ایلدیلر عرض آنکا کای پادشاه کم سپاه
سندن اوزکه بیزلره بیر کیمسه یوخ اولسون پناه — کل بیزه رحم ایله ایتمه عزم میدان خیمه دن
کوزیاشین بیچاره توکدی زینب محزون فغان — دامنندن دوتدی عرض ایتدی ای با ندر با اخا
ترک میدان بلا ایتسه لر بو مره رضا — بیز کرک اینسون اسیر و لقوم عدوان خیمه دن
بیکس و بیچاره ام رحم ایله قارداش یا حسین — عاجز و آواره ام رحم ایله قارداش یا حسین
بسکه بدبخت قاره ام رحم ایله قارداش یا حسین — قورخارام کتسن اوله محشر نمایان خیمه دن

آغلامه‌سن یا سکینه‌م دیده گریان اولمسون   غصه سندن گل یوزی برگ خزان تک صولمسون
سینه‌سین مجروح دلوب لعل سیاهین تعلیمین   قویمه چیخسون شره‌ای باجی او عطشان خیمه‌دن
قویمه ایتسون طلمه فریاد و فغان ای باجی   کوز یاشین تعکسون یا دم مه جماله ای باجی
امر قیل صبر ایلسون درد و ملاله ای باجی   سر برهنه چیخماسون چون پناه تابان خیمه‌دن
هر محرم شور ایله دلسوز مضطر یا حسین   حشر اولنجه بزم غمده نوحه ایله یا حسین
دایما وردی بودر سویلر مکرر یا حسین   عزم میدان ایتدی چون شاه شهیدان خیمه‌دن

مدح شیخ الاسلام

قبله‌گاها فلکون قصدی دل زارده‌دور   عالمون غصه‌سی بو خاطر افکارده‌در
کون و کوندن بلی اندوه و غمم آرتوق اولور   بیلمرم بختده یا چرخ جفاکارده‌در
عالمون دادرسی سن یا داد رسم   بونا اقرار ایلیوب هیچ کیم انکارده‌در
من فقیر و نده تپش داد نه ایلده یتین   دردیمون چاره‌سی بو در که سرکارده‌در
من ایله بو غدانون عالمده اینت دیوبن   کورکله بنده‌ده تقصیر او خونخوارده‌در
گیدرم کنده قاچر کیم تبولر کند ایله ره   گلورم شهر گورورسن تیکلی بارده‌در
یانیده یاشلو ملیدنه کلورنان ولار   دیر ال وبر ما چکوب ثبت قیاندارده‌در
های او زار خرس یک حمال بیر کیت یوقی یول   کینه هیچ کسده دکل درهم و دنیارده‌در
نچه مدت در المدن قاچوب الطاملردن   دوشمیتم اینده سرافین سیزون انبارده‌در
التماسم بودر بنده‌دن دوتوب لنگی الی   دیره سن بنده‌یه چوق قصد دل زارده‌در
آیاریم بنده دگر یا نه اونون باشین ازیم   دو نمیوب تاکه دکریان نقدر کارده‌در

جانه تیشه‌یم

وله ایضا

جانه تیشه‌یم دخی دردیمه بر چاره قیل   تاری سیلور کلمشم تنگه بو مکاردن
کاه آیاردوب بنده‌لر شو قیله یقال ایتدیر   کونده گرک داد ایدیم سر پاره همکاردن
کاه تو تونجی لکه کوندر و بن شو قیله   کاه قاچور در بنی محصل و پاکاردن
کاه دکاندار ایدر سن سیلوسن بو سوزی   حق اوزری بیزار در جمله دکانداردن
که صالوزند ینه بیزار منی اوستنه منینی   که سیزه بوکر وبر در خوف طلبکاردن
سوزدیرم اوسته اچوق ممیشم جورکین   دادیمی آلسون تاری شاطر و شیکاردن
سهل دو بونلر تمام غمده مطلب بودر   انجمه سن کربن زار و دل افکاردن
نه بودکاندن منه فایده‌وکند نوایه   نه کیجن ایلکی سیزون سندین انباردن
بیله خیال ایلرم بو تشویر ایل بابل   بن نه بیلم سر چه دن دوغیه خوردن
میرزا ابو القاسمی خالق عالم گورم   حفظ ایلسون جمله آفت و آزاردن
دیردی قبض کهندیون که خلاسندن الام   آدی محمد علی شمر ستمکاردن
بن بیله گوردم اونه دین ایماندن گیچر   کیچمیه چکدور یقین پرچه چورک دیزیردن
عجز ایدرم هر نه بن فایده ویرمز آنکا   یوق جبر غیرت و ناموسنه هم عاردن
آنده سیز ادرکور مشم گورمسون هیچ آره‌منی   لطف ایله اندا دگرا ولمیه سرکاردن
چورکی چورکچیلر صاتر اوج عباسیه   ایوده چورک یوق جبیم پاک ده دیناردن
قاریده ایوده گیروب کربسه حکم ایلیه   داشلر اولوب کم سیه آلمه بو بازاردن
بیله آقا لطف ایدن بو خدا کیت نفس اکتور   بشریم ایوده اولوم ایمین اوشاقلاردن
بو ایکی سوز ایلیوب هر ده عاجز بنی   سندن او تا نوریورم شرم ایدرم قاریدن
زاده خیر البشر مستجب الدعوه سن   منکر اولا نمز بو کون کمسه بو گفتاردن

کورسرطان ولسدی صبح وشام | سنبله دن فصل تموز آلدی کام
هم دخی میزا نله عقرب مدام | وقت خزان قوسده اولمش تمام
جدیله دلو عیش قلوبدر حرام | حوت ایلیوب کار زمستانی خام
کشف اولوا حواله رمز کلام | صاحب هوش اولسه خوش اخلاقده
یدّی کواکب فلکون زیوری | ماه کتورمش خبر آذرے
دهره عطارددا غدوب دفتری | زهره دوتوب چنک دکر مشتری
باشنه خورشید قویوب افسرے | حکمیله بهرامه ویروب لشکری
ذوقیله برجیس دوتوب کشوری | اتدی زحل پراوزنی اخضری
اهل خرد اولمه کرصرصری | عارف اولور خلقت خلاقده
سبزه باشین خاکدن اتمش عیان | منقبت حیدری ایلر بیان
لاله چخوب کوهده دومش مکان | سوسن آچوب کورنجه شیرین زبان
سنبل وریحان کتوروب ارمغان | جعفری وزنبق ایله ارغوان
راست قلوب قدینی سرو روان | طوطی اولوب قمسر ایله همزبان
عاشق اوزین کوشده اتمش نهان | وحدت دکثرتده بو یغما قده
نعره اوروب عدله برق وسحاب | یا غمغه باران ایلیوب اضطراب
دوندکمان قوس اوخ آتدی شهاب | اولدی جهان ایچره عجب انقلاب
شبنم اولوب سبزه یه درخوشاب | قرمزی کل شوقیله یرتمش نقاب
بلبل اولوب کورنجه مست وخراب | کبک دوتوب کوهده چنک ورباب
تحته چخوب جو کنه بو تراب | عالم اولوب غیر بونه طاقدن

کیجدی بیله سال ومه ورد زوشب | دهرده دیوانه نه آنلر ادب
کرچکه یوز محنت ورنج وتعب | فکرایدرم روز ازلدن عجب
بر عملیم یوقدر نیم منتخب | غرق کنا هم دخی یوقدر سبب
عاشق دلسوزم امیر عرب | دشمنی دوتسون بو بیان چاقده

ساقی نامه

ساقی ویراو ساغر شرابی | اباد ایله بو دل خرابی
سالمه بن بینوانی کوزدن | کل باک ایدلیم بوکون حسابی
ایساقی کلعذار مهوش | آیا نولو ایله بر ثوابی
دور پرچه ایاقه دور ایله | قویمه کیچه دورهٔ شبابی
پرجام بنکاسن ایله الطاف | تا ایلیه رفع بو حجابی
دل رو یهنی ایله غضنفر | یتسه قیلا نشه عقابی
هرباغه کیرنده باغبان تک | کلدن آله وجد یله کلابی
قیل ذرّه می مهرون ایلیه روشن | ذرّه بوله قرص آفتابی
یاندردی بو جسم زاریم آخر | پروانه تک عشقون التهابی
ایمطرب خوش نوا دخوش صوت | چال چنک ونی ودف وربابی
تا ذوقیله بو عروس بختم | یوزدن آتا بلکه بو نقابی
جان ملک بدنده دایم ایلر | پر مرد غریب تک شتابی
هرکیمسه وطندن آیرد دوشسه | البته چوق ایلر اضطرابی

پیر کافری قویدی مسندنده | خانه نشین ایتدی اول جنابی
شهبازی اوچوردی اوزالندن | کیم قویدی یرنده پر غرابی
خوف ایتمدی آتش سقردن | قیلمادی خطادن اجتنابی
حکم ایلدی شیر کردکاردن | بازوسنه صالدلر طنابی
قیلسون احد و صمد همیشه | مجموعنه لعن بیحسابی
یوق لعندن اوزکه ذکری دائم | دلسوزون اولوب بو اشتحابی

غزلیات

نوله پیرال بته اول زلف مطرا الننه | بلکه سررشته دوشه عاشق رسوا الننه
قیس تک کوه و بیابانده سرکردانم | یوقدر بیر مرد ایلیم تا ویره لیلا الننه
چوق سعادتدر غزال اوله بر فصل بهار | تیشه دامن کل بلبل شیدا الننه
دین دایمانم المدن کیدوب اول اصفهان تک | دوشمیشم شهر مسلمانده ترسا الننه
پیشکش شبهه دکلدر اکی دنیاده عزیز | ویره کر یوسفه هر کیمسه زلیخا الننه
ال ایاغم تیتر کورجک او شوخون کل اوزارن | نجه خمار آلا پر ساغر صهبا الننه
ویرمز البته کوکل عارف اولان عالم ارا | هر پریچهره و هر شوخ دلارا الننه
نیه بوزمین دل دیوانه‌لی زنجیره اوروز | تا پشوررلرا وایکی زلف چلیپا الننه

کنج میخانه‌نی مسکن ایله هر شام و سحر
ویرمه دلسوز بجن زاهد و ملا الننه

دلبرم لیلی یقین بس کمی مستانه دکل | قیس عالمده بو کون بن کیمی دیوانه دکل

یقین ایتب چاره عتاب لبوندن اولمیه جانا | مریض عشقون اراسنا ونه ویرمز شفا زلفون
ندر تقصیری آیا روز ازلدن بو دلسوزن | شب یلدا اتک ایلیبدر کونم تجسم قرار هجرن

سحرکه قصردن اول شوخ بی نقاب چیخر | نثار مقدمه جان ایلر اضطراب چیخر
اکر نظاره قیله بیله حسنه دمنیدن | تمام فاضل ذرتا دوشیخ و شاب چیخر
کورنده بیله رخی آفتاب عالمتاب | تعجب ایلرم اتمزندن حجاب چیخر
زبسکه آتش عشقله ایدوبدر سینمی داغ | اکرچه چاک قیلوم بو جکر کباب چیخر
او کل یوزون عرقی مسکی منفعل قیلمش | بلی یقین ایله کلدن بیله کلاب چیخر
کورنده شمع رخین مرغ دل چو پروانه | بیله شراره جکر عرشه التهاب چیخر
کل ایکو کل دخی بولاه عشقه قویمه قدم | کیدن بولاهه بو آباد اولوب خراب چیخر
اکرچه شکوه قیلم یار جور و ظلمندن | بو غملو سینه‌دن هر لحظه بر کباب چیخر

نکار رمزجی ایله مدام ای دلسوز
پرانشیدو بوکه همیشه نسکا ثواب چیخر

قاشلرون تیغ و مژکانلرون بیکانلر | سینه بیکانه هدف تیغنه جان قربان در
کل یوزون کورسه جکر خجلتیدن رد نقاب | حسنکا کوکدکی هم آیله کون حیراندر
او ایکی قاره کوزون جانه نه افتدر سیالوب | عاشقون قتلنه هر باخشی بر فرماندر
عالمی روشن ایدوبدر سنون انوار رخون | اوزدر بو یا کل تریا که مه تاباندر
یوقدر جنتده یقین بس کیمی بر حور العین | بیله حسنه دیمرم بنده که بو انساندر
خوش او کس حالنه اولمش سنون عشقونده مریض | بلبلرون شهد شی اونون دردینه درماندر

وصال یارکنه تازه دن دوشوب باده
جنون دلمقه کوکلم اولوبدر آماده

غم زمانه کوکل ملکین ایلیوب ویران
کوروبله چاره تعمیری جام صهباده

خمارلق بنی اندی خراب ایسا قی
ایمدی دوت منه لطف ایله بیر دولو

بنی له چرخ دنی چوق یماندر ارلدن
یوقدر که بختی قرا بن کمی بو دنیاده

کوزم قرا غملم ناله دلبرم بی رحم
یوخدر و کمنه بتون بوکونده امداده

دوشوبدر باشمه بر لیلی وش نکار عشقی
جنون تک کزرم کوه و دشت و صحراده

زبسکه صبح و مسا آغلرم فراقنده
دونوب کوزم یاشی مانند شط بغداده

کوروم دلاله ور قاره جهانده هر کیمسه
ملامت ایلیه مجنونه یا که فرهاده

همیشه بو نیکار زلف نکاره دردلسوز
کمند سلسله زنجیر بند قلاده

اوکوندن اولمشم مانند درویش
که اولدوم مایل و پابند درویش

بیلور بو نکته نی عالمده درویش
اولور درویشلر چسبند درویش

آلوب الدن بنم صبر و قرارم
که بیر درویش جاهل مند درویش

کنه طوطی صفت نطقم اچوبدر
اولعل لفظ شکرخند درویش

اولوبدر مجمر رخساره سنده
همیشه جان و دل اسپند درویش

اوغمکین اولسه اولام منده غمکین
اولور دلشاد اوله خرسند درویش

اولنجه عهدینه انکار ایدنمز
ایجوب مولاسنه سوکند درویش

علاقم ما مودن یکجا کسوبدر
منیله باغلیوب پیوند درویش

هانی درویش ایدلسوز درویش
اوزی درویش هم فرزند درویش

اغیارله یار اولمکله دورمه او تورمه
انجمنه من زار و فکاری سنی یاری

کل عارضون عاشقیم ایشه خوبان
همدم اوزنکا ایلمه خاری سنی یاری

کل ساقی الندن ایچلوم باده کلنار
بیهوده کچرمه بو بهاری سنی یاری

بر فصلده و بو هر کیم باده کلنار
دلدن کوتورر کرد و غباری سنی یاری

پروانه صفت باشنکا هر لحظه دولانم
ترک ایتمه کله من کیمی یاری سنی یاری

هر بیسروپا بیله کل ایلمه الفت
پامال ایلیه غیرت و عاری سنی یاری

نازیله کچوب بندیه خصمانه باخاندا
بر کلمه دانشدر منی باری سنی یاری

کل کوزمه روا عاشق دلسوزنکا هردم
منصور صفت جلوه داری سنی یاری

دلبر قولاق آس دلبرلر عاقد اولورلر
اولمرکه جفا کار اولو آخرنه اولورلر

مشهوردر عالمده بو سوز بیر باره قیزلر
پیرایش اولو آخر نچه پیل ایوده قالورلر

معشوقه کر صورت شها اولسه مطلوب
نقاشدن اوت آلهیه بر صورت آلورلر

لازمدر که دلبرده اوله سیرت و صورت
حال اهلی اولان ماهره مهر صالورلر

پروانه لر کورمسن شمع و چراغون
پا نمقدن او ترباشنه دایم دولانورلر

طعن ایتمه بن زاره که چوق زرد و ضعیفم
هر ما هوشه عاشق اولانلر صارالورلر

دلسوزه بو قدر ایتمه ستم ایکل خندان
آخر یوزدلورلر نیچه کلر یوز دلورلر

عزیزم عشق عالمده یقین بیل کیم نهان اولمز
غلط سوز دردیلر عاشقون عشقی عیان اولمز

کورو معشوقه سین عاشق قاچر رنکی دیزی تیترر
بعینه صورت دیوار اولور جسمنده جان اولمز

وله

چوقده ادوزنده دیو لاف کزاف ایله | نولدی نظامی هالی سعدی ویا انوری
سویله دیوانه سن من کیمی بیچاره یه | بالله مجنون اولورانس کوزنده پری
دهرده مشهوردر بو سوزه عالم بیلور | صورت لیلی قلوب قیسی بیله جبری

عاشق و دلسوز نکم توتمیشم عالمده من
اول صنم راه هونده مین شو قلّه جان وسر

بنکا سجین اولور دلبر گلستان ارتمن سن سیز | جهنم مسکنم اولسون بهشته کر کدم سن سیز
سن ایمه پاره شکیندن بو بتر بزه گلش کورندیم | چخات یوق فکری قلبوندن دیم یا بیر کلیم سن سیز
دو شنده لبلرون باده المده قان اولور باده | اولور خون زهر دنیاده شراب ناب ایچیم
جوانده میده قاسیم قولم کربو بنکا سالسم | کسلسون اللریم الله کرمن قلم سن سیز
کوزم کور اولسون ایچاب تالان اکر باخسم من | یازه دل یوسف کنعان بنکا یوز مین کره رقم سن سیز
کورود بالفظ کیشارو باخوب اشعارو فهم اتدم | عیان اینه ده رخساردن بو در خوفم ادلم سن سیز

ترحّم ایتیه زون کوسترکوکل دایم سنی ایستر
جگر دلسوز دن ایدلبر همیشه درد و غم سن سیز

هجران ایدبدو کوکلم ایوین غارت آغلرم | بو آغلامق اولوب منه بیر عادت آغلرم
برباد اولیدی کاشکی بو دوران کوکل کمی | شاد اولمادم بو دهرده بیر ساعت آغلرم
طغیان ایدبدو محنت و اندوه الامان | قالمو بدور منده صبر ایله بیر طاقت آغلرم
بیر بلبلم که گلشندن آیرو دوشمیشم | بیر دردیم اولدی هجرده مین آیت آغلرم
بیر درده دوشمیشم العزیزان دوا یوقدی | اولدی زیاده اولمادی بیر راحت آغلرم
کوزلر اگرچه کم اولاون سن ای پری | سنده اولدی یقین که مین غیرت آغلرم

کام

کام دلم هر ایکی جهانده روا اولور | بیر لحظه ایله نیکا نظاره کوزلردن
یوسف کمی بو دهرده بیشوخ دلربا | چکدی بنی نه شوقله بازاره کوزلردن
هردم خدنک غمزه ایله قلدی چاک چاک | ظلمیله آلدی صیدیمی صدپاره کوزلردن
بیرباجمغیله آلدی المدن قراریمی | صالدی منی بو بستر بیماره کوزلردن

صبریم آلوب توکتدی قراریم هر آه ایله
دلسوزی کتدی دهرده زنهاره کوزلردن

آل دستنگا چک شانه ولطره طرّاره | کوکلم کمی برهم قیل توک چهره رخساره
خو کرده هزاران دل بر سلسلهٔ موییت | پیوسته مقیّد در باغ هر بیر بیر تاره
از ناز دو ابرویت صد تیغ کشد بر دل | بیجرم توکر قانم یوخ بیر بیله خونخواره
وآن ناوک پرکارت افتاده بقصد دل | هر لحظه قیلار مین یول باغریم یاشینی پاره
چشم سیهت برده آب رخ نرگس را | لعلون حسد ایتمش کار بیر مین پاره
از حسرت رخسارت مجنون شده سرگردان | لیلی و زلیخا بول حسرتده بو دیدار ایله
بر تبکده گر روزی افتد گذرت ای بت | دینه کلورتر سا اقیلیه سینکا نظاره
رنجور غم عشقم از هجر تو ای جانا | بیلیم من دلخسته یوخ دردمه بیر چاره

از هجر تو این دلسوز میسوزد و مینالد
رحم ایله او نیصالمه پروانه تک اودلاره

سنکا منزل امی افلاطون جهانده دلمقال اولمش | بنم دار الغنیه ایچره ایشم آه و فغان اولمش
مثال غنچه بیم دوشمیشم من آیرو گلشندن | گل اوزلوم فرقتندن بو الف قدیم کمان
چیخن کوزندن یقین ایتی خطه بتر یزدن کویا | داغ غمیس ظلمدن بو خانه عیشم ویران اولمش

۹۰

کیردی ایچری غفورنا ... ویردی بنکا مژده عجایب
دیدی دورا اوتورمه ایچکر سوز شهزاده میرزا ایلر عزم سلدوز
من بابم آتام اولدی بار غیبی رخسارنکا توکمه موبخه یاشی
بو بدن صورده داخی اولمه غمناک سن هیچ طرفدن ایلمه باک
هر نه بیره خدای عالم والله وارام سنیله باهم
بیر اوزکه خیالی ایتمه هرگز شاهد اولا جمله اهل تبریز
بیله کتوریم سنی سفردن صدق دیه جمله دوست دشمن
اندی اوقدر نوید وتعهد سوزلرنه باغلیوب من ابد
مید انه کیدوب من بلاکش آلدم هوسیله بیرجه باکش
بین شوکتیله سوار اولدم دو شدم بوله دلفکار اولدم
اخشامیدی سر درده کچدیم باری کجه الخی چی ده دوشدم
آتدن انوبن من جکر خون کوردم که دوشوبدر یولده خورجون
بتدی چو ضرر ازلکی منزل اورده منه آیه اولدی نازل
بیلدم بو سفرده خیر یوقدر کراولمه یقین جفاسی چوقدر
اینندی غفور ایتدی زحمتم اندی یا توبدر و شور بختم
دیدی بنکا هیچ اولمه غمگین عوض اولور ها موسینه زرکین
من ساق اولوم اولمه ذره دلگیر خالق بیلو یوقدر بنده تزویر
صبحه کمی یاتمیوب من اول شب فکر ایلردم بندر بو یارب
صبح اولدی عیان دوروب ایاقه اردوده دوشوب همان سراغه

شام سبز

۹۱

شام سبزکیچه بانمیوب بخاری الله دن ایستدک نهاری
بیر بخه کونی بو عادتیلن ها مو وارد وق نه بیرجه تک من
بخشیدی کیدنده بش تومان پول آیار میشدیم اوداندی مشغول
تکیه ده دوتانده شاهزاده نوحه دیر یدیم اودل عزاده
خطبه اوخوردی عیداولندا نقالدیم هر کیجه یاتانده
آخر بیزه خلعتله صیله بو اولدی کرمله ایتدی بیله
دلسوز لبس ایله بوکلامی کتدن غمه خاصله عوامی
آتیله سنون آرانده بسحان اتیون اوزی عالم ایچره دیوان

زلفون دوشنده پریشان اولور کوکلر لعل لبون خیالی ایله قان اولور کوکلر
سیل سرشکم عالمی غرق بلا ایدوب ازبسکه دود آهله طوفان اولور کوکلر
کنج محبتیله ت مهربانمون بیلم بونی که آخری ویران اولور کوکلر
رویون خیالی ایله یاتوب خواب ایسیم فلوتکه وصالده مهمان اولور کوکلر
کلزار حسن ایچنده لب غنچه نکار بیر نیمخند ایله خندان اولور کوکلر
کورسم سنی رقیبله جام می الچسن رشک آتشنده قوش کمی بریان اولور کوکلر
غمزن اوخین آتانده کمان قاشن کچر زنبور خانه سی کمی شان شان اولور کوکلر
کورسه نکار خانه چینده جمالنکی بو حسن نیمرنکه حیران اولور کوکلر
بو دجله فراقده کشتی نوح تک آخرده غرق ناله وفریاد اولور کوکلر
هردم کورنده باغده دلسرو قدنکی نیجو د سنون دالونجه خرامان اولور کوکلر

[illegible]

نجه داغش کیمی کوکل اولسه دغولر ایله زر لیف / داد بو طرّه طرارده انصاف اولمز

اینده بیلدیم که او بیچاره خلیفه نه چکوب / زلف لندن بو سیه کارده انصاف اولمز

زلف مشکین منی اولدردی مسلمانلر آن / نیتون دادیمه کفارده انصاف اولمز

کوروری نکهت زلفه با خون دل احمقیه / کنه عنبر صاتر عطارده انصاف اولمز

تاری انصافنکی کسو بیچه انصاف ایله / کرچه جلاد جفاکارده انصاف اولمز

بیلم آخر نیتورر وصله خداوند کریم / بو قدر یالوارورم یارده انصاف اولمز

چکمه دلسوز بو قدر آه و فغان یار دیمه

ترکیبی بیر پاره دلدارده انصاف اولمز

هر کیمون هر ده بیر دلبر مه پاره سی وار / دردی اولمز اکر اولسه نه غمی چاره سی وار

هانسی مهپاره نون عالمده منم دلبر مون / من کیمی عاشق سرکشته و آواره سی وار

کرز اغیار ایله بو ظالم بیمهر و وفا / بیر خیال ایلمز هیچ عاشق بیچاره سی وار

بیر دیمز لیلی وشیم عشق جولنده منک / بختی برکشته و دلخسته کوتی قاره سی وار

یار کوینده یاتام یوز ایل اکر چاره کل / سنک رقیبون یوزنی کورمکه کفاره سی وار

کوکلمون قانی کوزومدن توکلور شام و سحر / باغ بو در یا غمه کور نجه فواره سی وار

تولیوب زاهدی دنیا که چکوب عشقدن ال / انی منع ایلمرم نفسنون اماره سی وار

بیر جه انصاف ایله مدتدر که بو دلسوزدن

سه جمالونده سنون حسرت نظاره سی وار

کل ای من کیبی کسن زاری فوتین دم هجره آواره / ترحم ایله بیر دم سن اوزوندن قل دردمه چاره

غم هجر ایله دلبر سالولبا جانمه آخکر / تیلوب بختم عالمده سن اوز زلفون کیمی قاره

[illegible]

[illegible]

بو پری چهره نی خالق نیتورب دلسوزه

نیز خیال ایلمیون کیم بو زر و زر دوزه کلوب

عالم سنه مایلدر ای دلبر مه پاره / لال اولمشم عالمده بیل دردمه بیر چاره

یا حکم ایله منصور تک چکدر منی سن داره / عقلم دغلوب سردن من قالمشم آواره

بیر دم منه رحم ایله سالمه منی اودلاره / از قالدی دوشم منده یوسف کیمی بازاره

سن سیز کوزومه دنیا اولمش کیجه تک قاره / عاشق اوللی دلبر بیر سن کیمی جانانه

لبر زار اولوب غمدن یاتمه دل ح بوانه / یاندیم اوده هجرنده هر لحظه جو پروانه

عالمده خدا امیه هر وا صبح و نهانه / بو دهر ده ظلم اتدون سن چوقی من یالانه

آخر سلیمه ظلم اتیمز کافرده مسلمانه / سیل تک توکلور اشکم هر دمده بو رخساره

عشقون شرر ندن بیل دوتمش بدنم آذر / لیلی نون اوزن کدرکچ مجنون کوکلی تیتر

یعقوب صفت آغلرا اوز یوسفنی استر / عذرا کیمی زار اتمه من وامقی ایدیر

بلبل کیمی کل وجهون وصافنی دل استر / ایکا فر بیمروت اتدون منی سن کافر

صالدون منی صنعان تک کو یا تب زناره / عباد ی پشیمان ایت کورکز قاسونکیز بیر دم

لعلیله لبون آج تا بلبلاری قیل ابکم / یوز کوستردین ایله مهتابی خجل بیر دم

عبد ایله او ثمشادی یاسن کلشنه بیر مقدم / بر هم ایله زلفون بیر تا سنبل اوله بر هم

آل و جهون عرقناک ایت کل برکنه دوز شبنم / صانار و خرامیله آتش کل و کلزاره

عناب لبون اولمش هر خسته ایچون درمان / لاله کیمی رخسارون کور جک کل اولور خندان

یاسن وزره صالوب یه زلف سیهون نیزان / عیسی کیمی هر ساعت امواته ویرر سن جان

با عشاو دو دیده نطقون سودرم ایمان / انصاف ایله بیر لحظه ویر نطقوه سن جولان

[illegible]

[illegible]

ایکوزل بو حسنکا چوقده غرور اولماکه بو کوزل لک نازو غمزه هر نه وار الدن کیدر

دلسوزا بو قدر جهانده بر حقیقی آشنا
چکسن ال آشادن کسب و کار الدن کیدر

مایلدر کوکل سن کمی جانانه ازلدن دونمز دخی بر سن کبی مهپاره کوزلدن
هم جانله دلدن ادراره ور ایلدن
بلبل کبی کلزارده بو محنت کلدن بر کمسنه کام المدی بو دهر دغلدن
دوشدیم کنه دیلدن کوچدی بو محلدن
ال چکدی دولانم باشنکا بو جنک و جدلدن سهلیدر دیتو بدر بنکا بو زنوع جفالر
بر بیله عملدن جور و تعبوندن
مجموع جهان بجره عیان ایدکی بلالر رحم ایله بتر خسته هجرانه شفالر
قهر و غضبوندن اول لعل لبوندن
الفاظ جهانده اکلومین نوع صدالر اطوارنکی پاک ایتکله ایشوخ هللدن
ظلمون سببندن هر نقص و خللدن
یاران بو کوزل هرده غلماندو یا حور شیرین دده صنیا کم صالوب عالمه اشور
یا جنس پریزاد قیلمش بنی فرهاد
یا یوسف کنعان دو وطندن بوده دور خورشید دو بیلم که قیلوب عالمی پرنور
مصری قلوب آباد ایلر بیله بیداد
یا ماه دخی شو دیمین برج حملدن دهر ایچره یقین ایتکله ایچوری غلمان
ظاهر در عملدن بو قوسن کمی زیبا

بر من دیرم ها مو یه بو نکته عیاندر بو مصرعی خوش نظمه چکوب هرده ادا بستادی
با آل علی هر که درافتاد برافتاد

شاهد دو منم بو سوزمه خالق اکبر دایم بونه حیران ایدیم ای پوز پیمبر
آیا بونه اد ضاعیده چرخ ایلدی اظهر بو کل مکوی تا که ایشیدم من مضطر
شو قیله بو ابیاتی او دم ایلدیم ازبر بو مصرعی خوش نظمه چکوب هرده ادا بستادی
با آل علی هر که درافتاد برافتاد

مخمس

ایجاد اولیلی دار فنا روز ازلدن بر مومن اکر اولمیوب آفاقده ایمن
ذلتده دو هر لحظه چکر طعنه دشمن عقباسنه ضامنسه دو لیقا در ذو المن
اولسون بو سوزه شعله روشن کوزلری بو مصرعی خوش نظمه چکوب هرده ادا بستاد
با آل علی هر که درافتاد برافتاد

اولکونکه کوکی کتدن ای صاحب تمکین خالق بیلو شهر اهلی تمام اولدلیر غمکین
شاد اولمادی بتر بزده بکره بر بجه بیدین کس سوزن بر اوزندن اولار دوحی آذر تسکین
قایلدمونه و هرده هر ملت و آیین بو مصرعی خوش نظمه چکوب هرده ادا بستاد
با آل علی هر که درافتاد برافتاد

واضحدر بو سوز جمله بیلور عارف و هشیار اولادرسوله ایده هر کمسنه آزار
پشنک اولور آخرده او کس خوار و گرفتار اولدی بجه ایزابله تورانه بو اظهار
حکم ایلدی حق احد و قادر جبار بو مصرعی خوش نظمه چکوب هرده ادا بستادی
با آل علی هر که درافتاد برافتاد

جدن کمی صبر ایله کله جمله جفایه عالم سن اوزودن واقعه کرب و بلایه

ایضاً مخمس

همونس وغمخوارم یاخ بیر من یالانه — باتدی غم عشقونده دوشمش جگرم قانه
رحم ایت منه ایجانا قویمه دو شم افغانه — اخر قویارام بوزمن اولدشت بیا بانه
هاردن تاپارام چاره بودرده دوا آنه — یوسف کیمی دوشدم من هر لحظه زندانه

مشهور جهان اولدم بیر طوطی زبان آوسته

آیا بونه صورتدر صالمیش منی سودایه — بوکمش قدیمی باقدر تمثال الیفوبایه
رام اولمادی بووحشی بیر من کمی رسوایه — اوزره قویوب مجنون کیمی صحرایه
هر کز منه رحم ایتمز باخون بیله ترسایه — یار اولدی منه ترسا دوشدیم بوکلیسایه

محنت نه قدر اولمش من کلدیم امان آوسته

اوزلف چلیپا دن چکدی منی من داره — بیر باخمقله دلبر صالدی منی ادباره
راضیم یقین ایتین بو جسمی صد پاره — اولمرم بونا قایل ایدلبر منه یاره
همدم اولسن بیر دم اولسک صفت اغیاره — باخسنکه پنهان ایت یا چک منی بازاره

مردانه توکوب قانم قوی دستوی قان آوسته

انصاف ایله ایدلبر یاندیم من اول رنجور — بیر باده ویروب ساقی ایتدی منی چوخ مخمور
روز وشب غم عشقون ایتدی بدنم مستور — اولدوم بو جهان ایچره من قیس کیمی مشهور
هر لحظه غم آرتار دردیم چوخ اولور بر زور — یا صانع بیچون سن جنا دیمی قیل مقهور

مردود ایله شیطان تک بو کون مکان آوسته

اطرافی رخون دوشمش اوزلف چلیپا در — بیلمم ره ظلمتدر یا کیم شب یلدادر
رخصت ویر ایدیم افشا بو عنبر سارا در — ار ایستیه لر بامون شعر ایچره معمادر
هر مصرعده انسمون بیر حرفی هویدا در — یاریم سنکا دلسوزون بلبل کیمی شیدا در

وله ایضاً

ایجاکلی مشک عنبر سارا قره کوزلوم — ای غارتکر کل زلف چلیپا قره کوزلوم
ای قاشلری محراب کلیسا قره کوزلوم — ای کیپرکی اوخ کوزلری شهلا قره کوزلوم

ای لبلری اعجاز مسیحا قره کوزلوم

عشقون نیجه مجنون کیمی عریان ایدوب آخر — بو مسکنیمی کوه و بیابان ایدوب آخر
هر شام وسحر کاریمی افغان ایدوب آخر — غمزن جگرم لاله کیمی قان ایدوب آخر

قیمه بیله ایتمه رلیلی قره کوزلوم

چوخ جور وجفا کرایلدی اونتغیه اغیار — کلشادن اوتور اغلادیم کرد بیر ده ور قار
دایم کله حسرتدر اکر طیب شیدا — چوخ چکدی جفا یوسفدن کرچه زلیخا

اولماد بیری من کیمی رسوا قره کوزلوم

بو قد رسنکا دهر ایچره کوزللکده برابر — وصفون دوتوب ایرانیله توران آکیسراسر
محبوب جهان جمله اولنلر سنکا چاکر — زیبالر ایچنده بوکون اوندی تو دلبر

باتله یارا بدر سنی یکتا قره کوزلوم

ایدلبر مهپاره ایا شوخ پریزاد — ایکافر بیرحم ایا کافر جلاد
ایطوطی زبان کوکلم ایوین یلمه برباد — ایغنچه دهان سیم بدن قوللری شمشاد

ایموی کمر قامتی طوبی قره کوز

بیر کوش ایله بو عرضمه ایدلبر ماهر — تا کیم ایلیم دردو دلم بن سنکا ظاهر
ایا نه کنه مندن اولوب هر دم صادر — بیر بیله منم ظلم ایله باحق یه آخر

بو باشمه کتدون بیله سودا قره کوزلوم

قویدی مخنتده بله عاجز و بیچاره بنی ‌ کنه پر لیلی وش لبر مهپاره بنی
صالدی مجنون کمی بو دهر ده آواره بنی

قیش کبی صبح و مسا چوللره اولدی وطنم ‌ قامتم اولدی کمان دوندی هلاله بدنم
سنه رحم ایلمز اول طوطی شیرین سخنم ‌ بر پریزاده بی رحم جفا پیشه بنم
شب یلدا کبی گویا کونمی ایلدی تار

بو نحس طالع شوم اولدی بکا صبح و مسا ‌ قسمتم اولدی جهانده غم و اندوه و بلا
کلسه لقمان ایده بیلمز دخی بو درده دوا ‌ من دلسوز کبی غمزدکان نجه بیر جور لقا
ایلیوبدر بو جهان ایچره بیله زار و فکار

ایضاً وعنه

صد شکر اوله کوردوم کل اوزون همه تابان ‌ غم چکمرم اولسم دخی ای یوسف کنعان
حسنون شفقی ایلدی بو شهری چراغان ‌ آیا کورسن وار دو کوزل سن کمی جانان
کورسه سنی مدهوش اولور هم حوری و غلمان

خلق ایلدی خالق سنی زیباره سرور ‌ قاش قوس و قزح کبی کون آلمش الینه خنجر
سو بله کوردم ایمه بیله کوزلرمنی بیلیر ‌ بو نجت سیهدن دیر لبدر آنکا زیور
یوخ سن کمی بیر غنچه دهن لعل بدخشان

فالار نکا هندو دیه بیلم سنون ایماه ‌ آهو باخشون ایلدی بو عمریمی کوتاه
اللهی سورسن دیکه بیر عدل ایه شاه ‌ یاندردی فراقون منی آتشلره بالله
آغلر بنم احوالمه هر کبر و مسلمان

صانمیسن منی سوزلره دیوانه کمی ‌ یالوارم من بت تاره که صنعانه کمی
اولدر درسن کل آیار پنهانه قربانون اولوم

خالق خلق ایلیوب بر بیله مهپاره کوزل ‌ ویره زینت ندیم کل کبی رخساره کوزل
تو میسن منی بو دهرده آواره کوزل ‌ دلسوزم ایله بنم درمه بیر چاره کوزل
که ویرم جان و سر مردانه قربانون اولوم

ومنه

جیو فا حسنی کوریمه که سنی خوار ایلدی ‌ صالدی مین درد و بلایه نجه بیمار ایلدی
صغرنه روی کبی کورمونه تمان تار ایلدی ‌ نجه بیش وقته سنی ریشته ادبار ایلدی
سنی ده من کمی بو دهرده ناچار ایلدی

بیلمدون قدری حسنون نیه یقاشی هلال ‌ دیمدون کیم کیدر الدن نکا قالمز بو جلال
های اول حسن و جمال ها اولدی خیال ‌ نجه بر ایلیدون اوزرا اوزنکا فکر و خیال
که منم حسنمه باخ تبریزی کلزار ایلدی

یادنکا هیچ کلورمی سنون ابقاشی کمان ‌ عرض ایدردم سنه من هردم ایا آفت جان
اولرم دا دمه بیت سن منم ای تازه جوان ‌ دوندرو یوز ویردی نجه مین فحش و یمان
کوردون آه هم سنی بو درده گرفتار ایلدی

اولدی بو حسنه سنک تک نجه مهپاره غرور ‌ نجه وقتدن صوره اولدیله پشیمان نجه حور
هر نجه منقاش ورارسن دا پر زور اوله لور ‌ نیع بساطو دخی بوندن صوره سن ایتمیه سرور
سنی سقل اوزوندن نجه بیزار ایلدی

دیمدم من سنه آخرده پشیمان اولورسن ‌ ایتمه طغیان بو قدر آخری یکسان اولورسن

عاشق اولانون کاری همه جور و جفادر	راهنده ویره جانینی دلسوز رها در

هر یرده دیرلرکه ویروب جانینی جانانه

ایضاً مخمس

هر کون ایام بهارنده عزیزانی قدر	شاد و خرم اولوبان باغ صفا ایچره گزر
گوردم اول باغ ارا بر پری مستانه گزر	بیله صاندم که طلوع ایلیوبن شمس و قمر

سرو قامتله خرامان بکا بر قیلدی نظر

بر نظر باقمقله دردم طغیان ایتدی	عشوه و غمزه ایله باغریمی بریان ایتدی
منه باندرمق ایچون کاکلین افشان ایتدی	چهره رویه سالوب عالمی حیران ایتدی

سانکه بر حور بهشتن ایلیوب باغه سفر

بونجه حسن و جاهنده خدایا نه دیم	گورمیوب چشم جهان بر بیله پیمانه دیم
کله یوسف وله بیلمز بونه همتا نه دیم	باخا واله اولوب حسنه زلیخا نه دیم

یوخدور بر بیله پری یوخدور بیله ماه سیر

عرض قیلدیم او پریزاده که ای طوطی زبان	چاره قیل درده اولدم من بیچاره امان
رحم قیل حال پریشانمه ای تازه جوان	دیندرب شاد ایله من بیکسی ای شوخ جهان

سرمه گلدی بو کون قیس کیمی تازه اثر

ذوقله سکرایدم الحانو تیجانه بو کون	اوغردیم باغ ارا سن کیمی بر جانه بو کون
صالدرن سینه‌مه گر غیظله زندانه بو کون	دلسوزم درد و همیدم شه مردانه بو کون

ذو الفقارین چکه بو عالم اولور زیر و زبر

ایضاً منه

مخمس

بو درده دوا ایلیه بیلمز کله لقمان	سن گلمیه سن اولمز دخی بو درده درمان

گل عاشقونکا ایله نظر ایشه خوبان

گزدم بو جهانی سنکا بر گورمدیم همتا	بو حسنی سنکا لطف ایلیوب خالق یکتا
یوقدر بو جهان ایچره یقین سن کیمی زیبا	ناحق یره گتدون باشمه گورنجه سودا

ای قاشی کمان کیرپکی اوخ گوزلری مستان

مستانه گوزون نرگس شهلا یه برابر	ابرولرون هم بیر گیجه لک آیه برابر
مژکانلرون صفلری یغمایه برابر	مهتاب جمالون ید بیضایه برابر

حسنون چمنی اولمیش عجب باغ گلستان

کاکل داغلوب سنبل و ریحانه دونوبدر	خال سیهون نقطه قرآنه دونوبدر
ای شوخ قدون سرو خرامانه دونوبدر	راهونده کوکل گورنجه ویرانه دونوبدر

مکانم اولوب قیس کیمی کوه و بیابان

هر ایلده اولور بر گیجه عید شب نوروز	بیر ایده منه گورسم اوزون هر گیجه گوندوز
سنسن گوزلم دهرده بر طالع فیروز	عشقون ایلیوب بر منم عاشق دلسوز

بو جانی سنکا ایلمشم ذوقیله قربان

و ایضاً

کنه بو بزمده اولدی دل هراسان بو گیجه	گوردی گورنسوده گوکل پرشه خوبان بو گیجه
اکلشوب بزمده گویوسف کنعان بو گیجه	بزمی رندش ایلیوب بر مه تابان بو گیجه

آلوبوز عشوه ایله جانمی جانان بو گیجه

شکر تقدیره اولنحالق بیهمتانون	که ویروب حسننه زیور بوگلرخسانون

علمنی بهشتون کله بیلمز بونه همتا | خلق ایلیوب بیله کوزل خاتو صبلا

کیم هارده کوروب جنت رضوان بیله غلمان

مجنون اولورایمه کوره هر کیمه جانلون | بی نطق اولوبلبل کوره کر نطق مقالون
زنادی پریشان ایلیوب طاق هلالون | کللر کوره کلشنده اکر عارض آلون

کلبن لرایجنده ایدر اوراقینی پنهان

آباد اوله دلیما ان کوردم ایماه منور | تبریزه صالوب سن کمی بیرماه منور
اینشوخ جهان سرور دان قاشی معنبر | کل دردمه بیرچاره قیل ایخورشید انور

یوخسه ایدرم عالمی کوکلم کمی ویران

رحم ایله منی صالمه یاماندر نظردن | لیلی کمی مجنون ایلیوب وماه وطندن
باشیم کده مین دفعه چکولیم کذرندن | دلسوز منیم یاندی بوجانیم شررندن

پروانه صفت اولدی محب شمعنکا سوزان

و منه

دلبرانشعله حسنون مه تابانه دوندوب | آتی اوزونده قره خال نقطه قرانه دونوب
کاکلون چین چین اولوب دسته ریحانه | قاشلرون تیغنی کورکج حکرم قانه دونوب

کیرکون خنجر الوب اوستمه خصمانه دونوب

کوزلرون صید ایلیوب عالمی راهو کبی | بیلرون اندی شکست قیمت شهد و شکری
ندیم کورمشم سن کمی نازک کری | کورمیوب چشم جهان سن کیمی بیر سیمبری

قامتون باغده بیر سرو خرامانه دونوب

فرقت ایچره غمون اولمش سن مسکینه معین | شاد اولمدن اولوب خلق جهان زار و غمین

بونازله کتمه قایدیمه بوسفردن | قورخوبدو کوزم دهرده هر تیر نظردن
کچدم سر راهونده یقین جان ایله سردن | رحم ایت من بیچاره یه یاندم بو شرردن

صالمه منی پروانه تک اود لاره یواش کیت

یوخ هجر نکاتابم منم ای آفت دوران | کل کتمه کله قویما منی عاجز و حیران
عشق آتشنه یاندرب اتمه منی سوزان | کوکلیم ایوینی ایلمه هر لحظه ده ویران

رخصت ویرور دم آه شرر باره یواش کیت

بو جلوه سرو قد له ایلمه رفتار | صالمه منی آتشلره ای کوزلری خمار
کل یانمه بیر لحظه ایدیم دردیمی اظهار | قیلمه بنی هجرون ستمی دهرده ناچار

بو مشکل اولان دردمه قیل چاره یواش کیت

ایتمه منی سرکشته نی مجنون کیمی رسوا | قویمه منه منزل اوله بو وادی صحرا
پرباخ غمله کوکلم ایوین ایلمه یغما | دلسوزه نظر قیل سن ایا غنچه ترسا

صنعانکمی صالمه منی زناره یواش کیت

در شکایت اصناف

ایغزیان بیرجان دردایچره زار و مضطرم | یانمشم بو چرخ الندن سر به کف خاکسترم
کرچه خاکستر اولوب جسمیم ولی برا اکرم | کورت ویرن دوران الندن هر زمان داد ایلرم

عارفا دوت بیر قولاقون کوره نه سوزلر سویلرم

کورمدیم من بو جهانده بیر حقیقی آشنا | هر نه کوردم قلب کوردم اکر کوزدم بیحیا
چرخ کجرفتار نسبت جمله بسی ایلر جفا | بار سویلرمن سنون اوز قرداشندن بهتر ظلم

اول یالاندوزلرتماماخوش در دجالیه | الفت ایتمیون سیز دخی البتّه هم دلّال ایله
هیچ مسلمان آشنالق ایتمیون نقّال ایله | عطّاری باتماله آلوصاتر مثقال ایله

پیردرم هم اوچ چارک کاغذ نذر ایلیرم

باشینه بندوات مسکرساعدوز حکّاکدر | صنف ارباسنده توتونچی هامیندنایاکدر
هیریزی ندیم ایدن هم مطرب ودلّاک در | حلفاوحلّاج لر هرباره دن بیپاکدر

ایسترم یازم بونی من هر دیاره کوندرم

جمله ارباب طرب لر طمعدر چوق یلاق | چینوادروشلر دن خورکمیدر نبک وعراق
یوخ آغاج جیلر ده ایمان باغبانلرده غول لاق | هرنجه یورغه آت ادلسه نعلبند الرجوق لاق

نقّاشوندرا دعاسی تاری تک صورتکرم

جمله شاعرلردن قبرینی حق نار ایلسون | نطق یوخ دلده قفل کریجوبن اظهار ایلسون
نه دیم آیینه سازوحره زنی عار ایلسون | حق جوبقچی صحافی دهرارا خوار ایلسون

دا تمامن بیله وقتی بومقامی کوزلرم

هرنه جرتا بیله شعرباف دیم افسانه در | اهل طلّابه بیلون خیرات ایوز ورخانه در
هرنه بکی یله کش ورییری قهوه خانه در | حیف یاران قوردادی چی شهرده بیر دانه در

من آنی بوجمله اصنافدن چوخ ایسترم

فعله بنّا بینه جیلرجرجیلر اهل دهات | هامی بیغل وطهارت جمله یحمیس وزکوة
ینلفروخرده فروشلرتحمه فروشلر لبی نبات | بهله دوزه وقمه سازدسماره بوخیدر نجات

فخراید رلرهر بیری من امّت پیغمبرم

دولکر وخراطلر بونلیسو بذر هیچ بیر | قالمسون تبریزده یاران بیرنفرکچ بزه دری

رحم قیل دلسوزم ایمولاغلام قنبرم

ولہ ایضًا

ایعزیزان فارشوب حالی بوتجّارلردن | اولماسون کمسه مثالی بوتجّارلردن
شوکتی بختی دلوب عالی بوتجّارلردن | بوریوب شهری عجب قالی بوتجّارلردن

آچرم بیله کلور فالی بوتجّارلردن

یوخدو هیچ پرده هامی عالم اراصبحجله شام | بونلردن نقللرندن دای یوخ اوزکه کلام
هیچ بری ایلمدی تبکه حلالیله حرام | اشلری فسق وفجوراولدی جای حجره مدام

دوندی آخر بیله اقبالی بوتجّارلردن

ازلندن کوتوروب هربیر بیراوزکه لباس | هرکونه چای بیچوب کیدیله تیر جوره بیاس
نعمت حقّه ولی ایتمدیلر حمد وسپاس | بیلمدیلرقالاجاق یوده کنه کهنه پلاس

بیله جرّاح اوله حق مالی بوتجّارلردن

کعکوررسن که الوب یکرله تسبیح الله | عارایدر حاجی کوروزادی کتورسون دیلنه
الّتی بازخانه دوتوب کوندروبر عالمینه | کعکوررسن باریوب شال رضائی بلنه

که کرو درکوررسن شالی بوتجّارلردن

آدینی حاجی قویوب جمله لرایلربوقدر | خلق اشیتسون که دکوب جاجیدن شاه ضرر
اژدهاتک هامینی باینی کامینه چکه | یاسید حمزه ده یا مجتهد ایونده کیچر

هفته ورزدمه وسالی بوتجّارلردن

چون کلوتبریزه دیلمانی ویابیرتنکلک | بیرتجّارهایه بیلی وتمرکتورر الکلک
تولیوب خلقی الوربیرداوچ اوزفرده اکک | درسکته قویوب آدین آشوررمالی کوتک

کوشمه سیله بتوبدر بمیو لمر داخی عنـم | وارث ملک کیومرث شهنشاه عجم
حکم ایدوب کهنه حسابه چکلر جمله قلم | دیون اوضاع علارین ایلمیو لزبرهم

سنماسون داخی بر وبالی بوتجارلردن

دلسوزا بوسوزه کل دیرمه کلن بر طول | شاه اشیه دیرچکدر سنکا البته نیول
التماسم بودر کل لطفله سن ایله قبول | بیر به بیرآدینی ذکر ایلیه مِن اتمه ملول

دراجیده بخه دجالی بوتجارلردن

ول ایضاً

ایشدون عرضمی بودمده بزای بیر جوان | بیر لعتمون سیزه هجوین ایلیم تا که بیان
اولامعلوم بوکون عالم ارا پیر وجوان | وعده ایتدی من بیچاره یه بیر جبر جهان

دیره یوز عهدیله بودهر ده بیر نغیه دان

چکدی بیز ییل بولوندادغلمنه ویرد فرزندی | کوندا دون یول دید صباح صباح اولدی بیر ایلدی
ایل یا نشسی کوردی منی بسیدی یا بزم دیدیل | من دیدیم جوق ایره لوکلمه بیر آزیانه چکار

دیره وکفاره سنون کورسه یوزدن بیر وجوان

بیردین یوق بولونده بنه اقرار ایلیدن | نوکدا ور عهد آخر دونوب انکار ایلیدن
دیرمدون کرچه وزن عالم اراخار ایلیدن | حیفنه کبلیه محمد حسنی خارا ایلدن

نه قدر چکدیمی خجالت ادکیشی فاش و نهان

ایمدی کیم دیر محسن یابی کیدوب اوزکه یره | سولمه دیر میشم ودادر ماکلن بو جکره
اولسایدوداکرقونشی من در بدره | بیل چکردیم هاموکوچ کلغتوسی کیر خره

قورخارام بوسوزه مایوس وله کبله اقاجان

درلوند

ایلوندایله بیرحیا وحجاب | ایلمه اوزا دزون بوقدرخراب
کیم ایچوب مدرسه اچنده شراب | کیجه تا صبحه تک سیکوب طلاب
ایلدون کرچه وردده کلّی ثواب | هانسی بیر درس اورده کونده ده

مست اولوب دیرمدون کوتون باده

تبریزا دلسون کورورم خراب آخر | سن کمی حیزلر اولوب شاعر
اولمه بیر پاره جاکشه فاخر | بی یوخون تاروا سن اول شاکر
بوا ولوب کون تک عالمه ظاهر | هانسی بیر درس اورداکونداده

مست اولوب دیرمدون کوتون باده

بخشون وار دوالده فرمانی | سن سن عالمده خودکش ثانی
شهرتون دوتدی جمله دنیانی | نکه تبریز ایله دطهرانی

هانسی بیر درس اورداکونداده

مست اولوب دیرمدن کوتون باده

قتلمه یازمه کونده بیر فرمان | سیکمشم سن کیمی بش اوزبین جان
هاموسی سن کیمی اولوبدر خان | موتلی آلوبدر جمله اهل جهان
هرکجه بیر بره کدوب مهمان | هانسی بیر درس اورداکونداده

مست اولوب دیرمدون کوتون باده

ندودلسوزیله بوخنک وجدل | هانسی حیز ایلیوبدر بیله عمل
چوقدوکرصاحب سرین وکفل | سنه دیرمکدو بیل نزوز ازل
یوقدو شروان واصفهانده بدل | هانسی بیر درس اورده کونداده

ایملاک منظر فراقوندن ال دمیش دردناک | محنت هجرون من بیچاره نی ایلر هلاک
قیل ترحم اولمیشم بیر بیچاره غمدن سینه چاک | نقد جان قویمیش کوکل ایتیز غموینن اشتراک

استخوانمدن چیقر هر دم نوای لحن راک

بسدر ایچوز بیز رحم ایت چیقدی بو جانم بنیم | کوزلرون الدن آلوبدر دین وایمانم بنیم
پیر جه انصاف ایت اوزون بیرایله دیوانم بنیم | خنجرون چاک توک یره هر دمده بو قانم بنیم

یوقدر بیر کیمسه آلاقان ایلمه بیر ذره باک

زنگانلق سنسیز ایدر بر منه اولمش حرام | سندن اوتری تنده روحم اضطیم دوتمز مقام
شرح هجرانم اگر عرض ایلیم اولمز تمام | اوده توبدر جسم جانم چون سمندر صبح شام

بسکه چکدیم فرقت ایچره دلدن آه دردناک

ای طبیا دردالمدن یاندی جانم الامان | عالم ایچره الف قدیم غصه دن اولمیش کمان
بیر ایشین قیلماده بو دمده پادشاه جهان | ایسترم تحریر ایدیم دردیلیم ای نوجوان

دیده سوزن یا تسبیه قیلار سن یازدقم افراد پاک

زار دلسوزم جهانده ایتمین حیران منی | طعنه اغیار قلمش الف ایکن چوکان منی
اتش طعن ایلیوبدر کوز رنجه سوزان منی | بسدر اغیار ایله کزمه ایتمه سرگردان منی

ظلم ایلیه بیمروت یاشمه کل توکمه خاک

و له ایضا

ایکو کل اول رفیقی امتحان ایتمک گرک | امتحاندن چیقه گر قربان جان ایتمک گرک
بو سوزی شام وسحر ورد زبان ایتمک گرک | الده بو نقلی همیشه امتحان ایتمک گرک
نامیه بو قصه نی بیر بیر بیان ایتمک گرک | دلده دایم بو معانی نی روان ایتمک گرک

آتانی قولتق چیپونده پر قران ایتمک گرک

چون شریکلر قویدیلر بالقوزده کاندا بندلیقنی | اشنالر دیدیلر قورخمه قوبیروک بول سینی
بیری تعوید ایلیوب بیر سینی آتدی کیسه لینی | حلقه خاطر جمع اولوب ار دوق بیله بیر دانی
باشلادق بو رحیله لره والدارباب دغمه لینی | آخری زندانه صالدی بنده نی بیرار منینی

بیله دردی خلقه دایم عیان ایتمک گرک

قیل پر باده دیر سن بیلماده قیل ثواب | دوست الیمی ایلدی خمارلق حالم خراب
آلدی بو سودا منینی بالله اولوب بغرم کباب | خلق عالم اولسولر اوزیا لمرنده خود جباب
خالق عالم بیلور اولمز اراده بیر جواب | مختصر قالموب فیتنا موفقلر ده تاب

جان نثار مرشد پیر مغان ایتمک گرک

دلسوزاوار در حیله یانک شاه مردانون سنون | غم بیه دایم تیر ایر باده سلطانون سنون
هر ایکی دنیا اوویرسون درده درمانون سنون | ایستسن کر راحت اولسون هر ایجانون سنون
الده قالسون ابرو و دین و ایمانون سنون | ایله سون شیر خدا ضنلیده دیوانون سنون

مختصر صحرای مجنون تک مکان ایتمک گرک

ملح مولا

ای اولان اصل باعث ایجاد | ذرّاتولده عالمه استاد
جمله اسرار وحی و پیغامه | جبرئیلی سن ایلدون ارشاد
نور ایمان و تیلی خالق سن | زوج زهرا سن احمده داماد
انبیالر دیر له و نفسی | حشرده تاسن ایلین امداد
جان سلمانی دشت ارژنده | شیر الندن سن ایلدون آزاد

بهاریه

[illegible]

سنه بیان کتورسه عالمده | اولو تعلیله کل جماد و نبات
ایل بایل هر بهار سندن آلور | سبز خلعت صنوبر و شمشاد
کل رویون هواسی ایله جکر | بلبل و قمری ناله و فریاد
ساقی پر باده ویرمن زاره | بته بلکه تمامه بو افراد
غم دنیا یمز بو دنیاده | اولسه هر کیمسه قائل میعاد
دیمرم زاهده بو زهد ندر | نیلسون هبوا اولوب معتاد
حشر اولنجه ریادن ال چکمز | تا پوب اوبخیشی راه داد و ستاد
یتدی عمردن تمامه بدلسوز | کاه می ایستدون کهی منغراد

مدح مولادر روز محشرده
بته بیت آل اولادر حصل مراد

محنت سندن زار و مضطر اولمشلم یا نحری | قیل ترحم درد پنهانم جهانه قلمه فاش
سو میا یدم من ازلدن سن کبی بیرحمی کاش | آغلرم بسکه غمکدن قالمیوب دیده‌ده یاش
دیرم ایدلبر ریونده من سنون مردانه باش
قیس تک لیلی سوبی جان و سر دن کیجمشم | بیل دلیل اولدم رهونده جان و سر دن کیجمشم
سندن اوتری بکل اولو سیم و زردن کیجمشم | لعط و گفتار لنکور و ب لعل و گهردن
کیمرم سنیز حرام اولسون منه رخت قماش
مهوا ولوب صفونده دل ای شوخ شنک سنه جبین | حسنوه کوکده ملایکلر دیرلر آفرین
یوسف مصرکله ایندسنه اولمز قرین | بیله خط و بیله خال و بیله رخ نقاش چین
چکمیوب تصویره هرگز بیله ابرو بیله قاش

[illegible]

اچلش

[illegible]

آچلش سوسن و سوری و نسرین صحن گلشنده | نه بلکه صنع حق بین رنک کلده آشکار اولمش
چکوبدر لاله و گلک نقشنی نقاش صنع حق | نجه کو صفحه کلزاره نقش و نکار اولمش
دوشوبدر ژاله برک لاله او زره بهشتل مرواریدر | که هر بر قطره سی کویا که در شاهوار اولمش
دوباره باغه کلمک دن بنفشه شرم ایدر کویکیم | نکار بیوفا عاشق یوزندن شرمسار اولمش
کل خیری و نیلوفر ویرمدر کلشنه زیور | زبان حال اضمیر شکر کوی کردکار اولمش
تماشا ایلدکجه اولمشم من واله و حیران | تحیردن تفکردن کوکلر اختیار اولمش
بو نه جشن هما یوندر بو نه عیش مبارکدر | نه وار در شاد و خرم مرد و زن خرد و کبار اولمش
قویوب باش غم دزداوسته جوخ اولدم فکر ده تنجید | کلوب بیر خرد نا که دیدکه ای لفکار اولمش
نه وار بیر بیله مبهوت و ملول و مات و حیران سن | اشون آه و فغان عالمده چشمون اشکبار اولمش
مکر بیلمز سن ابغا فدر بو کون او لکوندر که حق | جلالیه سریر سلطنتده برقرار اولمش
بو کون او لکوندر کیم ذات عالم شاه و صفدر | بو کون او لکوندر کیم دنیا دیدعت تاروما اولمش
بو کونده عاصیان حق حیدر رهبر اولوب حیی | کو جوب دلبر جهاندن عازم دار البوار اولمش
محب اولمز بو کون مایوس و غمکین سنکده تیح | تمام منکر مولا بو کونده خوار و زار اولمش
بساط عیشه مشغول اول غم دنیا ایله کیتسون | بو دنیا از لیدن عاشقه بی اعتبار اولمش
کو لر کلشنده کل بیلداورجه نه وجد ایله | کورنده بو بساط بزم عیشی خار خار اولمش
بحمد الله و المنه بو کونده روز ازلدن | محب و منکر ینه مهر مولا نور و نار اولمش
یار او زره ضرب شصت ذو الفقار ندن بو مولا نون | بنای امر حق دین محمد استوار اولمش
ایدن اصنامی درهم کفر بر هم دینی مستحکم | یدیته قدرت الله ضرب شصت ذو الفقار
بوصاب ذو الفقار و نورپاکندن بیرده کو کلر | ایله رقتن بیله محکم بو نوع پایدار اولمش

[illegible]

الحقیر

پیله فرمایش ایتدی پیغمبر / یا علی سنده در نجات دو پاک
سنیله ساکن اولدی هفت زمین / سنیله دوراید ربو هفت افلاک
سندن امداد اولوندی یونسه تا / پرورش ویردی بحر ایچنده سماک
اسم پاکون بوزرایدی چونکه / اودونا پاکی خاک ایله پاک
آدمه سجده ایتمدی ابلیس / پیلمدی پیله پاک ایدندر خاک
منکره ظاهرا ایدر لعنت / لیکن اونلر محب هر ناپاک
ایشدیلر فضائلون هر گز / گرایشدیسه یقین اولور غمناک
سندن اوزکه خلیفه نی نیلر / اولسه منکرده ذره ادراک
سویلرم کونده بیر فضائلونکی / دشمنون قلبنی ایلرم صد چاک
دیرم تا نقدر جانم وار / دمبدم من علی علی بی باک
اتمرم ذره خوف دشمندن / شیر نرتولکیدن نه ایلر باک
ذوالفقارن شراره سندن عدو / یا ناحق جمله چون خس و خاشاک
اولندن محبتون اولمش / دوسته شهد و دشمنه تریاک
ساقیا دور ایاغه باده گتور / چاره ایلرمنه نتیجه تاک
مطربا تار چال سنی تایی / باشله لحن حجاز نغمه راک
دیمه زاهد که شکیات ندر / دیرم لعن حق بر شکاک
چون نماز حقیقی مولادر / آنده شک ایلمز مگر شکاک
شک سهو ایلمز نماز زنده / بیمسه مرد شبهه لو خوراک
نه سنون تک چلو پلو بیرم / نه غرور یله ایلرم مسواک

انبیالرسنکا ثنا خواندر / پادشهلر قاپونده جمله غلام
سنده مجموع خلق حیراندر / جمله اولمش بوورطه ده گمنام
الله الله نه شاندر نه جلال / بونه شوکت نه رتبه و نه مقام
سنی انکار ایدن اولور کافر / نه حلال آنلیوب اوکس نه حرام
سنی اصل نماز ایدوب خالق / ورنه بیجادو بو قعود و قیام
سن صلوة حقیقی سن لانک / پیله کیم مصطفی در اصل صیام
سنیله حج لر اولور مقبول / سنیله با علا نورها می احرام
غیری اولمز جهاد و خمس و زکوة / نه شریعت نه دین و نه اسلام
سن وصی سن پیمبره لافصل / متصل اون پر اولغلو ئیله تمام
احتیاج یوخ اوزکه فیاضه / حقدن قلبوه اولور الهام
جبرئیله سن ایلدون ارشاد / کندی حقدن پیمبره پیغام
شب معراجده که کوردی نبی / اولقطاری کلوب گچردی امام
اوسنون فضل وصف مدحودی / اولشهه خالق ایلدی اعلام
وصفوه پرکتابدر عالم / اونه اوراقدر بو صبحله شام
قاسم جنت و جهنم سن / مالک حشر نشر یوم قیام
جمله انبیالره امداد / ایتمسن هر زمان و هر ایام
بس اوکون کربلاده واردیدن / قوردی شاه شهید وجولده حسام
آلدی اطرافنی کروه دغا / ویردی نه انیس نه اقوام
اتدیلر پاره پاره پیکرنی / قاسم نوجوانون اهل ظلام

هر مشكلی سن حل ایلین سن ایكی دنیاده شافع
هر غم یته كر شیعوه سنسن اونی دافع

سن شاهره تاج ورب تاجن آلورتین
شمشیرلرین سن ایده سن دشمنه قاطع

آدم با خوب اوز صلبنه تا نوردی كوردی
تیراغه ده شوب اولدسنه خاشع خاضع

اسمون دیدی ابراهیم نار اولدی گلستان
یونس شكم ماهیده اتدی سنی شافع

سن یوسفه زندان بلاده مدد اتدون
قورتاردی بلادن اونه اوج اولدی طالع

سندن مدد خضر قالوب زنده بیننده
عیسی نون اولوب مسكنی اولكنبد رابع

سن طورده موسی نه مناجاته چاقوردون
سن لطفله اتدون ید بیضاسنی لامع

سن جمله پیمبرلره امداد ایلیوبسن
غفلتله شها دنده اولوب عالمه شایع واقع

انوار رخون عكسی دوبوا یله كونده
باعث وده تا ثیری ولوب عالمه

ذرات جهان جمله سی وصفون ایده دایم
عارف اوده جویا اولوبن اولمیه قانع

هر كیمسه قلبنده اكوب تخمی مهرون
توشه كوتوروب آخرته پراوده زارع

هر كس ویره جان نقدین آله ذره مهرن
چوق نفعلو سودا ایلیوب بونق بایع

سلم اوبخه نفسندو پاشاه ولایت
مدّاحوه آزار ایده پاكیم اولا تابع

ای اجر دكار حشرده هر چند اوله كافر
هر شیعوه دنیاده ایده محض ثواب صنع

اوچ كس ولد الحیض زنا زاده ده مفعول
سوفر سنی هر شئی اولور اصلنه راجع

عاقل اوده بغض ایتمیه مدحون ایشدنده
بیچون وچرا شاد اوله یا ساكت وسامع

بالله كیده جك دوزخه عقبا كونی منكر
دنیاده اگر مین ییل اوله ساجد وراكع

منكر ویره كر شهد اله شكر ضرر اولیه
بیچاره مجبون ویره كر زهر اولور نافع

لعنت اوله اولقومه كه غصب ایتدیله حقون
فكر ایتدیله بلكه ایده لر نسلوی ضایع

كور

كور اولسون او شیعه كه سنون تربت پاكون
تحصیل ایلیوب صد قیله كحل البصر ایتمز

ذره نظروندن نجه غایب اولور حاشا
انكار ایدر انی عارف صاحب نظر ایتمز

هر چند قنبر سن بن ای پاشاه ولایت
درگاهنكی جاروب نجه بوالبشر ایتمز

ظلماته كیدوب آب حیاتی تاپا بیلمز
تا خضر سنی تاكه تاپوب راهبر ایتمز

كافر دوسنی بیلمیه هر كیمسه یداللّه
ال اولمیه الله الی شق القمر ایتمز

خالق بویورو بدر ربونه اقرار ولایت
هر تخم زنا زاده وهر بدگهر ایتمز

تفسیر ایدر منكره مین آیه قرآن
چون لا دیوب اولنك دله كار اثر ایتمز

كورلردن اگر پرده عیبی كوتورسه
انكار نكی عالمده سنون بیر نفر ایتمز

نه جرأتله منكر ایدر فضلنكی انكار
یوقسه دم تیغ دو دمندن حذر ایتمز

خندق كونی اول ضربتی كیم عمره اوردون
بیرایله عبادت ایتمز موذن وبشر ایتمز

محشرده اگر اولمیه سندن بیزه امداد
بر كیمسنه واللهی بهشته كذر ایتمز

نار ایچره سنون اسمونكی ذكر ایلیه هر كیم
تاثیر اوده شعله نار سقر ایتمز

هر مجرمون ارسندن النده اوله فرمان
دوزخدن اوبیر ذره جه خوف وخطر ایتمز

ارشاد المیجه اوزی تا مرشد كامل
شاگردینی پرداز ایلیوب جلوه گر ایتمز

جبرئیل امینه مددون اتمیه ثابت
حشره كمی ارحامده نقش صور ایتمز

حكمون ملك الموته اگر ایتمیه پران
كوكدن یره جان المغه كز كذر ایتمز

هر كیمسه سنون اوله اگر حقوه عارف
شمر اوله او آزار شبیر وشبر ایتمز

منع ایتمه منی عشقدن ای ناصح نادان
عشق اهلنه بیهوده نصیحت ثمر ایتمز

طاها اولا بیر كیمسنون شاننه نازل
انصاف ایله او حكم قضا وقدر ایتمز

ای منی خلق ایلین خالق اوزون اندده قتدر — قالمشم واله که بو دنیا ندر عقبا ندر
کوبنده یوز بول کافر اولام یوز یول ایمان ایسترم — بیلمدم حکم کفر ایمان ندر بلا ندر
کاه بو فرعون نفس ایلر منی سندن منکر — بیلمم فرعون کیمدر حضرت موسیٰ ندر
طور سیناده مناجات ایلمک خلاقیله — که عصانی اژدرا ایتمک که ید بیضا ندر
کاه نفسه عقد اولور عابد یکای نفس شوم — موسنجه کار سرکشلوق ایتمه خواهش بیجا ندر
هر طرفه بصفا ایله سنده زهد سیدین تک — هر سیله هر کونده ناحق ویردکون فتوا ندر
هر کیجه بو فکرله یاتدم دیدیم یا ذو الجلال — سن منه بیلدر کوروم صورت ندر معنا ندر
هاتف غیب اولرزما ویردی جواب انجه زد — هر سیله بیهوده فکر ظاهر و اخفا ندر
بیلمکس کیمدر بو اوضاعه سبب روز ازل — باعث ایجاد عالم آدم و حوا ندر
سر حق داماد پیغمبر امیر المؤمنین — کور مسن اول لعل عالی اعلی ندر
کور کیمه سمت میناتربتی خاک نجف — تربتی پاینده مکه و مینا ندر
نچه مین معجز اول مولادن اولوبدر — منکر انکار ایتمه سو بیله بغض اعدا ندر
استانه ده سلیمان وبخلا ایله دوردی — خادم اولدر کاهده مین خضر مین یحیا ندر
جمله عالم فوت اولور کر هر جه بول موتو دیه — کر دیه قومولو دورر مرده دیر عیسیٰ ندر
زور بازوسن دیسم شاهد در عالم سربسر — حسننی کر وصف ایدیم مین یوسف مصر ندر
در کهنده نچه مین حاتم دوردی ابلره سوال — ال آچانده بخشش دنیا و ما فیها ندر
یول تاپا نموب جمله عارفلر ولینون کوینه — شمس شیخ عطار و ملا بو علی سینا ندر
انبیا و اولیا مدحنده سرکردان اولوب — نازل اولمش شاننه قرآن ها حی طاها ندر
بلکه قرآن هامی انجیل و توریته زبور — بو سوزه آنادین پیدین درتا ماندر

قاسم نوکه خدانون بلیم عیشن عزا — ایتمیم یاکب عرشه چخنه آه وداد و یلا ندر
پاره پاره ایلیم عباس و عون و جعفری — باخمیم هر دو جوانه پیر یا برنا ندر
اوخلادام حلق علی اصغر بیکا نله — بیلمنم بو قدر کناهی با جرم ایدا ندر
دو غرادوب شمشیر ایله جسم علی اکبری — بیلمرم شبه پیمبر کیمیدی یا مولا ندر
او زمبارک باشنی لب تشنه کسدرزم یقین — مصطفی دن قورخمرم فکر ایتمرم زهرا ندر
اوداوردوب یاندرم آل مصطفی نون خیمه سین — کربلا آل علی پرده نه کسیر وا ندر
ایلیم خوار و اسیر اوزار اطفالون کرک — سا خلیم ویرانه ده شیرب ندر بطحا ندر
دلسوزا قیل مختصر بو قصه دلسوزی سن — مجزیله عرض ایت خدایا بو غم عظمی ندر
لعنت ایله سن یزیده حشر اولنجه دمبدم — ظلم ایجاد ایتدی ملعون بیلمدی فردا ندر

سینه زن

علی باغ پر آنام لیلایه بسن سیز — وه شو بد رقیس تک صحرا یه بسن سیز
کل ابر خساری کل زلفی معنبر — بو بوین قربانی اولسون یا جوان اکبر
بلالو باشم آخرای برادر — وه شو بدر کور نچه سودا یه بسن سیز
بنکا زندان اولوبدر باغ و کلشن — کوزنده خار در نسرین و سوسن
فنا دنیاده هر کام آلمدون سن — کله لعنت سیله دنیا یه بسن سیز
کز ریسن اکر باغ جنانده ا — قالوب تیر فراقون زخمی جانده ا
کوزدم کور اولسون ار قرداش جهانده — نظر ایتیم اکر من آیه بسن سیز
شهید ایتدی بابامی شمر سیدن — اسیر ایتدی بزی بو لشکر کین
قالوب دشمن الینده آل یسن — یا جان یوخ عترت طاها یه بسن سیز

جهان اهل جهانون جانی سن سن | تماشا دردلر درمانی سن سن
خلیل ثانینون قربانی سن سن | نجه دونمز بو بر میناییه سنسز
علی سندن صوره بر لاله تمیز | گلستانه ویا بر کیمیه کتمز
نچون باغ گلستان ایچره اولمز | باغا هرکس گلر حمرایه سنسز
جهانده عیش وغم مخلوقه خوشدر | که رزقی رزقدن مرزوقه خوشدر
ولی نه عاشقه معشوقه خوشدر | نه بر گل بلبل شیدایه سنسز
صالوب افغانی آفاقه شراره | آنگا لطفیله قیدرسن بر نظاره
حرام اولسون گورم دلسوز زاره | نکه گر جنت الماوایه سنسز

قصیده

ایدل نه یاتمسون گوزدن آچ بر جهانه باغ | سطح زمینی بر ایلیوب آسمانه باغ
سندر طلسم جسم بو شغلده دوره ماچوق | چوقده مقید اولمغه جسم جهانه باغ
شغلده منزل ایتمه سن جلوه نقاسن | ای شاهباز قدس ایله اوج آشیانه
صال باده بر کیدیلری یا بر گلونلری | هرکس گلور گرک کیده بر کاروانه باغ
عقلی اونوتمه نغمه اسیر دله حقی گور | تا حقه ویر تمیز بو سود و زیانه باغ
باخمه بو خلقه باغ اوزنگا حقی گور مدام | نه آن گورنه این نه اینده نه آنه باغ
ویر بر چه گوش هوشنگی اسرار حق آچ | آچ بر گوز و لیک گوز ایله بو راز نهانه باغ
بیل باغلمه بو دهره فنا در بقاسی یوق | موت وحیات قصه بهار و خزانه باغ
شاه و گدا ایه ویرمز امان گلسه گر امد | عبرت گوز ایله بر چه ملوک کیانه باغ
آیا نه اولدی سویله سلاطین ما سلف | سلجوقیان سنجر و پیشدادیانه باغ

اولدم

اولدم باغ خوب باذره مولا بو یوردیگی | گر اسم اعظم استیسن بو کشان بر کتابه باغ
شاهد دو ضربت یدالله جبرئیل | ایدرده شهبرنده قالوبدر شانه باغ
موسی الندە اژدر اولوردی عصا اگر | اژدر اولان بو الده یتر و کمانه باغ
گورکیم دوزوب یگرمی ایکی ییل جور دشمنه | شیر خدا ده صبر ایله تاب و توانه باغ
اولقوت او قدرت اوصوا اوددو لب القضا | بو ذلت و مصیبت و جور و عنایه باغ
اوصافی وصفه گلمز او مولانون ایکی کلر | دیر بر چه گوش هوش بونو داستانه باغ
دوشسه گنه خیالمه سلطان کربلا | من عرض ایدم سن اولسه لب تشنگانه باغ
گور بر نه ظلملر اولونوبدر اوسروره | قانه باتان وجودینه بر دجوانه باغ
آت چاپدیلر بدنلرینون اودسته ای شقیا | خرد خرد اولان بدنلره باغ انجوانه
ظلمیله جسمن ایتدیلر صد پاره اکبرون | آل قان ایرادکا گلر عنبر فشانه باغ
تیره نشانه ایلدیلر حلق اصغری | لب تشنه اولدی اصغر شیرین زبانه باغ
حیثیسی دودن غرایلر ونوکیدخدا لنی گور | طوبیده باغبانی خایرنیه الده قانه
عباس یک دلاور گور هر ایکی قولی | دوشمش بدندن اول قد سرو روانه باغ
یالقوز لیوب حسینی شهید ایتدی شمر جانی | صالدی قوم دسته یگرمی جسم جانه باغ
باشین ایدروب سنانه سنان تمیم شعاری | بر باشه باغ سنانه نظر قیل سنانه باغ
شمر لعین گتوردی اولشامه ارمغان | گور بریزید بی ادبی ارمغانه باغ
کهف آیه سین تلاوت ایدردی سنانده | سویلر دیدی اشقیا لب معجز بیانه باغ
اوردی یزید عدو تله چوب خیزران | دندانه باغ عدوته باغ خیزرانه باغ
باشی بدندن ایلدی کسدی ساربان | بو بر کار روانی گور اول ساربانه باغ

ولە ایضا

١٢٠

سنون بر ذره نوروندن کورندی طور سیناده | فراموش ایلدی موسی ید بیضانی یا مولا
همه مرده‌یی احیا ایدردی حضرت عیسی | کونوردیردن اعجاز لبون عیسانی یا مولا
آدن انکشترنده حک ولنمشدی کلر بیجا | سلیمانون بساط شوکتیله شانی یا مولا
اولار کیم دعوت حق ایلیوبلر بر روز ازلدن | پیمبر یا وصی یا عالم ربانی یا مولا
آلوبلر موسی سرمشق سندن هر طرف غایب | سنون منبوندن خدا ایلیوبدلر میزانی یا مولا
بین ایل عمرلیه نوحون وارید هشتاد اصحابی | آز عمرلیه کتوردون دینه چوق ارسلانی یا مولا
کهی نوریله که حلمیله کاهی ذوالفقاریله | بتوردون خلقه حکم قادر سبحانی یا مولا
واریدالده هر پیغمبرون بر معجزی اما | سن اولدون بو رسولن حمده برهانی یا مولا
سن اولدون احمده امداد ایدن عالمده ازلدن | اونون سنسن وصی و روح و نفس ثانی یا مولا
کچوب جانیله سر اوکیجه یاتدون فراشنده | نبی جنبنده اولدون اوزلکوندن فانی یا مولا
پیکه سن جنب جقده قانی سن چراغ ایلر | نماز اوسته ایاغوندن سر پیکانی یا مولا
خداوند جهان قلدی سوله عرش اعلادن | سنون شاننده نازل سوره طاهانی یا مولا
نجه جبریل کلمنجه دیوم بیلمزدی پیغمبر | که سندن اخذ ایدوب روح الامین قرآنی یا مولا
کوتوردی بر قدم بی اذن سنسز عرش فرشدن | ملایکلر سنون درگاهوندن دربانی یا مولا
نجه وردانتم هرآن هردم اسم پاکون | منم هر دردیمون سندن اولور درمانی یا مولا
بهشت و دوزخه بر کیمسه‌نی قویمزله یا مولا | الندن اولمسه سندن اگر فرمانی یا مولا
بو واضحدر که روز حشرده سن قسمت ایدرسن | بهشت و دوزخ و هم حور و غلمانی یا مولا
جهانده طوتمیاجق بر غضب ایتدی کافرلر | بو افلاکون دولانسون کردش دورانی یا مولا
خیال ایتدی منافقلر اوله پنهان بحمدالله | و توب وصفون سراسر عالم امکانی یا مولا

١٢١

ای مشکل‌کشا سندن صوره دنیا و هم عقبی | تیش فریاده قالدم عاجز و آواره یا مولا
ایدیمزلر یقین چاره بنکا لقمان و افلاطون | منم بو درده سن کل ادروزون قیلدی چاره
بنکا بو فانیده بر کیمسه دنیا و عقبیده | اولان ذبیر لطف ایلیه بان من بیچاره یا مولا
اوتوزاتلدر سنون صفونده ذیم ایلرم کوشش | که دل اولمیوبدر آشنا اسراره یا مولا
نه مدتدر کزردم وادی حیرتده سرکردان | کتابیمدی کیرمشم کویا سر بازاره یا مولا
کنه آرتوق دانشدم فخر ایتدم چوق خطا قیلدم | فنا کر اولمسه عاشق تیشمز یاره یا مولا
اگر لطفون سنون یار اولمسه والله مشکلدر | بو عطا نعمتی ویرمزله هر اغیاره یا مولا
یوز اوسته یوز مین ایل دایم سورسم کوبوسیم | مشکلدر کیمسه محبوب دالله دیواره یا مولا
صالوبدر بو بیمه قلاده دنیاده آتش ده | بو نفس شوم الندن کلمشم من زاره یا مولا
دکل کر دو شعرم تکجه هرچند آبدار اولمز | ولی هر کس دکل نجه حمد ایدر ستاره یا مولا
جهان اهل جهان کر ایتسلر بو صفوی کلمز | بش اوزمین ذره دن بر ذره‌سی اظهاره
سنون صفونده عاملر قالوب مبهوت سرکردان | نجه دریاده لال تیمز در شهواره یا مولا
ولکن بیلمزم آیا سنون بو آمدون عالمده | نه چوق تسکین ویر بو سنکدل کفاره یا مولا
یا نار منکرلرون محشر کونی دوزخده هیزم | اوله صد شکر من میدان تمدیحم نکاره یا مولا
اولنجه حکمزم ال من سنون وصفوندن عالمده | اگر منصور تک منده چکلسم داره یا مولا
مکر ربیر سوزی هر کیم کتورسه لغوه در اما | نه شیر شیدر سنون آدون کله تکراره یا مولا
سنون امریله دورایلر بو چرخ نیلکون عزره | مه و مهر و بروج و ثابت و سیاره یا مولا
اگر پرآن تنجاوز ایتیه لر لمزندن عالمده | صالوردی سن خنه بالله کنبد دواره یا مولا
غدیر خمده شاهدر عالم آیه تبلیغ | سنون شاننده کلدی احمد مختاره یا مولا

و له ایضا

دو شمشم بحر خیاله بو قدر آرام بنم بیقرار و صبر ویرمن بیقراره یا علی
لطفله بر ذره جه عشق التفات ایت بنکا قیسی صالدی عشق لیلی کوهساره یا علی
کرچه بو قدر قابلیت من هارا کیون هارا کیچدی هر عاشق وزندن بیدی پاره یا علی
کل منی قاو ما قپوندن ایت لکه قبول ایله آند ویرم من سنی هشت و چهاره یا علی
آزلندن رسمدر بو پادشهلر دهر ارا کتمیوبدر هیچ برا ایت سیز شکاره یا علی
رحمة للعالمین سن سن سخاوت کانی سن التفات ایت لطفیله من شرمساره یا علی
هر ایکی دنیاده باتمدر دیمون درد مانندر لطفه ایتن منه کر بر اشاره یا علی
عرصه محشرده جمله شاد اولور دشمنلرن یا نه شیون کر جهنم ایچره باره یا علی
جود وندلون عالمه کون تک نمایاندر سنون معجزاتون دهر ارا کلمز شماره یا علی
کر ولایت اولمسه هر کسده کافردر یقین آشکارادر بو سوز خرد و کباره یا علی
عمریمی صرف ایلیم مدحونده کر شام و سحر یا کدم هر کونده من بوزنه کذاره یا علی
مشرق و مغربده هر پروردکاردن یوز قویوب کتسم اکر من هر دیاره یا علی
ذره جه دشمنلرندن باک و پروا ایتمزم حکمیله منصور تک کر پای داره یا علی
هر نجه اولسه بو دنیا نیک و بد کویا کیچر ایله عقباده منه لطفیله چاره یا علی
سایه کیچمش کبی هم سایه یوخ حسابی ده چرخده کلمز نجه سایه ستاره یا علی
روز ازلدن ده یوخ منده بر اعمال خیر لایق اولسون درکه پروردکاره یا علی
یوق شریعتدن اثر لکن شریعت اهلیم کافره فخر ایلرم بو افتخاره یا علی
کر مشیم ادنیا بکیسر کافر مرتد در حینه هر کیمسه شریعتدن کناره یا علی
فاعد مختارم تا منده حیو قدر اختیار من معطل قالمشم بو اختیاره یا علی

حقیقتکی حق ایلیوبدر هامیه واجب ازل ایلری منکر عداوت یا امیر المؤمنین
ختم پیغمبر بیورمش بو سوزی بو قدر سنون مدح و وصفونده نهایت یا امیر المؤمنین
دوستون یانمز جهنم ایچره هر عصیان ایله حق اوزی ویرمش بشارت یا امیر المؤمنین
بیر اوسته ختم پیغمبر بیوردی سنده در هم نجات و هم هلاکت یا امیر المؤمنین
آشکارادر سنون مهرونده در راه نجات وار دو بغضونده ضلالت یا امیر المؤمنین
حکمونیله حکم ایدیبدر جمله پیغمبران اولمیوب سن غیر رسالت یا امیر المؤمنین
چون کتاب الله ناطق سن ایدر دو در فلاق هر آیه سنسن هدایت یا امیر المؤمنین
جنبیله طاغوته لعنت ایلیون خالق مدام ایدیلر غصب خلافت یا امیر المؤمنین
اولردن انکار ایدر انکار ایلمک خلق ایچنده وله عادت یا امیر المؤمنین
آشکارادر هامی دانسته و فهمیده در جمله ایلرلی حبت یا امیر المؤمنین
قلبدن سوزر سنی دشمن تو انکار ایدر اولسه هر کسده خباثت یا امیر المؤمنین
عقدن خوف ایتمیوب حقدن سنون نهی دهر دندیلر اهل شقاوت یا امیر المؤمنین
قویدی پیغمبر سنی روز غدیر خم ده امتی ایچره امانت یا امیر المؤمنین
ظلمله بو امتی ملعونی قلدیلر او شبهه سن ایلن سنده خیانت یا امیر المؤمنین
سندن اوتری مکه ده قوم سقیفه یازدیلر مکر ایله جمله کتابت یا امیر المؤمنین
هر کس عقد و هوشیله فکر ایتسه بو ابیاتده وار بو لارده چوق علامت یا امیر المؤمنین
هر زبان من ایسترم مدحون یازم هر دفتره بوز ویرر در فکر که حالت یا امیر المؤمنین
خالق عالم سیلور کیم بوندار توقی وزیر زر اولسه هر کیمده صداقت یا امیر المؤمنین
قیس تک مجنون ایدب عشقون منی خلق ایمسون عشقدن هرکز ملامت یا امیر المؤمنین

تا نفس باقی دورر صفونده صرف ایلیم مدحده ویلمز قناعت یا امیر المومنین
ذره جه نفع ایلمز روز قیامت منکره ایله بین ال عبادت یا امیر المومنین
بشک و شبهه ایکی دنیاده سنسن همه معدن کان کرامت یا امیر المومنین
چون آدودن مشکل کشا درکیم اولور رونق‌ده جمله مشکل حل حاجت یا امیر المومنین
بو خدو بو قلبمده حسرت اول مبارک الیسم پرده زیارت یا امیر المومنین
چون الوم بو شدریوزم قاره سنون اوصافنکی اتمشم الده بضاعت یا امیر المومنین
سن شفیع مذنبین سن روز محشر لطفله ایله دلسوزه شفاعت یا امیر المومنین

ومنه ایضا

یتشدی عمر باشه بو فنا دنیاده یا مولا الوم بو شدریوزم قاره نیدم محشرده یا مولا
سراسر غرق عصیانم ازلکوندن جهان ایچره صالبدر بو نیما نفس قوی قلاده یا مولا
ترحم قیل سن زاره که قالدم سیله آواره بو حمد کیمسنم تیون بو کون امداده یا مولا
کرم قیل جان ویرن وقته که منده اولمز اختیار یقین رحم ایتمز عزرائیل من ناشاده یا مولا
اودم ابر التفات ایله من زار کنهکاره سنی ویرم قسیم من سید سجاده یا مولا
اوکون کیم یار و یولداشم منی تنها قوره قبره امیدم یوخ منم آنده دخی بیر زاده یا مولا
یقینمدر که نکرنیون سؤالنده دلم دوتمز کرم قیل قرا ایونده سن تشیش فریاده یا مولا
سن امداد ایتمه سن برزخده یا حول قیامتکده کولر دشمنلردن من زاره دل صحراده یا مولا
امام انس جن و وحش و طیر و بحر و بر سن سن بالقلار دایدرلر اذو نکی دریاده یا مولا
قیامتده جهانی بو صلا ذره ابیلش کورمز سنکا محتاجدر جمله شه و شهزاده یا مولا
اکر هر عاصیه لطفون ایله ابد سعادتدر اولور قهرون بیته چوخ عابد عباده یا مولا

نجه سن آغلاموم عباس تک باده بنی هاشم شهید اولدی سوسز بواولماز دنیاده یا مولا
علی اصغر اوخلوب شهید ایتدیله اعدا او طفلون قانی قومه قالا اعداده یا مولا
طوین کرب بلاده اشقیالر یا سه دوندردی او نجه آغلرم من قاسم داماده یا مولا
یزید بیچاده پیلرم من بو نه جرات ایدر اوتورسون تخت‌ده اول مجلس اعلاده یا مولا
شه کرب و بلانوک اول کسوک باشنی پر اردن پرالده خیزران چوب پرالده باده یا مولا
سکینه بیدنیک تیتر زرده اول بزم یزید ایچره باخانده شمر بیدین خنجر فولاده یا مولا
نجه اهل حرم تاب ایلدی بو ظلمه عالمده نه چوخ آرام وار در زینب و لیلاده یا مولا
جهانده کیمسیه اولموب بیله ظلم و ستم هرگز که اولاد زنا ایتدی بو پاک اولاده یا مولا
دیردلسوز سوز ایله همیشه وا حسین آغلر ایدر نوحه دما دم بو غم عظماده یا مولا
اونی سن لطفله قویمه قالا محشرده سرگردان کناه و جرم منی غوغایله بو افراده یا مولا

ایضا

کلمیوب مثلون جهانه یا امیر المومنین کلمز اوصافون بیانه یا امیر المومنین
خلق ایدبدر خالق یکتاسنی روز الست کائنات ایچره یگانه یا امیر المومنین
سایه مهرنده الیوب شو قیله بو مرغ دل ازلندن آشیانه یا امیر المومنین
ذره جه کر لطفون اولسه حشر اولنجه ایستمز خورد و خواب و آب و دانه یا امیر المومنین
کرسنون وصفونده صرف ایلسم عمر شکر ایلیم قانعم بو رزق کانه یا امیر المومنین
صد هزاران شکر اول خلاقه کیم مداح سنون مادح اولدم غاییانه یا امیر المومنین
تا او کوندن کیم سنون اولدوم جهانده بنده یتدیم عمر جاودانه یا امیر المومنین
هر کیم اولسه کر بو یولده سن پیدست اولیا سن یتوردون کاروانه یا امیر المومنین

عشقدن چون منع ایدر طعن ایدر زاهد لئیم | عاشقان و عارخانه یا امیرالمؤمنین

واردر چوق منکر سنوڭ وصفکده بو پرده | ایلیوب اللّه بهانه یا امیرالمؤمنین

بر یار منکرلرڭ انکاری آندا ولسون سنکا | باغریمی دوندردی قانه یا امیرالمؤمنین

سن سا کردنکشانه زیردست ایلیوب ادب | ایتمس چوق پهلوانه یا امیرالمؤمنین

دوستوڭ ها ولسیدر دشمنلرڭ کتمز بری | روضه باغ جنانه یا امیرالمؤمنین

حشر اولنده حکم خدا قیلسن حکم ایله سن | دوزخ ایچره مالکانه یا امیرالمؤمنین

هر ایکی دنیا بیزه سن مهربانسڭ ها موددن | جان فدا اس مهربانه یا امیرالمؤمنین

صاحب حمله راهدر اسم بو الامامین | فاش در اهل جهانه یا امیرالمؤمنین

چوق آیاردن اولوز دولونه جوردن جورات کنه بهانات | هر کیجه بوه زمانه یا امیرالمؤمنین

مادحم دلسوز زارم بر جه رحم ایت کلمشم | دهر الندن من الهه یا امیرالمؤمنین

دایما عرضم بودر لطفیله قیل نصرت مدام | پادشاه جم نشانه یا امیرالمؤمنین

و له ایضا

بو نفس شومڭ الندن من اینشدیم جانه یا مولا | شه مردانسن ترحم ایت منه مردانه یا مولا

مددم آغلر الندن پهلوانان قوی بازو | نه لر بس کورایدبدر بو من بیچاره یا مولا

پیمبرلر قیامتده دیرلر جمله وا نفسی | نه چاره ایلیوم اولکون من بیچاره یا مولا

ملایک ایچره کوی افندم درت رب یوز ایله عبا ذیله | کنه کلر اوردی بو نفس دنی شیطانه یا مولا

ولکن بو یقینمدر سنڭ هادی رهبر | سنوڭ لطفوڭ اولسه شیطان نیدر انسانه یا مولا

رجوعی یوقدر کافرلشدی فرمانکدن بو نفس | بودر فکرجی صالسون رخنه بو ایمانه یا مولا

ازل کوندن دوشوب بحر عصیانه ایچره غرق | سنوڭ مهروڭ چکه بلکه منی بر یانه یا مولا

نقدر اولسه حیاتم آتش عشقونده یانام من | اورادایم اوزن شمعه نیجه پروانه یا مولا

بو دور عرضم منم درکاه پاکوڭده سکا سن | او کسلرکیم باخرمدر آخرده خصمانه یا مولا

نه ایتمشدی دشمنلرڭ اولادنکا سیدن امت صونیه | بیله ظلم ایتدیلر کلمز یقین یابانه یا مولا

شهید ایتدیلر ازل مجتبانی بیحیا امت | سوایچره ویردیلر زهر اولشه در رانه

حسینی کربلایه اهل کوفه ایستدی مهمان | دلی چوق تخشی حرمت ایتدیلر مهمانه یا مولا

شهید ایتدیله جمله یاردان انصارین او صحراده | باتوردیلر علی اکبرین آل قانه یا مولا

طوی ایتدی کربلاده قاسمه و شامیلر مطلوب | متبدل ایتدیلر طویده خنالسین قانه یا مولا

رشید ولغلوڭ اوزون هولار القوم بینی تنغیرت | صالوب سو دیرمدیلر اصغر عطشانه یا مولا

حسینوڭ باشنی شمر ستمکر کسدی ظلمیله | که کلدی خیمه ده اهل حرم افغانه یا مولا

قوم اولسه روح کیجه کون قالدی نعشی | ایده غسل وکفن اول پیکر عریانه یا مولا

جهانده بو غم و محنت بیانیله تمام اولمز | دیدو کیجه اوددو شر هر دم دل سوزانه

بو غمده ذ یاد دلسوز سوزیله ایدر افغان | توکر کوزدن یوزه هر دم در صدانه

و له ایضا

ای ایکی دنیا شه والا مکانم یا علی | جسمکا اولسون فدا هر لحظه جانم یا علی

تا ازل کوندن خوب سرشت و خمیر دشمنم | حمد للّه کیم اولوب ورد زبانم یا علی

قبرده پاک ایتمزم نکرینیدن بر ذره جه | فضل و لطفڭ مهروڭ ولسه نهانم یا علی

داده یت محشر کونده ای امام انس و جن | یوق منم سندن سوا بر مهربانم یا علی

روسیاهم حدن و ندجرم و عصیانم منم | فاش اولوب دلیدن دیله سر نهانم

ادعا ایتمیم کرلاف و کزاف کذب اولور | یوخ منم عالمده تاب امتحانم یا علی

کیمسه دن یوخ فایده سنسن ایکی دنیاده منیم — هم حکیمیم حاکمیم هم حکمرانم یا علی
کرتیان ایچره چابوق قیبانیسلز جسیمم دریر — هم پدریم هم کوشتیم هم استخوانم یا علی
ریزه ریزه ده غرامم ال حکیمم سندن یقین — توکسه لر هر کونده کرپین دفعه قانم یا علی
خادم درکاه پاکوندر سنوون جمله ملک — ایو خزالجلال عرش آشیانم یا علی
خالق ارض و سما صفوون بیان عاجزی — ذره ذراتدن شرح و بیانم یا علی
اولقدر کیچمز یقیندر که قالمز دیر اده — غیر یوق اوصاف بر نام و نشانم یا علی
هر نه شعریم وار سنوون اوصافه خوبدن لطف — لغو در مجموع مدح داستانم یا علی
بو فنا دنیاده بر اولدیم عجب اولدر — کتدر قدرین بیلمدیم عمر جوانم یا علی
خلق اکر سیر کل و باغ ایتسه سنسن منیم — سیر باغ و بوستانم کلستانم یا علی
سن منیم مکم منیم قبلم منیم بیت اللهم — سن منیم محرم منیم هم آسمانم یا علی
باعث ایجاد مخلوقاتسن روز الست — ای بو دنیا هم او دنیا میزبانم یا علی
شک دکلدر جمله عالم چشمه فریاده بیت — ایلمز چرخه اثر آه و فغانم یا علی
سن علاج ایت ها موسی الله طاهر دردم — قلبده هر درد مخفی و عیانم یا علی
کیمسه یوقدر ایستدم دهر ارا سندن سنوون — ای منیم شاهم منیم سلطان و خانم یا علی
مادحم دلسوز زار الطفیله دوت بیرالم — ایشه دلده سوزم کامرانم یا علی

ایضاً منه

آدون ازبر ایدر دلبر دارها می دیلرده یا مولا — دیرلر یا علی بیرلرده هم کوکلرده یا مولا
بین ایلدن چوقدر ایدر کتمس سنن داربوبنا — ملائک ایلرله مدحون مسجد و منبرده یا مولا
ولکن بیلمدک بیزلر نه در اسما پاکون — خصوصا یا علی یا حیدر و صفدرده یا مولا

قولون

قولون هر نه الندر اولسه یکسردر مولا — نه قدرت واردر و قولده یا که بیر کرده
رعیت ایچره اول حکمدر سن سلیمان ویرنشدن — بیلور عالم اوپایه اولماد بوذرده یا مولا
بو ایشده قالمیشم من واله و حیران دیر — نه وارمن بیلمرم بونکته مضمرده یا مولا
عطاء حق ایلیوب هر چند بر ذره حقه اوزر حقتین — ولکن بو خدوتاب امتحان بیزلرده یا مولا
سنکا مدد ذات عالم قنبر لیه من — ولکن چوخ تفاوت وار من و قنبرده یا مولا
بنکا چون اولماد قسمت حضورا بر آنتورون — حضورندیدی قنبر دایما چوق بردهیا مولا
سنی خلاق عالم ایلیوبدر کوثره ساقی — بیزه سیراب ایدرسن چشمه کوثرده یا مولا
کوکر فرلاله و نسرین هر بیر شوره زاراوله — نجه مهر و نموا ایدر دل کافرده یا مولا
اکر بیزده کنهکار وق ولی انکار بیز یوقدر — دیرهر مؤمن و فاسق کنه ظاهرده یا مولا
سنون وصفونده شاد اولمدی سنده کربلا یاده — کلور اولدمده شوریابه بوقلبم دردده یا مولا
او کون بس ها رده قالمشدی زمین کربلا سلکر اکبره — اورادی الایاق اکبر دم خنجرده یا مولا
خبات قاسمون نعشی ایاق آلتنده قالمشدی — طوآیله باسی اولدی ظلمله بیرترده یا مولا
نه قدر عباسی دشمنلر کوردی قلب لشکرده — تزلزل وار ایدی یکسر دل لشکرده یا مولا
او نون ها صالدیلر قولاری نحر فرات اوسته — باشین کسماقه جنک اندی ربسا سرکرده یا مولا
دیر دیلر علم لر وسهسالار و نغادر — سر سردار درچوق لطف واربو سرده یا مولا
خداوندا سیون لعنت بو نه بغض و عدو اندر — یزید ردسیاه و ظالم ابترده یا مولا
نه کین وار ابن سعد و نوفل و ابن زیاد ملعونلر — سنان ولخولی وشمر ستمپروردده یا مولا
شه کرب و بلایه تشنه لب اولدر دیلر آنا — نه تقصیر و کنه کوردیلر اول سروردده یا مولا
علی اکبر لیه حضرت عباس و قاسمده — و یا عبدالله و یا طفل علی اصغرده یا مولا

سینه زن

آغلادی اول شاهزاده اکبره — انس و جن و مؤمن شیعه دکا فریوکون
عالمه یوز عیاندر شیعه لر — نوجوان داغی یاندر شیعه لر
آغلیون اکبر جواندر شیعه لر — پاره پاره اولمش اول سرور بوکون
اذن میدانی آلدی چون اول نوجوان — تا اوله میدانه شوقیله روان
ناگهان کلدی سکینه با فغان — دامنندن توتدی اول مضطر بوکون
سویلدی کتمه اماندر یا اخا — یوخ بوا هر کوفه ده هرگز وفا
اولدورورلر سنی قوم دغا — تو کلورهم باشمه کللر بوکون
کرسنی اولدرسه بو شمر شریر دستگیر — بو مشخصدر منی ایلر اسیر
اولمه راضی با جون اولسون — سیلی اورسون شمر بد اختر بوکون
ای حرم حشره کمی سوداخی من — حیفدر بو قامته کیمه کفن
کس دیلیم سو استیم کار کتمه سن — فاطمه باجون یولون کوزلر بوکون
سویلدی اول نور چشم مصطفی — مانع اولما ای سکینه سن منکا
بابکه اولم یا کتورم سو سنکا — شاهد اولسون خالق داور بوکون
خیمه دن یوز قویدی میدان سمتنه — حمله اتدی قوم عدوان سمتنه
ال اوزاتدی تیغ بران سمتنه — توکدی میدان ایچره سر بیسر بوکون
جنک قلدی اول جوان حیدر کمی — یوزدی صفلر حیدر صفدر کمی
ذره باک اتمزدی شیر نر کمی — قیردی اول دشت ایچره جوق لشکر
بسکه دکدی جسمنه تیر و سنان — حددن آرتوق اول جواندن کیتدی قان
تشنه لقدن اولدی بی تاب و توان — دوشدی آتدن قالدی بی یاور بوکون

١٣٠

پیله داماد اولدی اول کان حجاب — حجله سین ظلمیله اتدیلر خراب
اللرینه یاغدیلر قاندن خضاب — اولمادی فرصت حنایه شیعه لر
عزم میدان اتدی چون اول نوجوان — یخشی دعوا اتدی اول شیر ژیان
هر سردن حمله اتدی کوفیان — آلدیلر بکیس آرایه شیعه لر
پاره پاره اتدیلر اول سروری — خاک ایله یکسان دشتده پیکری
کتدیلر افغانه آل حیدری — یتدی محنت مجتبایه شیعه لر
ایلدی قوم جفاجو هلهله — عالم امکانه دوشدی غلغله
ایلدی بو ظلمدن یر زلزله — چخدی افغان نه سمایه شیعه لر
آلدی اطرافین اودم قوم لعین — پاره اتدستن پاره اوردی قوم کین
مجتبانی ایلدیلر دل غمین — کیم دوزر بیله بلایه شیعه لر
قالدی میدان بلاده نا امید — کوردی لشکر چون اونی فرد وحید
اتدیلر اول تازه دامادی شهید — یتدی غم آل عبایه شیعه لر
سویلدی اول کز یا عماه اودم — تاپ منی یالقوز لیوب قوم ستم
آغلادی بو محنته لوح و قلم — یتدی محنت انبیایه شیعه لر
کلدی اول دم پادشاه کربلا — حمله ایلوب قاچدی قوم اشقیا
کوتدی نعشین قاسمون با صد نوا — باسدی آغوشه لقایه شیعه لر
خیمه گاهه کتدی با صد درد و غم — فاطمه کوردی دیدی وا ابن عم
نوعروسون ناله و آهی او دم — اتدی اوج عرش علایه شیعه لر
قلدی داماد وسته افغان نوعروس — ایلدی نفرینی افغان نوعروس

١٣١

۱۳۴

واحسیناصوتی هردم عرشدن اولمش پدید
شاه دین بوقتله اولوبدر قانه غلطان ذوالجناح

کربابامون باشی اولسامن یتیم اولدم یقین
پر کرکوک باش نیزه ده اولمش نمایان ذوالجناح

بوکورلمبدر کسک باش نیزه اوسته دللینه
بوتلاوت ایلر آیات قرآن ذوالجناح

توزه ر توب میدانی کویا حشر اولوبدر آشکار
قان یاغر کوکدن دولوب بوقانلو میدان ذوالجناح

کربابام اولسه منی شمر شریر ایلر اسیر
خیمه گاهی لشکر ایلر ایمدی تالان ذوالجناح

کیت نجفده تیز بابام شیر خدایه ور خبر
تا اوزین یتکه بیتور رسول شاه مردان ذوالجناح

کلمه حیدر ایدر لشکر یزیدی تکسیر اسیر
رو یمه سیلی وررکوشمر نادان ذوالجناح

هر بیره دوشمش تماما انس و جن و بحر و بر
بو شهیه لسوز اولوبدر طرفه نوا خوان ذوالجناح

سینه زن

کرچه غلطان جمله تیغ و تیر و خنجر یاره سی
حشر اولنجه سینمزدن کیتمز اکبر یاره سی

گر بو دنیاده ازلدن کیمسه شاد اولمیوب
پیر پیغمبر بو جهاندا غمدن آزاد اولمیوب

اولیا و اوصیادن کیمسه شاد اولمیوب
وار خلیلون بیدیده حسینمز آذر یاره سی

خاصه آل مصطفی دائم مصیبت چکدیلر
ازلدن آخره عالمده ذلّت چکدیلر

دهر الندن چوق مشقت ظلم و محنت چکدیلر
هیچ کوردی بو امتدن نه غم یاره سی

قتلگاهه چکدرنده شمر آل حیدری
آخر در زینب بیچاره شاه عسکری

کوردی باشین تیز قوملر اوستنده قالوب
بل اسوب تو پرا غلده دوشمش سراسر یاره سی

عرض قیلدی ترکیدر شمر قطار دن یا اخا
بس نولوب اکبر بانی بو شدرجوادن یا اخا

کرچه مین قورنیوز اللی بیرده یارن یا اخا
کار یدزجمو عسندن اوغلون اکبر یاره سی

باجون اولسون یا اخا سن کیمی قربان کیم کوردی
پرسیون تک شاهی سیله قانه غلطان کیم کوردی

سینه زن

کوردر

۱۳۳

کوردریلاتوکولو طره اکبر قانی
غش ایدب هوشه کلوب قتیند ربادر قانی

دیدی ای عارض زیباسی اولان رشک ملک
کیمسه پرسیله ظلم ایتمیوب عالمده فلک

عالم ایجاد اولالی هانسی جوانک سن تک
بوریوب عرصه میدانی سراسر قانی

آه کوزومن ایله منیم دردیمه بیر چاره ده
بختی قویدون منی بو دشتده آواره اوغول

اولمیوب سن کمی جسمی سیله صدپاره اوغول
توکولوب گرچه بو چولده بنچه سرو قانی

هانسی ناکام جوان سن کمی عطشان اولدی
کربلاده اولوب اورقانه غلطان اولدی

کیم سنون کمی سوسوز دردیله جان اولدی
ایلدی لعل لبین سوبرینه تر قانی

قالدی قاسم کمی دیلده عجب اجن اوغول
اولدی طوی حجله سی برباد و ناشاد اوغول

جسمی صدپاره دوشوب قاسم داماد اوغول
قتلگهده ایلیوب اللرین احمر قانی

قاسمه بزم طرب اولمدی عالمده نصیب
نو عروسندان اولی آنده جدا جور رقیب

رسمدر تازه عروسه اولونور زینت و زیب
اولدی بو فاطمه نون زینتی معجر قانی

جسموه یتکه سنون ناوک پیکان دوزلوب
قان دامار ریش بین شدّه مرجان دوزلوب

قطره قطره سر زلفوندن اوغول قان دوزلوب
مشک تک ایلیوب آفاقی معطّر قانی

سر بسر کاریدی نون زخم سنان اوغول قدر
مه جبینونده ستاره کیمی یاره جوقدر

حشرده قالمیوه عذر و بهانه یو قدر
قالاجا الده نشان شمر بدیده خنجر قانی

قوللاری حضرت عباس اونون اولان وقته قلم
اولدی اسم شیر خدانون او شهر قامتی خم

هانسی مذهبده روا در سوله بو ظلم و ستم
امت عاصی توکه سبط پیمبر قانی

کسدیلر تا سوکتوره خضره آب حیات
سوکنارنده سوسوز حسرتیله ایتدی وفات

کسدیلر باشین اونون ظلمیله مانند فرات
جاری اولدی عمون عباس ولادرقانی

سینه زن

سینه زن

آه او کوندن که شه کربلا

ایلدی چون عزم دیار بلا

[illegible]

کربلا ایچره نا ثیله ذکوره تیدی سو — انس و جن و دیو و دد هم مار و موره تیدی سو

جمله سیراب اولدلر وحش و طیوره تیدی سو — تشنه لب جان ویردی اما اصغر عاشورا کونی

قوللاری عباسون اولدی ظلم ایله چون قلم — خانه ایمانه داغ اولدی سرنکون اولدی علم

اوردیلر کون کیمی باشلر نیزه یه قوم ستم — کسدیلر ظلمیله کاریک اللر عاشورا کونی

جان فدا اتمشدیلر چون کربلا سلطاننه — سروقدلر توکلمشدی بلا میداننه

صبحدن تا ظهر اولنجه باتدی بحیر قاننه — ظلم ایله تمشیش ایکی سرور عاشورا کونی

قالدی یالقوز کربلاده چونکه شاه کربلا — نه اوغول نه بیرجه قرداش وای زینه اقربا

زینب خاتون اودمده سویلیدی واحسرتا — کاش اولایدی کربلاده حیدر عاشورا کونی

یکه و تنها ایدردی جنک او شاه انس و جان — تیرباران اتدیلر جسم شریفین کوفیان

اوردیلر اول بسکه تیغ و خنجر و تیر و سنان — آچدی اولشه تیر و خنجردن پر عاشورا کونی

چونکه شاه کربلانی صالدیلر آتدن یره — کون حرارتولدی تیتردی یر کدی عالم بیر بیره

کربلا دشتنده بیکس قالدی عترت پیغمبره — آشکارا اولدی روز محشر عاشورا کونی

کسدی باشین تشنه لب شمر ستمگر دالیدن — کوندره تا که یزیده چیا یا ارمغان

ظلمیله اوردجیدی شاه دین باشین سنان — اوردی باشه خاتم پیغمبر عاشورا کونی

جان ویرنده اوغلی زهرا آه و افغان ایلدی — توشه عقبا کونوردالده عنوان ایلدی

آچدی باشین اوغلنون قانیله الوان ایلدی — حرم ایچون خاتون محشر معجر عاشورا کونی

قتلگهده توکدیلر اهل حرم کوز یاشینی — آچدیلر باشین بنددیلر اوسته یکبیر باشینی

بیری اوغلین اوخشوب اغلار دیبری قرداشینی — تیندی چرخون کوشنه چوخ سسلر عاشورا

شیعه لر بیزده اولایدی کربلا دشتنده کاش — اغنیا یکسر توکردی کوزلریندن قانلو یاش

[illegible]

[illegible]

کوردم اودم شمر ستم پروری — سویلیدی من ناقیه یا زینبا

سویلیدی یا شمر حیا ایتکله — آزییره بس جور و جفا ایتکله

بیرجه سوزم وار دور روا ایتکله — تیمیه بس مطلبه ای بیحیا

قتلگهه ظالم آپار بیزلری — تا کورم اول قرداشمون پیکری

هارده در شوب آخشیوم دل سرور — اغلیوم اوستنده من بینوا

باجیلر بیر کوره قرداشینی — نعشینون اوستنده آچه باشینی

شور ایله آغلوب توکه کوز یاشینی — آنالار اوغلین کوره زلفین بولا

شمر دیوب اوتدیله قتلگهه — چون اسیر اتدیله قتلگهه

ییتدیله سیر اتدیله قتلگهه — کوردیله کویا که اولبدر منا

قانه بلنمش هامو باش سیز بدن — قوملاردن اوستنده قالبی کفن

جمله سینون قدی چو بیر وسمن — خاصه علی اکبر گلگون قبا

زخم عدد بسکه دکوب جاننه — تیر و سنان قامت رعناسنه

کاکل و زلفی بلشوب قاننه — جانم اونون جسمنه اولسون فدا

پیر و جوان جمله در شوب نخل تاک — هاموسی صورتده مثال ملک

نیلدر کور بیرجه بو چرخ فلک — چرخه نه اتمشدیله آل عبا

آغلدی مجموع جهان قاسمون — حالنه ناکام جوان قاسمون

اللرینه یا خدیله قان قاسمون — اولمادی چون کربلاده حنا

اوخلادیلر حلق علی اصغری — اتدیله صد پاره علی اکبری

کسدیلر اوشاهون هامی یاورین — قالدیلر اوشته دشتده بی اقربا

[illegible]

سینه زن

[illegible]

تا اینجه یوسفی اول پادشاه تاجدار — رنگی قاچدی تتردی زرد اولدی بی‌صبر و قرار
خیمه‌یه چیقدی حیدر رنک بلندن ذوالفقار — نه انجبا صه‌مندی تا اوزقویدی لشکره باشنه
تا یتوب میدانه اول شه حمله ایلدی بش کره — صفلر برهم قیلوب اوردی تمام ابر بره
الیوب الاقوی پراکنده تیشدی بیره — اوغلنون کوردی قویوب بیر کیز خنجر باشنه
ایسترکسون علی اکبرون باشین اوکر — ایلسون اول نوجوانه بر سیله ظلمیله جبر
قالمدی اول شاهده بیر ذره جه آرام و صبر — باشی اوسته اکبرون وردی اوسرور باشنه
کوتوردی نعشین خیمه‌کاهه کتدی اوشه جهان — سویکدی باجی دیلی اوغلن اتیسون ابتوان
آخر دیدار دیر ایلسون راز و نیاز — وخشاتوب اوغلنه صاسون قارهٔ معجر باشنه
اکبرن نعشین کوروب دل نور چشمان بتول — داعلیا سویلیوب عشقه ایلدی آل رسول
باشنی اوستنده سکینه کلثوم زار و ملول — نجه که قمری قونار سرو صنوبر باشنه
دیدی کیم صالدی سنی بابو حاله یا اخا — زخم جسمون کیم آچوب چون برک لاله یا
کوییدی حسرت کیم بنی بزم دنیاده یا اخا — بیر سیله ایشده کوروم کلشون و کافر باشنه
اوچشدی اول بلند قصد خزان قیردادشنی — برک کل اوسته توکوب شبنم کیمی کوز یاشنی
یولدی لیلی زلفی چون آچدی زینب باشنی — قاره صالدی ابردن خورشید وری باشنه
سویلیدی لیلی دغول پرچمش حق فاتلون — قانکا غلطان ایدوب بو نوعی زلف وکا کلون
خنجر بینه دکدی خنجر حضرت اسماعیلون — کلدی بیر سیله ایشه ایشدی الله هاجر باشنه
کوردی قیرداشین اولوبدر پاره پاره نوعروس — ابر بار اتک توکوب اشکین عذاره تو عروس
شمع رخساره یاخوب اول تحت قاره کوعروس — ده یندی پیروانه تک خواهر برادر باشنه
سویلدی قارداش سم اندی فلک من مضطر — بیلمرم اغلم سنکا من یا علی اکبره

صد شکر من روسیهه قسمت اولندی — شاعرلره میزان اوله پاشاه خراسان
بر نعمت عظمی دو جهانکا تیدی بو نعمت — دائم سیله احسان اوله پاشاه خراسان
باتسه سنکا محتاج دو محشرده اکر شخص — شوکتده سلیمان اوله پاشاه خراسان
هانی بو جلالون کوره مجموع سلاطین — سرکشته و حیران اوله پاشاه خراسان
حسرت چکرم تا کوره بر جمله پیمبر — من کیمی هراسان اوله پاشاه خراسان
مشکل و بهشده بو حرم بر سیله مانی — بیله قزل یوان اوله پاشاه خراسان
هر شیعه سنی ایلیه طوس ایچره زیارت — رحمت اونا هر آن اوله پاشاه خراسان
هر کیمسنه شوط ایلیه بو روضهٔ پاکون — قویما اوی پریشان اوله پاشاه خراسان
پاشاه رضا اولمه رضا زیرزارون — پابستهٔ ترکمان اوله پاشاه خراسان
سندن تتوب مطلبه یتمیش ایکی ملت — جایی که مسلمان اوله پاشاه خراسان
عجز بیله سنون درکهوه کلمشم الیشه — تا دردمه درمان اوله پاشاه خراسان
هر کیمسنه بو دردده دوا ایلیه تسلیم — حکمتده چو لقمان اوله پاشاه خراسان
من بیچه بیر لطفله چوخ ظاهر و صحیح — زایرلره غفران اوله پاشاه خراسان
مداحنکی دشمن چته هر کیمسه جهانده — خصمینه مردان اوله پاشاه خراسان
بو قدر غمی یا بسنکا عمرنده هر اوکر — بیر جه کیجه مهمان اوله پاشاه خراسان
یوخ قدر فقد قورخوسی زوران اوندا — حالجه کر عصیان اوله پاشاه خراسان
الله قبول ایلمیه حاق سنیز عبادت — کر بو ذرو سلمان اوله پاشاه خراسان
بنده نیچه تعریف دیر کسه خالق — مداح و ثناخوان اوله پاشاه خراسان
چکمز الینی هر ایکی دنیاده اکمکندن — هر کیمسنه انسان اوله پاشاه خراسان

[illegible]

١٣٦

تا ایشیدی بو سسی اول پادشاه تاجدار — رنکی قاچدی تیتردی زار اولدی بی صبر و قرار
خیمه‌یه کیردی چکدی حیدر رنک بلندن ذوالفقار — ذوالجناحه مندی تا اوز قویدی لشکر باشنه
تا ایتوب میدانه اول شه حمله ایتدی بر کره — صنفلر برهم قیلوب اوردی تمام بر بره
الیوب اول قومی پراکنده ایتدی بر بره — اوغلنون کوردی توتوب بر کیمسه خنجر باشنه
ایسترکن کسسون علی اکبرون باشین او کبر — ایلسون اول نوجوانه بر سله ظلمیله جبر
قالمدی اول شه ده بر ذره‌جه آرام و صبر — باشی اوسته اکبرون ووردی او سرور باشنه
کوتوردی نعشین خیمه‌گاهه کتدی اول شه جهان — سویلدی باجی دیلیدی اوغلن ایتسون شیون و آه
آخر دیدار در بیر ایلسون راز و نیاز — وخشالردن اوغلنی صالسون قاری معجر باشنه
اکبرون نعشین کوروب دل نور چشمان رسول — داغ علیبا سویلیوب عشق ایلدی آل رسول
باشنی اوستنده بکینه کلوب زار و ملول — نجه که قمری قونار سرو صنوبر باشنه
دیدی کیم صالدی سنی یا بو حاله یا اخا — زخم جسمون کیم آچوب چون برک لاله یا اخا
کوندیدی حسرت کیم نسیم نبی بزم د صبا لیه یا اخا — بر سله ایشده کوروم کلسون اوکافر باشنه
اوچشدی اول بلبل قصد خزان قیردی شیشنی — برک کل اوسته توکوب شبنم کیمی کوز یاشنی
یولدی لیلی زلفنی چون آچدی زینب باشنی — قاره صالدی ابردن خورشید خاور باشنه
سویلدی لیلی اوغول بر چمنش حوف قانلون — قانکا غلطان ایدوب بو نوع زلفون کاکلون
خنجر ینه دکدی خنجر حضرت اسماعیلون — کلمدی بر سله ایشن والله هاجر باشنه
کوردی قرداشین اولوبدر پاره پاره بو عروس — ابر باران تک توکوب اشکین عذاره تو عروس
شمع رخساره باخوب اول تحت قاره کوتوب — هندیر پروانه تک خواهر برادر باشنه
سویلدی قارداش ستم ایتدی فلک من مضطره — بیلمرم اغلم سنکامن یا علی اکبره

[illegible]

صد شکر

[illegible]

١٣٧

صد شکر من روسیهه قسمت اولوندی — شاعرلره میزان اوله یا شاه خراسان
بر نعمت عظمی که دو عالمه یتدی بو نعمت — دائم سله احسان اوله یا شاه خراسان
یا تسنه سنکا محتاجدر محشرده اکر شخص — شوکتده سلیمان اوله یا شاه خراسان
قانی بو جلالون کوره مجموع سلاطین — سرکشته و حیران اوله یا شاه خراسان
حسرت چکرم تا کوره بر حمله بیمبر — من کیمی هراسان اوله یا شاه خراسان
مشکلده بهشته بو حرم بر سله مانندی — سله قزل یوان اوله یا شاه خراسان
هر شیعه سنی ایلیه طوس ایچره زیارت — رحمت اونا هر آن اوله یا شاه خراسان
هر کیمسه شوط ایلیه بو روضه‌یه یا کوزان — قوبما او پریشان اوله یا شاه خراسان
پادشاه رضا اولمه رضا زیر زار و — پابسته ترکمان اوله یا شاه خراسان
سندن تشوب مطلبه یتمش ایکی ملت — جاییکه مسلمان اوله یا شاه خراسان
عجز ایله سنون درکهوه کلمش ایشه — تا دردمه درمان اوله یا شاه خراسان
بر کیمسه بو درده دوا ایلیه سلمز — حکمتده چو لقمان اوله یا شاه خراسان
من بیکسه بر لطفله چوخ ظاهر دلی ضنج — زایرلره غفران اوله یا شاه خراسان
مدحنکی دشمن چتا هر کیمسه جهانده — خصمی شه مردان اوله یا شاه خراسان
بو خدر غمی یا بته سنکا عمرنده هر اولکس — بیر جه کیجه مهمان اوله یا شاه خراسان
یوخ خدر غد قورخوسی زواران اوندا — عالمجه کر عصیان اوله یا شاه خراسان
الله قبول اولمیه حاق سنسز عبادات — کر بوذر و سلمان اوله یا شاه خراسان
بنده نجه تعریف دیر کیم خالق — مداح و ثناخوان اوله یا شاه خراسان
چکمز النی هر ایکی دنیا الکنده — هر کیمسه انسان اوله یا شاه خراسان

[illegible]

١٣٨

بارده کە رولوب خیمە دخرکاهی بیجون   بونوعله نالان اوله پاشاه خراسان

ظلمیله اسیر ایلیه لر اهل عیالین   زهرا دلی بریان اوله پاشاه خراسان

چپلاق دوه ده شامه کیده زینب خاتون   دایم ایشی افغان اوله پاشاه خراسان

بو باردار واردر که پیمبر اوله غمگین   دشمنلری خندان اوله پاشاه خراسان

شامی اهلی سالا بانه او زین العبانون   عمامه سی سوزان اوله پاشاه خراسان

بو باردار واردر که یزیدسک نحون   حکمیله بوطغیان اوله پاشاه خراسان

شمر آل علینی آپارا بزم یزیده   کافر کوره نالان اوله پاشاه خراسان

عباس علی کیمی جوانون قد سروی   تپراغیله یکسان اوله پاشاه خراسان

صدپاره دوشه جسم علی اکبر ناکام   اوز قانینه غلطان اوله پاشاه خراسان

اوز قانیله قاسم ناکام جوانون   کل الکراسی لوان اوله پاشاه خراسان

اصغر ویره جان شاه شهیدان الی اوسته   بر وقتیکه عطشان اوله پاشاه خراسان

کیمه رکه حسین ابن علی تک کیچه جاندن   تا شاه شهیدان اوله پاشاه خراسان

هرچند جهنم اودی کورمز بو عزاده   هرکیمسه نواخوان اوله پاشاه خراسان

سندن ده کرک محشره دلسوزون ابنده   پیرمهر بوفرمان اوله پاشاه خراسان

ولە ایضًا

ولی خدا اسن مدد یا علی   شه لافتی سن مدد یا علی

امیر عرب شیر حق لشکر   زمین و سماسن مدد یا علی

قسیم جحیم و جنان حاکم   قدرسن قضا سن مدد یا علی

اوله جمله ماسوی الله فنا   بشرده بقا سن مدد یا علی

بو دنیا

١٣٩

بو دنیا اودنیا هامی شیعوه   ره دور هنماسن مدد یا علی

سنجه پیر بوبونو شکرینی ائمیک   پیره پیشوا سن مدد یا علی

المدن دوت ای پیر در انس و جن   امام هدا سن مدد یا علی

ریا زاهدایلر سنکا کفر دور   شه بی ریا سن مدد یا علی

یوخ اوزکه امید پناهیم بکا   پناه و رجا سن مدد یا علی

منم بو قدو سندن سوا پیرکیم   بنکا مقتدا سن مدد یا علی

هامی بی وفا در بو اهل جهان   سن عین وفا سن مدد یا علی

پشیمان دکلک آشنالوق ایدن   عجب آشنا سن مدد یا علی

منم دردیمه یوخ دوا غیر سن   دوا سن شفا سن مدد یا علی

منه قبله سن سن منه کعبه سن   صفا سن منا سن مدد یا علی

جهان اهلی کر کیمیا آختارور   منه کیمیا سن مدد یا علی

دعا ایلر اوراد جن و بشر   منه سن دعا سن مدد یا علی

عطا قیل منه پرجه قلب سلیم   کنوز عطا سن مدد یا علی

کنه بحر غم ایچره غرق اولمشم   اوزون ناخدا سن مدد یا علی

بو مشکلده بن قالمشم حد قید   چو مشکل کشا سن مدد یا علی

کهی بزمه پیر روشنا ایستین   کهی روشنا سن مدد یا علی

اولورسن کهی حجله کوزدن نهان   کهی بر ملا سن مدد یا علی

که آدم کهی نوح کاهی خلیل   کهی ایلیا سن مدد یا علی

که عیسی و موسی سلیمان و خضر   کهی مرتضا سن مدد یا علی

۱۴۰

ولە قصیدە

علیدر عالم امکانە باعث	جهیم وجنّت ورضوانە باعث
علیدر منشأ کلّ فیوضات	علیدر رحمت سبحانە باعث
علیدر باعث ایجاد خلقت	علیدر لطف بی پایانە باعث
علیدر مالک ملک ولایت	علیدر مجمع قرآنە باعث
علیدر باطن اصل شریعت	علیدر دینلە ایمانە باعث
علیدر حاکم روز قیامت	علیدر کفّهٔ میزانە باعث
علیدر رهبر راه طریقت	علیدر جملە درویشانە باعث
علیدر آدم ونوح وسلیمان	علیدر یوسف کنعانە باعث
علیدر کشتی دریای رحمت	علیدر لجّهٔ عمّانە باعث
علیدر سرّ سبحان شاه مردان	علیدر افسر شاهانە باعث
علیدر ساقی کوثر علیدر	بهشت وحوری وغلمانە باعث
علیدر کوسترن فصل بهاری	علیدر بارش نیسانە باعث
علیدر خضرهٔ ظلمات رهبر	علیدر چشمهٔ حیوانە باعث
علیدر زینت محراب ومنبر	علیدر ملّت ارکانە باعث
علیدر بحر جود وبخشش	علیدر جملهٔ احسانە باعث
علیدر نایب شرع محمّد	علیدر رتبهٔ سلمانە باعث
علیدر تبری خارا اتدی تکسیر	علیدر ذلّت عدوانە باعث
علیدر قاسم خلد وجهنّم	علیدر آتش نیرانە باعث

عالم

۱۴۱

عالم اولسە عیش وعشرتلە اشقهٔ سرخ غلط	کاملە هرچند عیش روزگار اتمک غلط
سندن اوزکە بندهیە هرباده وعشق کرم غلط	یا خیال حسن زلف یار اتمک غلط
من مرید اولم سنون تا مرشدە ولم مرید	خدمت هر مرشد بی اقتدار اتمک غلط
مطلب دنیا وعقبی ایستیم کر سندەدر	التجا مردم ناساز کار اتمک غلط
سن ولیسن سن وصی سن سن امیر مؤمنان	سندن اوزکە بر خلیفە اختیار اتمک غلط
خالق عالم سنی مولا ایدوبدر عالمە	غیر حکم وخواهش پروردکار اتمک
سن صحیح مصطفی سن یا علی بی فاصلە	هر وصی یی اوزنبی بندن جدا اتمک غلط
اولسە هر کیمدە تبرا ایتمنون دشمنن	بلکە آزار محبّ ودوستدار اتمک غلط
کوندەمین یول یا علی فادیان قیتوندنکی	اوزکە یر یوخدر کیدەم دلسا قرارا اتمک
جیفهٔ دنیادن اوتری درکە پاکون قویوب	بر پارهٔ ایاک در کاهە کذار اتمک غلط
هر ایکی دنیادە هر مردانە یوخ سندن سوا	کاسهٔ لیسی در خرد وکبار اتمک غلط
خلقدن کسمک کرک بالمرّه امید طمع	دایما بو حرص نفسی انتظار اتمک غلط
ایلمک بو تبر کون عمر یلە تبر اوزرە زمین	روز وشب فکر وخیال بی شمار اتمک غلط
هر کیم ایمان اولە حقون حقنە تسلیم اولور	کە اوزین مثل کدا کە پادشاه اتمک غلط
فاعل مختار در انسان اکر یحاید	چرخ کردوندن آه ناله زار اتمک
لاابالی اولمق عالمدە دکل ظاهر پسند	زور یلە سرکش تمکین وقار اتمک غلط
عادت ابلیس در هرچند بو کبر وغرور	لیک عاقل چوخ اوزین خلق ایچرە خوار اتمک
جملە ایلر شماتت پیر وبرنا مردن	بو دلنی خلق اللّهه درد آشکار اتمک
کور مرم هر کیمە دە عهد وفا غیر از خفا	الّە ایلمدن صورهٔ خلقە اعتبار اتمک غلط

هم تقی وهم نقی هم حسن در عسکری — هم محمد مهدی نور هدی در داد رس

صد قله دلسوز دوت بو هشت و چار تو — روز محشرده بوادن دوت پیشوا در

لد نصیحا

ایکو کل هر کیمسه در سه دامن مولایه چنک — چکلزال کرا وسته نفس آتسه مین تیر و تفنک

بو مشخصدر که انسان هوشیار اولسون کرک — متصل نفسیله عقل ایلیه ین جنک ایلکنده

هر کسون با شنده دلسه عشق مولا نیلری — نشأه افیون بادهٔ یا ایل چرس و بنک

نطفهٔ پاک دلسه کر مدح ولی ایتسه ده — بی تامل منکر سیدین تک ایتیمزدر نک

مطمئنه نفس ایستر با که بیر قلب سلیم — مدح مولا فی قبول ایتمز جهانده بیر ذرد نک

بیل منیم قلبم یقین مرآت مولادر قریب — کل منیم بو قلبمون آیینه سینه ایرمه سنک

یا من مجنونه لیلادن دی باکیم اول خموش — پند سهو دلمه ناصح باشمی چوخ ایتمه دنک

بندیه پند ایتکو سنون بیجا دو بیل نیز را — باغبان بیجز د باغه دیره سو با سوءنک

لطف مولادن دیقین ایتزا هدا بو دهر ده — هر نیجه اولسه سوردنم منزلکه بابای لنک

اولله منده جهانبون شوکتندن کیمچشم — عاشق کرنک یار ایسترنه ایلر یام و رنک

عشقدن قلبم آچیلر لحظه مولا ایلور — کرچه لنسه اللی پرده ساز و دف تنبور و جنک

کوی مولا بندیه باغ جنانندن تخشدر — کل فضائلد تحمیدر قلبمده تمثیل رنک

بنده کر هر نه دانش سام مدح مولادن سوآ — ما سوی فانه در لهو و لعب پوچ و جفنک

اولمسه هر سینه ده حب امیر المؤمنین — هر زمان اول سینه دکسون کوی ردم بوز زمین خدنک

لال اولا اول دیه مولادن اوزکه مرده مدح — کور اوله اول کوز سوه مولادن اوزکه شوخ و شنک

هر کیمون قلبنده دلسه مهر مولا ذره جه — قلبینون آیینه سین باسمز غبار کرد و زنک

اکرامولته مراتبین ادلور لرزنده نا مره — دکر حکم ایلین بکیر چیخار ابداندن رواح

کو تو رسن کر نظر بر آن جهان معدوم آنکجر — جهان مشکوة در کو یا سنون نوردن انکا مصباح

جهانده هیچ تخمیوبدر سا حلکه سالم کشتی — سنون تا اسم پاکون ایتمینجه ذکر هر ملاح

امام بحر و برسن و تی داد کر سنسن — جهانه بانی کر سنسن نه چون معمار یا مساح

زمین و آسمانون طرحنی سن ایتمکسن آما — نه مثل سایر معمار طرح انداز یا طراح

ها مو مخلوقه مولاسن منه سن بندان اولا — هامی شیادن اعلاسن صفات جلیدا الاصلاح

وصی مصطفی سن باب شبیر و شبر شاه — آدن حیدر آتون دلدل اتون پیرون تسباح

سن اول شیر خداسن یاد ایتد سنکا هیمتا — اولانمز بیر یارا روباه خرس با سکتباح

بمز غم هر ایکی دنیاده ولله سلامتدر — اولا هر کیم محبت باغون ایچره زارع فلاح

سنون حقون بنه کوندان ایشقدر خفه آند — دکل لازم نصیحت بیر پاره نصاح

تیر مطلوبه یابتد دست خالی اولمز عالمده — سنون کر کوی عشقونده یتا اتسه هر ستباح

یا پشسا صد قبلیه هر کس سنون دامان یا کوندن — دخی هر کیمسه ایتمز جهانده تحجز یا الحاح

سنون مهر دن بو دنیاده درین یاد دوفقری — کو رو نمزلر اودریا ایچره هر غوّاص هر سباح

محبون جرم و عصیان زخمنه روز قیامتده — تا بولمز بیر سنون مهر وندان اوزکه مرهم و جراح

اکرچه خلق اوزرا الامحبت دوست یاد دشمن — نه لی فتقی بر وزر ایلر مثال احمد سفاح

محبت اولسه هر کسده وزین معلوم اولور آخر — نیجه سلمان و بو ذر قنبر و یا میثم و طرماح

سنون لطفون منی قاتیر دیجوخ برا هه بولار دار — تا یو لمز دمنم تک هیچ کوی شاعر فصاحت لاح

بحمد لله سنکا اقبال یار و بخت رام اولدی — او کوند ان کیم اوصافوا اندیم من انشاء مداح

ایدر هر لحظه یوز بین شکر اول خلاقه تو دلکون — سنکا او لمش کده کلندن بو جهانده چاکر و مداح

هر کیمسه اوز مولاسنی پاک و مطهر بیله | اولمز ایکی دنیا اوزی جبس جحیمدن خلاص

هر کیم اما مین د هر ده یا محرم محرم بیله | محرم ده یا محرم مدرا و اولمش او محرمدن خلاص

ابراهیم ادهم اکر ال چکدی تاج و تختدن | ادهم خلاص اولدی و یا تخت اولدی ادهمدن خلاص

مولا آدین حک ایلدی تا سینه سنده صدقیله | اولدی سلیمان دهرده تشویش خاتمدن خلاص

اسم الهی چون ورد ایتدی لیل صبح و شام | کنعانده اولدی بلی یوسف چه غمدن خلاص

نام علینی ورد ایده هر کیمس دلنده روز و شب | موسی کبی یا بته اولور نفرین بلعمدن خلاص

هر کیمسنون افسونی کر نام ولی الله اوله | هم نیش عقربدن اولور هم مارارقمدن خلاص

سالسه نظر کر لطفیله بیر مرد دنیایه وولی | دعوا کونی عشک اولور صمصام رستمدن خلاص

عالم سراسر پهلوان اولسیدی کر هیچ کونی | هرکز بیری اولمز ایدی اول شمشیر دو دمدن خلاص

بو نکته نی من بیلدیم آیاندن انس اولمیدی | بیر ضربت تیغ سکدون ابن ملجمدن خلاص

شاه شهید کربلا سویکر دایم اولمزا | هرکز بلا و محنت ماه محرمدن خلاص

شمر لعین یا شم کسر لب تشنه عاشوراکوکی | تا حشر اولنجه شیعه لر اولمزله ماتمدن خلاص

دکسه محب حیدرون کر زخم کاری جسمنه | یوخ بیر ذره اولوب جراح و مرهمدن خلاص

جور فلکدن کلمشم افغانه یا مولا امان | لطفیله قیل الله آچو جور دمادمدن خلاص

دنیا و عقبی ده دمون با الله آینده در | محشر کونی ایله منی بر جرم ناممدن خلاص

عرضم بودر یا بو کدا پر شوق و ذوقی لطف قید | بلکه اولام بو عار ضعیفی بیهوده نشاءمدن خلاص

فریاده یت یا مرتضی ای شیر الهدن لطفیله | قیل دهر را من بیکسی بو چشم پر نمدن خلاص

بو نوع ایچبه کر منم امر معاشم یا علی | کرده دون دون اولمزمنم بو آه نالمدن خلاص

سن یا علی دلسوز رون لطفیله قیل قلبین غمکینی | الهی بو خلق ایچره آنی دنیا رود در همدن خلاص

زور بازو مشقتین آلدی ملک شتر مدام | علم و حلم بو ذر و مقداد و سلمان آندی اخذ

ظاهر بیر کلمه کر سلمانه تعلیم ایلدون | باطن معناده بیر دریا عمان آندی اخذ

حقی تعلیم ایتمسیدون خلقه ظلمتدن بلیره | کلمه توحیدسندن انس هم جان آندی اخذ

چو خلاره دشوار یدی هر چند لفظون یا علی | لیک چوخلر مطلبی لفظوندن آسان آندی اخذ

واریدی پیمبرون یانده چوخ اصحاب اکر | نصفی عدل و رحم نصفی ظلم و طغیان آندی اخذ

کبر بغضده تحصیل لعن و طعن یاره | شیعه لر چون نده خلق جور و غلمان آندی اخذ

حکمرم ال سنون ذمانه کوندن یقین | فیض سندن هامی کس عالمده ارزان آندی

یا علی قیل بیر نظر سن بینوایه لطفیله | سن چون مهر ون خلایق ذره و مرجان

جان ایله دلسوز اولماحوندو یا مولا سنون | رحم قیل دنیاده دایم جرم و عصیان آندی اخذ

قصیده

هر کیمسه ولی روضه سینه ایتسه نظاره | کویا که اید و بدر تازه دن عمر دوباره

هر کیمسه نجفده اوشهی ایتسه زیارت | عشک او قیامت کونی یا نمز دوزخی یاره

محشرده قدم محشره تا باسمیجه حیدره | هر کیمسنه نون او لمیه حکی دنه چاره

دشمن دوته کر قلبده اولسه دوری هر کیمسه | یا تخم زنا در او ویا حیز هزاره

مین آیه اگر نازل اوله قومیه حیدره | حشره کمی منکر یقین انکار کناره

چوق کیمسه اور ر لاف محبت نه مناسب | خوش حالنه کر کتمه محبتله نزاره

شیعه او در ال چکمیه اولاد علی دن | منصور کمی کرچکه لر دهر ده داره

نه فایده پیمبر علی عمر ایده ابن آن | دایم تکه کور حشره کمی لبل و نهاره

بو قدر ثمری مثل بهایم اوله غافل | بر ویر مبه تشخیص بهار یله خزانه

القصه سلامت قالاجق مال و منالی دلسوز یوم آغزدن پیله سوزنده داغ جگرده
تبریزدن هر کیم قاچه پیرا و زکه دیانه معشی ایشدر قتلون ایچون ایرانشاه

ولہ

یا اله العالمین سن ایدن دنیانی حفظ — بلکه نه دنیا و هم دنیا و ما فیهانی حفظ
یا کریم و یا رحیم و یا غفور و یا رؤف — سن عالمده ایدن شیطاندن انسانی حفظ
ساخلایان سنسن بو نه افلاکی دائم مستوی — ایلین سنسن سراسر عالم امکانی حفظ
مهر و ماهیله چراغان ایلیوبسن عالمی — سن ایدن اختر و مهر و مه تابانی حفظ
یوقدر سندن غیری بر خالق و حی و فردین — سنسن انجیلی ایدن کوه حت غبرانی حفظ
رود نیله قهر ایله غرق ایلدن فرعونی — ایلدون سن لطف ایله اول حضرت موسانی حفظ
بر یوزنده ساخلین سنسن دخی خضری مدام — دوردنجی کوکده سنسن ایلین عیسانی حفظ
سن قیوردن حضرت یعقوبه اوغلن مصرده — ایلدون زندانده سن یوسف کنعانی حفظ
ساخلادون مدت بالق قارنینده زنده یونسی — ایلدون سن یونسی هم حوت و هم دریانی حفظ
ایلدون ابراهیمی نمرود اودندن سن خلاص — لطفیله ایتدون سن اسماعیل تک قربانی حفظ
حضرت نوحون سن اولدن یاوری طوفانده — ایلدون سن قوم نوحی کشتی طوفانی حفظ
خاتم پیغمبره سن دائما ایتدون مدد — جمله دعوالرده سن ایتدون شه مردانی حفظ
موته دعواسنده وردون جعفره طیاره پر — جنت ایچره ایلدون سن اول شه بطحانی حفظ
سن ویروبسن دائما بو دین اسلامه رواج — ایلیوبسن سن بو شرع و ملت و ارکانی حفظ
دانه لر تپراق ایچنده سن ایدرسن سبز و تر — سنک ایچنده ایلین سن آتش سوزانی حفظ
سن ایدرسن عالمی گاهی بهار و گه خزان — یاغدیران سنسن ایدن سن هم بارانی حفظ

١٤٦

ولہ

الکوتور بغضندن ای منکر بی عار و حیا — ایلمه بر سلیه اول قدرت یزدانله بغض
لعنت حقه کرفتار ایلدی اودرا ورنی — ایتدی ملعون لعین شاه خراسانله بغض
توکدی کل شیعه لردن با شه تشنه طعمیله یزید — ایتدی بو جرم و کینه شاه شهیدانله بغض
ایلیوب حرمله لعین خلدن جهان — کبر ایتمزدی علی اصغر عطشانله بغض
اکبره قانه غلطان ایلدی شمر شریر — ایلدی شیر خدا ناطق قرآنله بغض
بارالها نه روادر بو جهان ایچره مدام — ایلیه زاغ و زغن طوطی خوش الحانله بغض
بیلمرم بو نه عدالتدر بو نه ظلم و ستم — نه روا سیدر اید کفر بو ایمانله بغض
قالمشم زار و معطل بو نه اوضاع دوکم — یغلوب جمله رعیت ایده سلطانله بغض
کاملون قدرینی هر جاهل نادان نه بیلور — حکمت اهلی ایلمز ذره جه لقمانله بغض
یازدیلر نامه شه دینی کتوردیلر قنق — کسدیلر سویو زینه ایتدیله مهمانله بغض
لعنت حق اوله اول قومه که بو جرم و گناه — کسدیلر تشنه لب ایتدیله اول قربانله بغض
بو نجه ظلمده و یاران نه عدو ایتدی و کوردی — ساربان ایلدی بر بکر عریانله بغض
کسدی پرال کلاه وال حقه اوجامه مدام — ایتمه دی اول هیچ عاقل و دانله بغض
نجه من ابن زیاده ایلموم لعن مدام — کر و ملعونلری ایلیه زمره پاکانله بغض
ظلمیله ایلدیلر عترت طاهانی اسیر — اهل کوفه ایلدی خیل اسیرانله بغض
آغلرم تا نفسم ساغدر و جانم جانانه — ایدر یوز مین نفر اعدا انیکی بر جانله بغض
شمردون شامه آپاردی شه دینون باشین — اهل شام ایلدیلر شاه غریبانله بغض
خیزران چوبی ایله شرم ایلموب اوردی یزید — ایلدی کور نجه لبلر نجه دندانله بغض
دلسوزا آغله کلن اولشه عطشانه مدام — شمردن ایلدی اول شافع عصیانله بغض

١٤٧

اولوب هر کیمسه قائل بو شه دورانه واللهی
اولوبدر جمله کفر و شرک و طغیاندن فارغ

بو مولانک نه هر کیمسه دشمن حقده شمندر
دخی انلر اولمش دنیله ایماندن فارغ

اوله هر کیم مریض عشق مولا ذره باک اتمز
اولوربدر جمله درد و جمله درماندن فارغ

بو مولانون رضاسی اولمسه طاعت قبول اولمز
اولوبدر مبغضانی غفران بی پایاندن فارغ

بنکا عادیر رضاسی یوخ یا کیم بغضیندر
سون مولانی اولمز تهمت ناداندن فارغ

ابدر عدلیله دیوان اول ولی رجعتده
اولور منکر نجه اولکونده دیواندن فارغ

آلور کفاردن اولکون قصاص شیعه نک تکمیر
اولانمز کیمسه تیغ صاحب دیواندن فارغ

اولملونون محبت عشقی ایلوب روز ازلدن
دل فضولیک جور عالم امکاندن فارغ

وله

یا علی ایلر کوکل دایم جمالون آرزو
یعنی وجه الله اولان رخسارلون آرزو

اللی ایلدر آتش هجرونده یانام صبح و شام
ایلرم صبح و سحر قرب وصالون آرزو

چمن نطقن طوپ عالم سنون قد نهالوندن
اول سببدن ایلرم قد نهالون آرزو

یوسف کنعان حسن و دل ملاحتده ایدر
ای ملاحت کانی حسن و خط و خالون آرزو

رتبه کیم خالق عالم سنکا ایلوب عطا
انبیالر جمله ایلرلر جلالون آرزو

اولیالر آستانونده دوروب ایلرشول ان
جمله ساعتلر ایدرلر سوالون آرزو

پادشهلر ایکی دنیاده ایلرلر سنون
پایه سلطان و قنبرله بلالون آرزو

ماسوی الله کوز تکوب محشرده ابرار تک
چشمه کوثرده کی آب زلالون آرزو

روضه پرنوره ایلر هیچ کعبه ر
شعر و کوه منا ایلر تلالون آرزو

معدن یاقوت و الماس و در و کوهر
جمله سی ایلر سنون کوی سفالون آرزو

اوله

اوله هر کیمده شریعتده ایما ایلر سنون
امر و نهی و هم حلال و هم حرامون آرزو

چوخلر ایلر ایکی دنیا قیسیندر منم
پایه دلسوز زاره یالون آرزو

میلمه دنیاده ما فیهالی ویرسن ایستیم
ایلرم دایم وصال بیمثالون آرزو

مستزاد

ساقی بنکا لطف ایت می میخانه وحدت
واضحدر بوکثرتده اولور رنج و مشقت
هیچ اوده بوکثرت
بین کونه مضرت

بو کردش دورانده بر ذره وفا یوخ
بو غم اولوب روز ازلدن بنه قسمت
جور ایله جفا چوخ
یوخ قلبده بهجت

اولسون قسم و زجانکا تیدم ذخی جانانه
یوخ جمله آفاقده بر ذره محبت
بر اتدی زمانه
آنده اولا حرمت

هر شخصه یلیه نا دیدی دل دوشدی بلایه
آیا کیم ایله بس ایده لوم دهرده الفت
آهیله نوایه
بر لحظه صحبت

بیر دردیلن بو قدر که دردا ایلیم اظهار
یوخ کیمسه دن فایده بو دهرده الآن
من بیکس و بی یار
غیر از شه مردان

هر کیم اوشهی بیلمیه مولا ایکی دنیا
آیینه کبی قلبنی باصمش غم و محنت
ذکرم بو در اف
زنکلیله کدورت

بر شیر خدادر ایدن عالملره نصرت
خلاق جهان ایسون اولنکا فره لعنت
اول صاحب همت
تا روز قیامت

هر کس یلیجه دوز کتمه سرمنزله تیمز
مقصوده تیشمز

اولوب هر کیمسه قائل بوشه دورانه والتقیے ... اولوبدر جمله کفر و شرکت و طغیاندن فارغ

بو مولاینه هر کیمسه دشمن حقه د شمندر ... دخی باللّٰه دلمش دنیله ایماندن فارغ

اوله هر کیم مریض عشق مولا ذره با گرتمز ... اولوبدر جمله درد و جمله درماندن فارغ

بو مولانون رضاسیله اولمسه طاعتی قبول اولمز ... اولوبدر منبع غفران بی پایاندن فارغ

بنکا غادی رضاسی یوخ با کم تقصیندر ... سون مولانی اولمز تهمت نادیدن فارغ

ایدر عقلیله دیوان دل المیے دو بستند رجعتند ... اولور منکر نجه اولکوندر دیواندن فارغ

آلور کفاردن اولکون قصاص شیعیانی تحسین ... اولانمز کیمسه تیغ صاحب دیواندن فارغ

اولمانون محبت عشقنے ایلوب روز ازلدن ... دل دلسوز جور عالم امکاندن فارغ

وله

یا علیا بلر کو کل دایم جمالون آرزو ... یعنی وجه اللّٰه اولان خساره لون آرزو

الله ایلدر آتش هجرونده یانام صبح و شام ... ایکرم دسحر قرب وصالون آرزو

چون تا پوب عالم سون قدنها لوندن نظر ... اول سببدن ایلرم قدنها لون آرزو

یوسف کنعان دحسن دل ملاحتکه ایدر ... ای ملاحت کانی حسن و خط و خالون آرزو

رتبه کیم خالق عالم سنکا ایلوب عطا ... انبیالر جمله ایلرلر جلالون آرزو

اولیا کر آستانونده دورب ایلر شوان ... جمله سائلر ایدرلر سوالون آرزو

پادشهلر هر ایکی دنیاده ایلر کستون ... پایه سلیمان و قنبر له بلالون آرزو

ما سوا اللّٰه کوز تکوب محشرده ایلرلر ... چشمه کوثر دکے آب زلالون آرزو

روضه پر نوروا ایلر همیشه کعبه رشک ... شعر و کوه منا ایلر بلا لون آرزو

معدن یاقوت والماس در و گوهر ... جمله سی ایلرسون کوی سخالون آرزو

اوله هر کیمده شریعته ایما ایرسون ... امر و نهی و هم حلال و هم حلالون آرزو

چو خلر ایلر هر ایکی دنیا یقیندر منم ... پایه دلسوز زار با یالون آرزو

مبلمه دنیا و ما فیهانی ویرسن بستیم ... ایلرم دایم وصال بیمثالون آرزو

مستزاد

ساقی بنکا لطف ایت می میخانه وحدت ... واضحدر بو کثرته اولور رنج و مشقت

هیچ ادو بو کثرت ... هین کونه منصرت

بو کردش دورانده بر ذره وفا یوخ ... بو غم اولوب روز ازلدن منه قسمت

جور یله جفا چوخ ... یوخ قلبده بهجت

اولسون قسم و زجانکا تیدم دخی جانه ... یوخ جمله آفاقده بر ذره محبت

بیراندی زمانه ... آنده دلا غربت

هر شخصه بلے تا دیدی دل دوشدی بلایه ... ایا کیم ایله بن ایده لوم دهر ده الفت

آهیله نوایه ... بر لحظه صحبت

بیر درد بیلن بو قدکه دردا ایلیم اظهار ... یوخ کیمسه دن فایده بو دهرده الان

من بیکس و بی یار ... غیر از شه مردان

هر کیم او شهی بیلمیه مولا ایکی دنیا ... آیینه کمی قلبی باسمش غم و محنت

ذکرم بو در انفاس ... زنکلمه کدورت

بر شیر خدادر ایدن عالمه نصرت ... خلاق جهان ایسون او نکافره لعنت

اول صاحب همت ... تا روز قیامت

هر کس یولیدہ دوز کتمه سه منزله یتمز ... مقصوده یتشمز

حفظ ایلیون الله کوردوم شاه جهانی | بوظل خداسنی
عالمده تا پولمز بیله خوش طینت و فطرت | هر من کیمی ماه دهلرا ایدر نشر فضائل
خواهان رعیت | شاه ولمسه عادل
تا وار بو جهان وار اوله دایم بیله دولت | ایکاش اولایدوق دکونکی کرب بلاده
بو شان و بو شوکت | اولدشت بلاده
قالمشدی وحید اولسه دریای کرامت | پر باینده علی اکبری لمشدله الدن
اسیر دیله بیعت | سالمشدله دلدن
طوی دوتمشدی قاسمه پر باینده او حضرت | سالمشدله قوللارینی عباس علیلیون
نه عیش نه عشرت | فرزند دلینون
ال ویرمشدی دلشهه مین کونه مصیبت | پر باینده علی اصغر دوتمشدی سو سوزدن
مین دن بیری غربت | لب تشنه و عطشان
پر باینده ایدردی آناسی شورش و وحشت | پر باینده عمر سعد جفاکار ستمکر
اول بانوی عصمت | اول مرتد کافر
هر لحظه ایدردی شه دورانه شماتت | پر باینده چکوب شمر دنی خنجر خونریز
ارزوی عداوت | ایلردی دمین تیز
ایلردی او شاه شهیدی اولدرمکه عجلت | دلسوز غم شاه شهیدانی تمام ایت
با سرعت جرات | آز عیش حرام ایت

ذکر ایتسن اگر حشره کیمی یوخدو نهایت
مین پیله کتابت

سن

۱۵

سن اولمسایدون اولمزدی عالم | نه انس نه جان یا شاه مردان
سن اولمسایدون اولمزدی ملکه | بیرنک مسلمان یا شاه مردان
محشر کوننده سنسن قسیم | جنات و نیران یا شاه مردان
اولمش یقینیم یوق سندن اوزکه | محشرده سلطان یا شاه مردان
نه المده سن سن جهاندا | کرا ولسه قربان یا شاه مردان
محشرده قویمه دلسوز زاری | محزون و نالان یا شاه مردان

و له

آخر حجنده پیغمبر غدیر خم ده | عالمه جان ویردی اول سرور غدیر خمده
حکم ایدوب ناقه جهازندن صحابه اوزره | ویردیلر ترتیب پر منبر غدیر خمده
چیخدی اول شه منبر اوسته قیلدی پر خطبه بیان | ایلدی حمد شه داور غدیر خم ده
بعد حمد خالق داور بویوردی مصطفی | کوش ایدون یاران منکا یکسر غدیر خمده
حقدن یتمش منکا بو حکم حق تاکید ایله | جبرئیل آچمشدی ایدر پر غدیر خمده
نازل ایلوب حق منکا بو دیده بلغ آیه سین | حکم قیلمش خالق اکبر غدیر خمده
بو علینی هر کس حقه ولی بیلون کرک | جانشین در منیم حیدر غدیر خمده
کوتدی منبرده الی اوسته علینی مصطفی | خلق کوردی هامو سرتاسر غدیر خمده
سویلدی من هر کیمون مولاسیدم معنا علی | حق ایدوب بو سروری سرور غدیر خمده
ایلیوب حق بو علینون طاعتن واجب بیزه | ایها الناس اولمیون کافر غدیر خمده
بو علینون دشمنی پاکدر کور یر بهشت | حق ایدبدر دوستین اطهر غدیر خمده
اولدی راضی حق سیزون اسلام دن یوزدن | سیزدن الیلسیز علینی کر غدیر خمده

۱۵۱

جدّ و جهد ایتدی اوزین بلکه یتوره سون خیمیه
یاکنه اولی لیله سوکنوره سون خیمیه
نیلسون قول یوخ سوی یکیرلر او توره سون خیمیه
حسرتیله پیر یا جوب هر یانه عباس علی
سویلدی ای بچه‌لر من بو جاندن کیچمیشم
باش و جان و مالده هم عزّ و شاندن کیچمیشم
قول ندر حقّون یولنده باش و جان
جان دیروب روز ازل جانانه عباس علی
بیدر ایدلسوز بو نقلی سن ایله مختصر
اورمه دد بو عالم امکانه دیم سر بسر
اجر ویرسون سنون محشرده خلّاق بشر
صاحب اولسون روضهٔ رضوانه عباس علی

سینه زن

کل گلزار پیغمبر حسین وای
سرور سینهٔ حیدر حسین وای
گل گلدستهٔ باغ ولایت
دُر دردانهٔ بحر امامت
شه دین شافع یوم قیامت
شهید قوم بد اختر حسین وای
قالان بیچا نمان امّت یولنده
کیچن جاندن عیان امّت یولنده
ویرن لب تشنه جان امّت یولنده
آتاسی ساقی کوثر حسین وای
اولان کرب بلاده غسلی آل قان
قالان نعشی قوم اوسته اوچ کون عریان
ایدن نعشی باجدا باشنده جولان
دوشن جسمی یره بی سر حسین وای
کورنموب بیر بدنده آشکار
اولا بین یوز قوزا اوز بیر اللی یاره
اولان خنجرلریله پاره پاره
آچن او غلر دمنده پیر حسین وای
چاپان آت نعشی اوسته اشقیالر
یانان حالنه کل انبیالر
اوران باشه غمنده اولیالر
دین واضح یره کوکلر حسین وای
دوشن قولسوز علمدار آقام وای
کیدن جمله هوادار آقام وای

اول اولکس کیم ویدی تبریک مولاسینه
اندی انکار ولایت هر غدیر خمده
کرچه ظاهرده خلافت ایتدیلر تبریک اونون
لیک حقّی کیم ایدر مضمر غدیر خمده
حدّ یوق بیر کیمسه حقّون نور یا پال ایده
حق ایدر اوز نورینی انور غدیر خمده
تیمزا تمامه بو مولا وصفی تا روز جزا
با خلیل دلسوز هیچ فقر غدیر خمده
چون سلیمانه کتوردی مور بیر ران ملخ
تحفهٔ مولا قبول ایلر غدیر خمده

سینه بزن

ایستدی عزم ایلسون میدانه عباس علی
صالدی جنبش عالم امکانه عباس علی
صولت عباسه باخدی پادشاه کربلا
کوردی غیظ اوسته کلوب اول شیر حق
سیلدی بو غیظیله کر میدانه کیتسه کربلا
اودا اورکیم خبرمن عدوانه عباس علی
بو بینه قول صالدی عباسه او شاه تشنه لب
سویلدی کای معدن غیرت ایا کان ادب
کورمشدم سنده هر کز بیر بیله جوش غضب
عرض قیلدی بیل یتوبدر جانه عباس علی
اذن ویر تا من بو قومی تار و مار ایلیم بو کون
کتا یوینده سنون جانم نثار ایلیم بو کون
یا اولوم یا کوفه ایچره ... ایلیوم
آنلا سونلر مرد در مردانه عباس علی
قورخمورم من بیر عقاب اوسته کورم
نه دیرنه ایستر آل علیدن سر بسر
سن اگر ویرسن بو توفیق ایلرم زیر و زبر
کور تکوب سندن چخن فرمانه عباس علی
حکم قلسان بو کرده غرّارم بیر آن ده
ابن سعد قویمازم زنده قاله دوراندده
شمره باتیرادادارم بو عرصهٔ میدانده
آلسون او دستدن بیگانه عباس علی
حکم قیلدی شاه مظلومان ایا کان وفا
تشنه در آل علی سو قیلدی ارک باد اخطا
کوردی ویرمزدن انکا او لسر ورده
اکدی باش اولسر ورد دورانه عباس علی

اوروب اودکون امکانه بکیمنه دیردی دایم اول مضطر حسین دادی

اولنده اولمیین بزم عزاسی عزاسی جمله دردون دواسی

چیجوب افلاکه دلسوزدن نواسی

اولوب بو غمده سردفتر حسین دادی

رباعی

یا دلی الله سنکا یالقوز نه قنبر بنده در انس وجن وملائک وافلاک بکیر بنده در

بیلمین بنده سنی اوز بنده لوکی قنبروب بندیدر بنده سن اما سنکا عالم سراسر بنده در

تمام شد دیوان دلسوز حسب الفرمایش

مخدوم مکرم مشهدی ابوالقاسم تحریر شد

فی شهر جمادی الاول من شهور

سنه ۱۲۸۱

۱۵۴

Süleymaniye U. Kütüphanesi
Kısmı: Hacı Mahmud ef.
Yeni kayıt no: 3564
Eski kayıt no: